

تَحَدِيكَ رَوِيًّا لِهَيْئَاتِنَا



هیأت رزمندگان اسلام
معاونت فرهنگی



ویژه سخنرانان، مداحان و مدیران هیأت رزمندگان اسلام

بهمن ۱۳۹۸



مجموعه ای که پیش روی شما است تحلیل برخی رویداد های مهم است که محور های آن در نشست های هم اندیشی سیاسی با حضور نخبگان و صاحب نظران این عرصه تعیین و توسط کارشناسان مسائل روز تدوین و نگارش می گردد.

تلاش نویسندگان و تحلیل گران بر این است که مطالب ارائه شده نزدیک ترین تحلیل به دیدگاه های مقام معظم رهبری مدظله العالی باشد و مورد توجه و استفاده سخنرانان برای طرح در مناظر قرار گیرد. خوشحال خواهیم شد نظرات و پیشنهادات اصلاحی را برای تکمیل این مجموعه ارسال نمائید.

معاونت فرهنگی هیأت رزمندگان اسلام



هیأت رزمندگان اسلام

تلفن : ۸۸۹۶۰۴۳۰

نمبر : ۸۹۷۸۰۳۱۳

پست الکترونیک : info@ehayat.com

شماره پیامک : ۶۶۰۰۰۹۹۷۵۵



تَحْذِيرُ الْوَدَّاعِ

با آثار و مقالاتی از:

دکتر سعد الله زارعی

دکتر عبدالله گنجی

دکتر رسول سنایی راد

دکتر یدالله جوانی

عباس حاجی نجاری

رضا داوری

دکتر علیرضا معاف

دکتر سعد الله زارعی

۱۳ تا ۴

مکتب سلیمانی

دکتر عبدالله گنجی

۲۳ تا ۱۴

چرا پرچم داران مبارزه با تروریسم ترور می شوند؟

دکتر رسول سنایی راد

۲۹ تا ۲۴

منطق سیلی موشکی و پیامدهای آن

رضا داوری

۵۰ تا ۳۰

سیری در مفهوم و مصادیق «ایام الله» در کلام امامین
انقلاب با تکیه بر آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام

دکتر یدالله جوانی

۵۹ تا ۵۱

جایگاه و اهمیت رای مردم در جمهوری اسلامی

عباس حاجی نجاری

۷۳ تا ۶۰

الزامات تشکیل مجلس انقلابی و کارآمد در شرایط
تشدید جنگ همه جانبه دشمن

دکتر علیرضا معاف

۸۷ تا ۷۴

مجلس انقلابی و کارآمد؛ لازمه مردم سالاری
دینی کارآمد

تکلیف و دلہا

دکتر سعد اللہ زارعی

مکتب سلیمانی



پس از شهادت
عجاب‌انگیزش بسیاری
از نزدیک‌ترین‌ها به او و
آنان که سالیان طولانی
با او بودند و خالصانه به
او کمک می‌کردند هم
اعتراف کردند که درک
اندکی از او داشته‌اند.

تحلیل و ارزیابی

۵

پهن ماه ۱۳۶۸
هیأت‌رئیس‌مجلس



اگر چه جایگاه
سلیمانی در میان
ملت بزرگی که از
میان آنان برخاسته
و برای آنان بارها
به استقبال «مرگ
سرخ» رفت،
کاملاً معلوم بود،
اما تشییع ده‌ها
میلیونی پیکر او یک
«غافلگیری بزرگ»
به حساب آمد.

«سردار قاسم سلیمانی» پیش از شهادت، در کانون توجهات قرار داشت و نام او «پرتکرارترین» در محافل سیاسی، اجتماعی، امنیتی و رسانه‌ای بود. در این میان، بسیاری برای درک شخصیت او تلاش می‌کردند و رفتار و گفتار او را زیر نظر داشتند و بسیاری دیگر برای مقابله و خنثی کردن آثار فعالیت‌های او تلاش می‌کردند. این دسته نیز سعی زیادی کردند که او و افکار و رفتار او را در یابند. خیلی از این دو دسته موفق شدند و خیلی هم در درک او و افکار و اهدافش چندان راه به جایی نبردند. پس از شهادت عجاب‌انگیزش بسیاری از نزدیک‌ترین‌ها به او و آنان که سالیان طولانی با او بودند و خالصانه به او کمک می‌کردند هم اعتراف کردند که درک اندکی از او داشته‌اند.

سردار حاج قاسم سلیمانی به میزانی که در کانون توجه دوست و دشمن قرار داشت، از سوی دوستدارانش به عظیم‌ترین و استثنایی‌ترین شکل تشییع گردید و از سوی دشمنانش بارها و بارها مورد بحث و ارزیابی مجدد قرار گرفت و مسلماً تا سال‌ها این ارزیابی و بازایی ادامه خواهد یافت. اگر چه جایگاه سلیمانی در میان ملت بزرگی که از میان آنان برخاسته و برای آنان بارها به استقبال «مرگ سرخ» رفت، کاملاً معلوم بود، اما تشییع ده‌ها میلیونی پیکر او یک «غافلگیری بزرگ» به حساب آمد. تشییع او در این میان هر مرزی را درنوردید و در واقع او بدون آنکه دنبال آن باشد، احترامش را به همه تحمیل کرد. کم نبودند کسانی که با او در اعتقادات، اقدامات و دلبستگی‌هایش «اختلاف مبنایی» داشتند اما به احترام او تمام قامت ایستادند و به بزرگی‌اش اعتراف کردند.

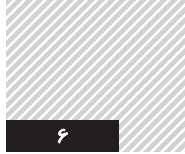
در این میان بلندترین عبارت‌ها درباره او، همان‌ها بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان نمود. در طول دو هفته پس از شهادت سردار سلیمانی، در کمترین مواجهه‌ای بود که امام خامنه‌ای - دامت برکاته - از او سخن نگویید و یا به بیان جمله‌ای اکتفا کند. اما مهم‌ترین کلیدواژه‌ای که ایشان درباره این شهید عزیر بیان کردند، «مکتب سلیمانی» بود و این عبارت را به ایشان مخصوص کردند و این سلیمانی را در تارک شهادی انقلاب اسلامی نشانند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در نماز جمعه تهران - ۲۷ دی ۹۸ - ضمن بیان بسیار مبسوطی که درباره سردار حاج قاسم سلیمانی ارائه کردند، فرمودند:



تشییع او در این میان هر مرزی را درنوردید و در واقع او بدون آنکه دنبال آن باشد، احترامش را به همه تحمیل کرد. کم نبودند کسانی که با او در اعتقادات، اقدامات و دلبستگی هایش «اختلاف مبنایی» داشتند اما به احترام او تمام قامت ایستادند و به بزرگی اش اعتراف کردند.

تخلیل و تزیینها



بهمن ماه ۱۳۹۸
حیات رزمندگان اسلام



مهم ترین
کلیدواژه‌های که
ایشان درباره این
شهید عزیز بیان
کردند، «مکتب
سلیمانی» بود و این
عبارت را به ایشان
مخصوص کردند و
این سلیمانی را در
تاریک شهدای انقلاب
اسلامی نشانند.

«در اینکه ما بیاثیم این حوادث را تقویم کنیم، قیمت گذاری کنیم، قدر آن‌ها را بدانیم و ببینیم که اندازه و قیمت این حوادث چقدر است، در صورتی تحقق پیدا می کند که ما به حاج قاسم سلیمانی، شهید عزیز، و ابومهدی، شهید عزیز، به چشم یک فرد نگاه نکنیم به آنها به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم. آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نبینیم بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم.

معنی مکتب

مکتب مجموعه‌ای است که در ابتدا به تفسیر انسان و جهان می پردازد و سپس بایدها و نبایدهای انسانی را مشخص و معین می سازد. هم نیاز انسان را به جهان بینی مرتفع می کند و هم یک نظام ارزشی برای زیستن و چگونه زیستن ارائه می دهد و در واقع مکتب مجموعه جهان بینی و ایدئولوژی یک انسان می باشد.

علامه شهید مرتضی مطهری - رضوان الله تعالی علیه - در مقدمه کتاب «جهان بینی اسلامی» (ص ۵۴) در معنی مکتب نوشته است: «یک تئوری کلی و یک طرح جامعه و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال انسان و تأمین سعادت همگان است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می باشد.»

ما اگر بخواهیم معنای مکتب را در عبارتی کوتاه بیاوریم و بدین وسیله مقصود خود را از «مکتب سلیمانی» بیان کنیم، باید بگوییم: «مجموعه‌ای از اعتقادات محکم و منسجم، رفتارهای مرتبط بر خاسته از اعتقادات، خلیات و نمودهای منبعث از اعتقادات و اعمال به گونه‌ای که از فرد شخصیتی الگو و جامع ارائه می دهد.» سردار سلیمانی واقعاً مصداق چنین انسانی بود. با نگاه اول به این خصوصیات ما به شخصیتی «فیلسوف» می رسیم اما واقعاً او یک فیلسوف و یادارای مشرب فلسفی خاصی نبود هر چند می توان از همه رفتارهای او به اصلی از اصول فلسفه اشاره داشت. او به صورت مالوف در مدرسه علمیه یا در دانشگاه تحصیل نکرده بود هر چند می توان او را فرزند حوزه‌های علمیه و علمی دانست و نیز می توان برای هر باور و رفتار و روش‌های او تفسیری دینی و علمی ارائه کرد و حتی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها به عنوان یک «مظهر» تدریس شود. همان طور که در بیان رهبر معظم انقلاب و در بیانیه شهادت او آمد شهید حاج قاسم سلیمانی پیرو مکتب امام خمینی بود و از این



بررسی رفتار سردار سلیمانی در طول دوره حیات سیاسی‌اش به ما می‌گوید او در عین آنکه از علوم مختلف انسانی بهره‌افری داشت و این عمدتاً به اهل مطالعه بودن و دقت او در متون علمی‌بازمی‌گشت، عقل بزرگی داشت و می‌توانست به خوبی درست و نادرست بودن آنچه در متون علمی یا به ظاهر علمی آمده است را دریابد.

تحلیل ژورنالی

۷

پهمن ماه ۱۳۶۸
هیأت‌رئیس‌رکنان اسلام



سلیمانی درکی نیز از آنچه می‌آموخت داشت و این درکی فراتر از متن بود.

نظر هر آنچه در تعلیمات دینی، سیاسی و اجتماعی آمده بود در وجود و رفتار این شهید تجلی داشت. او شخصیتی متدین بود اما آلوده به افکار تحجرآمیز نبود. او شخصیتی نواندیش و مبتکر بود اما آلوده به تجددمآبی نبود.

حکمت و درایت

میان حکمت و علم تفاوت عمده‌ای وجود دارد. علم دانایی است و حکمت به کارگیری دانایی در محل مناسب خود، راغب اصفهانی در «مفردات» خود، حکمت را «رسیدن به حق و واقع به واسطه علم و عقل» دانسته است. بررسی رفتار سردار سلیمانی در طول دوره حیات سیاسی‌اش به ما می‌گوید او در عین آنکه از علوم مختلف انسانی بهره‌افری داشت و این عمدتاً به اهل مطالعه بودن و دقت او در متون علمی‌بازمی‌گشت، عقل بزرگی داشت و می‌توانست به خوبی درست و نادرست بودن آنچه در متون علمی یا به ظاهر علمی آمده است را دریابد. او در همان حال با عقل خود می‌توانست به معانی عمیق‌تر از متن دست پیدا کند و آنها را به خوبی به زبان بیاورد. سلیمانی درکی نیز از آنچه می‌آموخت داشت و این درکی فراتر از متن بود. در مباحث علمی، یک اشکال عمده برای طالبان آن وجود دارد و آن غرق شدن در رودخانه جاری است که از قدیم راه افتاده و در طول زمان هر دانشمندی واوی بر آن افزوده و به مرور تبدیل به اصلی مسلم گردیده است. در این میان معدودی افراد وجود دارند که می‌توانند بر موج سوار شده و از غرق شدن در آن بدور باشند. «مشهورات زمانه» ریسمانی نیست که هر کسی یارای گسستن آن را داشته باشد. نکته دیگر این است که فرد وقتی با یک «علم» و «آگاهی» مواجه می‌شود باید زمان، مکان و موقعیت به کارگیری آن را نیز دریابد و به قول معروف جای به کارگیری سخن را بداند چه اگر غیر از این باشد، «سخن خوب» در جای نامناسب ضایع می‌گردد.

برخورد شهید والا مقام با پدیده‌ها ترکیبی از علم و درایت بود. ترکیب قاطعیت و محبت در حل و فصل پدیده‌های ناخوشایند به «حکمت عملی» منجر می‌شود و هزینه‌ها را کاهش می‌دهد. در ماجرای انتزاع کردستان از عراق که یک توطئه بزرگ علیه منطقه بود و می‌توانست به درگیری‌های متعددی در غرب آسیا منجر شود، سردار سلیمانی با علم به این مسئله وارد عمل شد. ابتدا با زبان ملامت و استفاده از روابط صمیمانه از رهبران کرد عراق خواست همه‌پرسی را کنار بگذارند

و حقوق خود را از طریق مذاکره با دولت مرکزی عراق دنبال کنند و به آنان گفت من همه توانم را برای وادار کردن دوستان عراقی به انجام تعهدات خود به کار می‌گیرم ولی رهبران کرد با محوریت «مسعود بارزانی» به گمان اینکه به فرصتی تاریخی دست پیدا کرده‌اند از این درخواست برادرانه حاج قاسم استقبال نکرده و بر انجام همه‌پرسی تأکید نمودند. او در آخرین دیداری که با بارزانی داشت به او یادآور شد که این موضوع جوی خون به راه می‌اندازد و این بار دیگر برای دفع خطر از ما کاری بر نمی‌آید» که بارزانی در پاسخ گفته بود «جامعه بین‌الملل در کنار ماست». بعد از برگزاری همه‌پرسی، نیروهای عراق کرکوک را که با توافقات ضمنی و به مرور تحت کنترل کرده‌ها درآمده بود، از کنترل حکومت اقلیم خارج کردند و این سبب شکاف در میان احزاب کردی در اربیل و سلیمانیه گردید و در نهایت نتایج همه‌پرسی به تعلیق درآمد و حزب دموکرات کردستان از سوی خود کردها متهم به عدم درایت و عدم آینده‌نگری و عامل ریخته شدن خون کردها گردید. شدت فشارهای مردمی به بارزانی و حزب دموکرات سبب شد که او بار دیگر دست به دامان ایران گردد. سردار سلیمانی علیرغم آنکه در این موضوع خاطرات تلخی از بی‌مروتی رهبران کرد پیدا کرده بود، آنان را پذیرفت و برای بازبانی وضعیت‌شان به آنان کمک زیادی کرد. در این ماجرا از به نتیجه رسیدن یک فتنه منطقه‌ای جلوگیری شد، حل مسئله در زمان کوتاهی به نتیجه رسید، هزینه‌های عملیات خنثی‌سازی بسیار کم بود و روابط ایران و اربیل هم ترمیم شد. این در حالی بود که در ایران مسئولان ارشد دیپلماسی کشور در جلسات رسمی تأکید می‌کردند که مخالفت ایران با تجزیه کردستان عراق به جایی نمی‌رسد و ایران را درگیر یک چالش پرهزینه و دنباله‌دار می‌کند. در این صحنه، سردار شهید سلیمانی با ترکیب قاطعیت و محبت توانست کار بسیار بزرگی بکند که دیپلمات‌های ورزیده، آن را «غیرممکن» می‌دانستند.

شور و درایت

شور و مشورت و گرفتن نظرات دیگران یکی از اشتغالات و دغدغه‌های مهم سردار سلیمانی بود و دایره وسیعی را تشکیل می‌داد و شامل برگزاری منظم کمیسیون‌های تخصصی، جلسات فراوان تک و چند نفره، گرفتن نظرات افراد در میدان به صورت‌های حضوری، تلفنی و مکاتبه‌ای و مطالعه روز نظرات شخصیت‌های موافق و مخالف داخلی و خارجی بود. این موضوع اشرف و چیرگی فراوانی به او داده بود و لذا در جلسات کاری و بادیست پر وارد بحث می‌شد و به اداره جلسات می‌پرداخت. این خصوصیت در میدان عمل به او کمک زیادی می‌کرد و وامی داشت تا فقط به کلیات و «نقطه نهایی هدف» نگاه نکند و امکانات و تمهیدات



در ایران مسئولان ارشد دیپلماسی کشور در جلسات رسمی تأکید می‌کردند که مخالفت ایران با تجزیه کردستان عراق به جایی نمی‌رسد و ایران را درگیر یک چالش پرهزینه و دنباله‌دار می‌کند. در این صحنه، سردار شهید سلیمانی با ترکیب قاطعیت و محبت توانست کار بسیار بزرگی بکند که دیپلمات‌های ورزیده، آن را «غیرممکن» می‌دانستند.

تحلیل ژنرالها

۹

پهمن ماه ۱۳۸۸
میان‌رزمندگان امام



شور و مشورت و گرفتن نظرات دیگران یکی از اشتغالات و دغدغه‌های مهم سردار سلیمانی بود و دایره وسیعی را تشکیل می‌داد و شامل برگزاری منظم کمیسیون‌های تخصصی، جلسات فراوان تک و چند نفره، گرفتن نظرات افراد در میدان به صورت‌های حضوری، تلفنی و مکاتبه‌ای و مطالعه روز نظرات شخصیت‌های موافق و مخالف داخلی و خارجی بود. این موضوع اشراف و چیرگی فراوانی به او داده بود

لازم را برای تحقق هدف نهایی فراهم نماید. خود او در جلسه‌ای می‌گفت هدف گذاری کلی کفایت نمی‌کند ما باید هدف کلی را با تحقق اهداف جزئی محقق کنیم و معتقد بود فرماندهی که هدف نهایی را می‌بیند اما از موقعیت‌ها و موانع واقع شده در حد فاصل مبدأ و مقصد خبر ندارد و برای عبور از آنها برنامه ندارد، هم هزینه‌ها را بالا می‌برد و هم تحقق هدف نهایی را به خطر می‌اندازد.

شور و مشورت او در خدمت اشراف او به جزئیات بود او در عین حال در جزئیات مسئله غرق نمی‌شد و اندازه هر چیزی را با چیزی دیگر برابر نمی‌دانست و به تقسیم بندی آنان به جزئیات مهم و جزئیات غیر مهم دست می‌زد و از میان جزئیات مهم، یک، دو و یا حداکثر سه موضوع را برمی‌داشت و همه توان و نیروی خود را برای رفع یا تحقق آنها به کار می‌گرفت و به این وسیله به تحقق هدف نهایی نایل می‌آمد. این روش او هم هزینه‌ها را کاهش می‌داد و هم تحقق هدف را با نیروها و امکانات کم میسر می‌کرد و هم در نهایت زمان تحقق هدف نهایی را کاهش می‌داد. این همه نتیجه ترکیب شور و درایت او بود.

ولایت محوری و اعتقاد راسخ به حکمت رهبری

کلیدواژه سردار سلیمانی در مواجهه با تدابیر، آراء و نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی، «حکیم بودن رهبری» بود. او بارها گفت من نه فقط از روی ایمان و علاقه و مسایل اعتقادی بلکه از روی تجربه هم می‌گویم و قسم می‌خورم که تمام تدابیر و نظرات امام خامنه‌ای - دامت برکاته - حکیمانه است و پیروزی‌های ما همیشه به دلیل به کار بستن نظرات ایشان بوده است.

او نقل می‌کرد که در جلسه‌ای که با یکی از نخست‌وزیران مقتدر سابق - منطقه داشته در برابر طعن‌ها و که گفته بود تو در تاکتیک عالی هستی ولی استراتژی نمی‌دانی، گفته بود: «بزرگ استراتژیستین ما رهبری است که بالای سر ما قرار دارد اما شما در تاکتیک شکست می‌خورید چون درک درستی از میدان ندارید و در استراتژی دائماً رنگ عوض می‌کنید چون چنین رهبری بالای سر شما نیست.»

سردار سلیمانی امام و رهبری را با هیچ کس و هیچ اصل دیگری مقایسه نمی‌کرد و درباره آن بسیار تعصب داشت. مرز دوستی او با افراد و جریانات، رهبری بود. او در عین حال شبانه‌روز در تلاش بود تا طیف‌های مختلف از مردم و نخبگان را به رهبر معظم انقلاب نزدیک‌تر کند و از این رو فراجناح بود اما هیچ‌گاه فرار رهبری را بر نمی‌تافت.

عزم و اراده پولادین

آنجا که پای تکلیف الهی در میان بود، واژه «نمی توان» و «نمی شود» در قاموس سردار سلیمانی جایی نداشت. سه نوع مواجهه با تکلیف وجود دارد:

۱- تکلیفی که شده را مالایطاق بدانیم و لذا با شک در اینکه مکلفیم با تکلیف مواجه شویم.
۲- در تکلیف شک نمی کنیم، در توانایی خود و در کمک خداوند شک می کنیم و در عین حال وارد می شویم ولی به بودن انجام تکلیف نمی اندیشیم و لذا بار به مقصد نمی رسد و یا نصف و نیمه می رسد.

۳- برای انجام کامل و بدون درنگ و بانثار جان به میدان می آئیم و به پیروزی قطعی که وعده خداوند است دست پیدا می کنیم و با درک پیچیدگی ها، خداوند را تنها عامل پیروزی می دانیم و با هر پیروزی، اراده مان برای انجام تکلیف بعدی راسخ تر می شود و در نهایت در همه صحنه ها فتح الفتوح اتفاق می افتد.

سردار سلیمانی وقتی وارد میدان می شد با هدف تحقق فتح الفتوح برای اسلام وارد می شد و لذا در طول حیات سیاسی معنوی خود، همواره با پرچم فتح از میدان بازگشت.

معنویت، مجاهدت و شهادت طلبی

معنویت مهم ترین رکن زندگی و سلوک سردار سلیمانی بود. توصیه او به یک جوان فامیل که دو چیز را فراموش نکند: نماز شب و احترام بسیار به پدر و مادر، وضع روحی این شهید را نشان می دهد. او به نماز و به خصوص نماز شب توجه خاصی داشت نمازهایش نوعاً با اشک همراه بود و غیر از نماز هم او بسیار اهل بکاء بود. با شنیدن خبر هر شهیدی منقلب می شد و در خود می شکست. دائم الذکر بود. شهید سلیمانی بسیار اهل مطالعه بود و این عادت روزانه او در سفر و حضر بود. کتاب های مختلف اعتقادی، معنوی، اجتماعی و سیاسی را مطالعه می کرد و حتی از کتاب ها خلاصه برمی داشت و آخرین کتابی که او آن را خلاصه کرده بود کتاب «انسان کامل» شهید مطهری بود.

از منظر شهید، مجاهدت در راه خدا در ابعاد شخصی و اجتماعی کلید رستگاری فرد و جامعه است. او بارها گفت هشت سال دفاع مقدس بر جسته ترین دوره اسلام است او جبهه را یک مکتب انسان سازی می دانست و معتقد بود در انسان سازی هیچ چیز بر جبهه و حضور در میدان جهاد در راه خدا برابری نمی کند. شهادت گمشده شهید بود و هیچ چیز دیگری او را قانع نمی کرد و به چیز دیگری رضایت نمی داد.

مکتب سلیمانی
دکتر سیدالله زاکری

د

شور و مشورت او در خدمت اشراف او به جزئیات بود و در عین حال در جزئیات مسئله غرق نمی شد و اندازه هر جزئی را با جزئی دیگر برابر نمی دانست و به تقسیم بندی آنان به جزئیات مهم و جزئیات غیر مهم دست می زد

تحلیل روزها

۱۰
بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت رزمندگان اسلام

د

سردار سلیمانی امام و رهبری را با هیچ کس و هیچ اصل دیگری مقایسه نمی کرد و درباره آن بسیار تعصب داشت. مرز دوستی او با افراد و جریانات، رهبری بود.

او در طول دوران پرماجرایی مدیریت خود، سازمان‌های زیادی را ایجاد کرد و از این طریق ظرفیت زیادی پدید آورد. سازمان‌هایی که او پدید آورد از دو خصوصیت مهم پیروی می‌کردند یکی چابکی و استفاده از حداقل نیروی انسانی، دیگری کارا بودن و کمک بودن در میدان عمل. به عنوان مثال وقتی او پا به میدان سوریه گذاشت، این کشور را انواعی از کشورهای متخاصم و انواعی از گروه‌های تروریستی که سوریه را مورد تهاجم قرار می‌دادند فراگرفته بود مرزهای شمالی، شرقی، غربی و جنوبی سوریه کاملاً ناامن و محل ترانزیت تروریسم بود و هیچ شهری از شهرهای سوریه امنیت لازم را نداشت. در یک ارزیابی اولیه و رایج، برای دفع این تهدیدات پر حجم، نیروهای زیادی شامل ۲۰ تا ۳۰ لشکر عملیاتی و انواعی از یگان‌های هوایی نیاز بود و بودجه سنگینی برای دفع این فتنه جهانی علیه مردم و دولت سوریه طلب می‌کرد. اما این کار امکان‌پذیر نبود چرا که نه چنین نیروی آماده به کاری در زمین با مختصات سوریه در این کشور و نه در ایران وجود نداشت و از آنچنان بودجه‌ای هم خبری نبود وضع مالی ایران و سوریه در این سال‌ها نیازی به توضیح ندارد.

سردار سلیمانی به چهره‌ای محبوب در میان ملت‌های منطقه تبدیل شده کما اینکه در غرب از او به عنوان چهره‌ای که برنامه غرب را بهم زده است، یاد می‌شود. سؤال این است که آیا ماجرای تجاوز آمریکا یا هر قدرت دیگری و یا فتنه‌انگیزی گروه‌هایی نظیر داعش به کلی پایان یافته و در آینده نیز از این اقدامات علیه کشورهای منطقه خبری نخواهد بود؟ پاسخ منفی است. پس هنوز هم و برای همیشه نیاز به سازمانی که بتواند تهدیدات را از منطقه دفع کند وجود دارد.

نظرات امام خامنه‌ای درباره نیروی قدس

«سپاه قدس نیرویی است که با سعه صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند». سپاه قدس به حسب عملکرد خود به هیچ وجه رنگ و بوی مذهب و طایفه و ملیت به خود نگرفته است. ورود این سپاه به بحران بوسنی و هرزگوین در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۴ و نیز ورود به بحران فلسطین در سال‌های ۱۳۶۷ به بعد و ورود آن به بحران افغانستان در سال‌های دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ نمونه‌هایی از کمک این نیرو به انسان‌های گرفتار در مناطقی است که نه با ایران



کلیدواژه سردار سلیمانی در مواجهه با تدابیر، آراء و نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی، «حکیم بودن رهبری» بود. او بارها گفت من نه فقط از روی ایمان و علاقه و مسایل اعتقادی بلکه از روی تجربه هم می‌گویم و قسم می‌خورم که تمام تدابیر و نظرات امام خامنه‌ای - دامت بر کاتنه - حکیمانه است و پیروزی‌های ما هم‌میشه به دلیل به کار بستن نظرات ایشان بوده است.

تحلیل ژورنالیست

۱۱

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیس‌رکنان اسلام



سردار سلیمانی وقتی وارد میدان می‌شد با هدف تحقق فتح‌الفتوح برای اسلام وارد می‌شد و لذا در طول حیات سیاسی معنوی خود، همواره با پرچم فتح از میدان بازگشت.



او به نماز و به خصوص نماز شب توجه خاصی داشت نمازها پیش نوعاً با اشک همراه بود و غیر از نماز هم او بسیار اهل بکاء بود. با شنیدن خبر هر شهیدی منقلب می شد و در خود می شکست. دائم الذکر بود. شهید سلیمانی بسیار اهل مطالعه بود و این عادت روزانه او در سفر و حضر بود.

تحلیل روزها

۱۲

پنجم ماه ۱۳۹۸
حیات رزمندگان اسلام



کتاب‌های مختلف اعتقادی، معنوی، اجتماعی و سیاسی را مطالعه می کرد و حتی از کتاب‌ها خلاصه برمی داشت و آخرین کتابی که او آن را خلاصه کرده بود کتاب «انسان کامل» شهید مطهری بود.

در مذهب، نه در طایفه و نه در ملیت تناسب داشته‌اند و از این رو اتهام طایفه‌ای و مذهبی زدن به آن بسیار دشوار است. عملکرد این سپاه در عراق کمک به استقرار «نظم نوین مردمی» و «حاکمیت قانون» و گسترش «آزادی‌های سیاسی» بوده است به گونه‌ای که امروز همه طوایف و مذاهب عراقی در یک چارچوب مشترک زندگی می کنند و به طور یکسان از حمایت ایران برخوردار هستند.

«نیروهای سپاه قدس رزمندگان بدون مرزند». دنیا تجربه‌های متعددی از «سازمان‌های بدون مرز» دارد. این سازمان‌ها گاهی به صورت تخصصی در یک مورد خاص فعالیت می کنند و بعضی از آنها هم «فعالیت ترکیبی» دارند و به طور جامع تر عمل می کنند. دنیا از این سازمان‌ها استقبال می کند و بسیاری از آنها را رفع کننده مشکلات خود می داند. مثلاً سازمان هلال احمر و یا صلیب سرخ یک نهاد تخصصی است که در کشورهای مختلف تکثیر شده و مورد استفاده قرار گرفته است. جنبش عدم تعهد یک نهاد چندوجهی است که برای خود رسالت‌های مختلف تعریف کرده است. بنابراین تشکیل نیرویی مرکب از وطن پرست‌ترین‌ها در کشورهای و سپس شکل‌گیری زنجیره و ائتلافی از آنان یک موضوع ناشناخته و جدید به حساب نمی آید اما در اینجا یک نکته وجود دارد و آن این است که از آنجا که نظام استکبار، وجود واحدهای مستقل از سیاست‌های استعماری غرب را یک تهدید مهم به حساب می آورد، علیه آن تبلیغات می کند. در اینجا سؤال این است که آیا ما در زمان نظام دوقطبی به سر می بریم تا ناگزیر باشیم به اندازه اختیاری که داده‌اند تنفس کنیم یا در دوران گذار قرار داشته و با خطرات مضاعفی مواجه گردیده و ناگزیر، خود باید برای رفع آنها فکری بکنیم؟ سپاه قدس به عنوان یک نیروی برون مرزی برای رفع همین تهدیدات نوین طراحی شده و در عمل توانایی خود را برای رفع و دفع آنها اثبات کرده است.

«همین‌ها سایه جنگ و ترور و تخریب را از کشور خودمان هم دور و دفع می کنند». یک نیروی برون مرزی که از متن مردم خود برخاسته است، نمی تواند کشور خود را در چرخه تحولات نادیده بگیرد. نیروی برون مرزی به حمایت جدی در درون مرز خود نیاز دارد و این زمانی شکل می گیرد که پایگاه مردمی آن در معرض تهدید بالفعل نباشد. وقتی نیرویی امنیت آنسوی مرز را برقرار می کند در این سوی مرز کشور خود را ایمن کرده و به عمق امنیتی آن افزوده است. از سوی دیگر موفقیت و طراوت یک نیرو در فرامرزها سبب افزایش روحیه ملی برای حل مشکلات خود می شود و این فقط یک آورده امنیتی نیست.



او بارها گفت هشت سال دفاع مقدس بر جسته‌ترین دوره اسلام است و جبهه را یک مکتب انسان‌سازی می‌دانست و معتقد بود در انسان‌سازی هیچ چیز بر جبهه و حضور در میدان جهاد در راه خدا برابری نمی‌کند. شهادت گمشده شهید بود و هیچ چیز دیگری او را قانع نمی‌کرد و به چیز دیگری رضایت نمی‌داد.

سپاه قدس در سال‌های گذشته از یکسو سعه مردم در پذیرش مشکلات را بالا برده و از سوی دیگر انگیزه رفع و امید به حل مسائل را در بعد ملی بالا برده است. اگر موفقیت‌های برون مرزی کشور نبود دشمنان که با تهدیدات روزافزون اقتصادی و بسیاری از اقدامات دیگر نظیر نفوذ سیاسی گلوی ملت ایران را در دستان خود داشتند، به هدف می‌رسیدند و درست از این رو بود که دستان دشمنان بیش از نیروهای داخلی متوجه این نیروهای جان بر کف برون مرزی بود.

تحلیل و ارزیابی

۱۳

بهمن ماه ۱۳۶۸
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

تَحْلِيلُ الْوَدَّاعِ

دکتر عبدالله گنجی

چرا پرچم داران مبارزه با تروریسم ترور می شوند؟



چرایی این ترور را باید
عصبانیت حداکثری از
خنثی سازی طرح های
امریکایی در غرب آسیا از
سوی شهید سلیمانی باید
دانست.

چکیده

● ترور سردار سلیمانی به عنوان یک فرمانده نظامی و رسمی از سوی امریکا در یک کشور ثالث بهت و حیرت جهانیان را برانگیخت. چرایی این ترور را باید عصبانیت حداکثری از خنثی سازی طرح های امریکایی در غرب آسیا از سوی شهید سلیمانی باید دانست. در ۲۰ سال گذشته و خصوصاً بعد از سرنگونی صدام حسین در عراق، امریکایی ها برای مقابله با قدرت روز افزون اسلام سیاسی در خاورمیانه راهبردها و برنامه های متعددی اجرا کردند که عبارتند از: ۱- ملت سازی؛ ۲- دولت سازی؛ ۳- بالا بردن ضریب امنیت اسرائیل و ۴- تسلط بر منابع منطقه. سه مورد اول به صورت مطلق و قطعی و مورد چهارم به صورت نسبی با محوریت سردار سلیمانی به ناکامی تبدیل شده بود. ناپودی داعش که یکی از ابزارهای پرداختن به راهبردهای مذکور از سوی امریکا بود در این میان بسیار مؤثر است. تشکیل نیروی چندملیتی از سوی سردار شهید سلیمانی و حفظ آن پس از پایان داعش به کابوسی برای صهیونیست ها تبدیل شد که عصبانیت امریکا و اسرائیل از این موضوع در رفتار آنان کاملاً مشهود است. غلبه نظامی انصار الله یمن بر ائتلاف سعودی ها و تلاش های چندوجهی سردار سلیمانی (سیاسی، نظامی، دیپلماسی) موجب عصبانیت حداکثری امریکایی ها شده بود و مبنی بر محاسبات غلط از جایگاه ایشان در نزد ملت ایران اقدام به ترور کردند که آورده ای برای آنان در بلندمدت نخواهد داشت.

واژگان کلیدی

سلیمانی، ترور یسم، امریکا، غرب آسیا

تحلیل ژورنالی

۱۵

پنجم ماه ۱۳۹۸
هیأت رزمندگان اسلام



تشکیل نیروی چندملیتی
از سوی سردار شهید
سلیمانی و حفظ آن پس از
پایان داعش به کابوسی برای
صهیونیست ها تبدیل شد که
عصبانیت امریکا و اسرائیل
از این موضوع در رفتار آنان
کاملاً مشهود است.

چرا بی ترور برچمداران مبارزه با تروریسم

ترور شهید سلیمانی که نماد مبارزه با تروریسم در ۲۰ سال گذشته بود جهان را در بهت و حیرت فرو برد که چگونه ممکن است فرمانده‌ای که سال‌ها با تروریست‌ها جنگیده است و بر آنان غلبه یافته است، از سوی مدعیان مبارزه با تروریسم ترور شود؟ ترور فرمانده نظامی یک کشور دیگر توسط کشور ثالث امری نامتعارف است اما چرا امریکایی‌ها حاضر شدند این هزینه را در عرصه بین‌الملل پرداخت نمایند؟ چه دستاوردی برای آنان داشت که به آبروریزی آن می‌ارزید؟ آیا این ترور ناشی از یک عصبانیت بود یا تصمیم حساب شده مبتنی بر منافع ملی امریکا؟ امریکایی‌ها شهید سلیمانی را تروریست معرفی کردند آیا چنین باوری در ذهن جهانیان و مردم ایران وجود دارد؟ پیامد این عمل در روابط بین‌الملل و امنیت نیروهای امریکا در خاورمیانه چه وضعیتی را ایجاد خواهد کرد. با این مقدمه به ابعاد چرایی این ترور خواهیم پرداخت.

کژتابی مفهوم تروریسم

تروریسم از جمله مفاهیمی است که در جهان یک نفر موافق مهم ندارد. زشتی تروریسم مانند حفظ محیط زیست، حقوق بشر، صلح، آزادی و دموکراسی جهانشمول است. اما هر کس متناسب با منافع و دستگاه معرفتی خود بدان معنا می‌بخشد و مصادیق آن را روشن می‌کند. به صورتی که می‌توان بعضاً حمایت از تروریسم را انگلی سیاسی دانست که برای مخدوش کردن چهره دیگری استفاده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران براساس اعلام سازمان ملل سه گروه داعش، طالبان و القاعده را تروریستی می‌داند و از آنان آسیب دیده است و در نابودی قوی‌ترین آن - یعنی داعش - هزینه‌های انسانی و مالی زیادی کرده است و بحمدالله به نتیجه رسیده است. اما امریکایی‌ها هر گروه مبارزی را که با جمهوری اسلامی ایران مرتبط است، تروریست می‌دانند. بنابراین منازعه معنابخشی به تروریسم بین ایران و امریکا برای هژمون کردن معنا و مصداق آن وجود دارد و از آنجا که نظام سلطه ابزارهای رسانه‌ای و بین‌المللی زیادی در اختیار دارد، تعریف او با فشار و تهدید و ارباب تحمیل می‌شود. از نگاه امریکایی‌ها حزب‌الله لبنان که برای آزادی سرزمین مادری جنگیده و در نابودی داعش سهم بسزایی داشته است، تروریست محسوب می‌شود و هیچ مصداقی از عمل تروریستی آن نیز ارائه نمی‌دهند. حماس و جهاد اسلامی فلسطین که برای سرزمین مادری می‌جنگند از نگاه امریکا تروریست هستند اما رژیم صهیونیستی که رسماً و علناً رهبران فلسطینی و لبنانی را از هوا با بمب‌گذاری ترور می‌کند تروریست محسوب نمی‌شود.

شهید فتحی شقاقی، احمد یاسین، ابراهیم الرنتیسی و دهها عضو حماس و جهاد اسلامی و شیخ راغب حرب، سید عباس موسوی، عماد مغنیه و... نیز ترور شده‌اند اما امریکا این اقدام صهیونیست‌ها



در عراق همه گروه‌هایی که با داعش جنگیده‌اند و اکنون به صورت قانونی جزو نیروهای مسلح عراق هستند از سوی آمریکا تروریست شناخته می‌شوند. این بدان معناست که هر کس زیر بار آمریکا نرود تروریست است و اگر سال‌ها با تروریسم هم‌جنگیده باشد مهم نیست.

تحلیل‌ها

۱۲

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

را دفاع از خود می‌داند که به قانون جنگل شبیه است. در عراق همه گروه‌هایی که با داعش جنگیده‌اند و اکنون به صورت قانونی جزو نیروهای مسلح عراق هستند از سوی آمریکا تروریست شناخته می‌شوند. این بدان معناست که هر کس زیر بار آمریکا نرود تروریست است و اگر سال‌ها با تروریسم هم‌جنگیده باشد مهم نیست. آمریکا برای فرار از شکست‌های پی‌درپی از جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه تلاش کرد در یک «جنگ شناختی» تروریسم را وارونه معرفی کند و ضمن حمایت از تروریست‌هایی که علیه ایران و منافع آن می‌جنگیدند، گروه‌های همسو با انقلاب اسلامی را نیز در ذهن جهانیان تروریست معرفی کند و قاعده «هر کس با ما نیست بر ماست» که دلیلی بوش بدان معتقد بود را همچنان مدنظر دارند. بنابراین تلاش کردند تروریست‌ها را هم ردیف و هم تراز با کشتن بن‌لادن یا ابوبکر بغدادی به جهان مخابره نمایند. حال آنکه شهید سلیمانی، فرمانده رسمی و نظامی یک کشور بود که تشکیلات منتسب به آن در قانون اساسی آمده است و به همین دلیل به جز داعش، نتانیا هو و برخی دولت‌مردان آمریکا هیچ‌کس از تروریست‌ها فرمانده استقبال نکرد. جهان پذیرفته است که آمریکا دست به تروریسم زده است و این یک پدیده جدید و ناامن‌ساز در روابط بین‌الملل است. باید رسانه‌های جهان اسلام تلاش نمایند معنای بومی تروریسم و نسبت تروریسم با جهان استکبار را معنادار کنند و بر معنادهی غرب به این مفهوم غلبه نمایند. بدون تردید سردار سلیمانی بزرگ‌ترین پرچمدار مبارزه با تروریسم در جهان بود و این مهم باید در رسانه‌ها، تریبون‌ها و جمع‌های نخبگی بیان شود.

چرا حذف فیزیکی به روش تروریست‌ها؟

برای چرایی حذف سردار سلیمانی به روش تروریست‌ها علت اصلی را می‌توان عدم قدرت رویارویی با وی در میدان نبرد دانست. سال‌ها سردار سلیمانی در خطوط مقدم نبرد حاضر بود اما در جنگ جوانمردانه قدرت رویارویی با وی نبود، به همین دلیل روش بزدلانه و ناجوانمردانه را در پیش گرفتند. علت تروریست‌ها سردار سلیمانی چند وجهی است که می‌توان از جمله به مواردی مانند ۱- حذف تروریسم از منطقه؛ ۲- تلاش جهت ناامن کردن خاورمیانه برای آمریکا و ۳- پایین آوردن ضریب امنیت صهیونیست‌ها اشاره کرد.

پیشینه منازعه منجر به ترور:

وقتی انقلاب اسلامی در ایران به پیروزی رسید نظریه پردازان انقلاب‌ها در غرب علت آن را مادی تفسیر کردند و مهاجرت روستاییان به شهرها بعد از اصلاحات ارضی و مدرنیزاسیون ناقص پهلوی را علت آن دانستند. بعد از فروردین ۱۳۵۸ متوجه جوهره فرهنگی-دینی این انقلاب شدند و وجه تمایز آن با سایر انقلاب‌ها را درک کردند. اما بر این باور بودند که محوریت این انقلاب جریان شیعی-فارسی است و به جهان سنی-عربی تسری نخواهد یافت، به همین دلیل از حساسیت اولیه کاسته شد اما موجی که انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه ایجاد کرد دوباره غرب را متوجه انقلاب اسلامی کرد. پدیده‌هایی مانند قیام جنوب عراق به رهبری شهید صدر، پیدایش ۱۵ گروه جهادی در افغانستان و اخراج ارتش شوروی، تغییر ایدئولوژی مبارزه در فلسطین از ملی‌گرایی به اسلام‌گرایی، انفجار مقرها و سفارت‌خانه‌های امریکایی در بحرین، کویت و لبنان، ترور رئیس‌جمهور سازشکار مصر، پیروزی اسلام‌گرایان در انتخابات ترکیه و الجزایر از جمله مواردی بودند که غرب را متوجه خود کردند. آن موقع انقلاب اسلامی صرفاً الهام‌بخش بود. انقلاب مانند ویترونی بود که الهام‌گرفتنگان آن را انتخاب می‌کردند اما پس از پایان جنگ تحمیلی اراده جمهوری اسلامی برای اقدامات مؤثر نیز ضمیمه الهام‌بخشی اولیه شد. حزب‌الله لبنان پدید آمد، حماس در فلسطین متولد شد و...

پایان صدام، نقطه عطف

با پیش‌روندگی انقلاب اسلامی در منطقه غرب آسیا، امریکایی‌ها به این جمع‌بندی رسیدند که باید این منطقه همیشه آمیخته با بحران باشد تا بتوانند اهداف خود را توجیه مشروع نمایند. بنابراین با طرح‌هایی مانند «خاورمیانه جدید»، «خاورمیانه بزرگ»، «سازش در مسئله فلسطین» به عنوان راهبرد کلان طرح کردند و در ذیل آن چهار راهبرد ۱-ملت‌سازی در خاورمیانه جدید ۲-دولت‌سازی در خاورمیانه جدید ۳-تضمین امنیت رژیم اسرائیل ۴-تسلط بر منابع سرزمین‌های اسلامی را در دستور کار قرار دادند. برای اجرای عملی این مهم، حذف صدام را در دستور کار قرار دادند، اما حذف صدام بزرگ‌ترین کلاهی بود که بر سر امریکا تاختون رفته است. با حذف صدام دوستان انقلاب اسلامی از سال ۲۰۰۵ تاکنون با رأی ملت این کشور بر کرسی قدرت نشستند و هر قدر امریکا تلاش کرد نتوانست دولت‌سازی در عراق را رقم بزند. به همین دلیل به روش اختلاف‌افکنی درون‌دینی روی آوردند. تلاش کردند با برجسته کردن نقش ایران در



برای چرایی حذف سردار سلیمانی به روش ترور علت اصلی را می‌توان عدم قدرت روبروایی با وی در میدان نبرد دانست. سال‌ها سردار سلیمانی در خطوط مقدم نبرد حاضر بود اما در جنگ جوانمردانه قدرت روبروایی با وی نبود، به همین دلیل روش بزدلانه و نا جوانمردانه را در پیش گرفتند.

تحلیل ژورنالی

۱۸

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رزمندگان اسلام



حذف صدام را در دستور کار قرار دادند، اما حذف صدام بزرگ‌ترین کلاهی بود که بر سر امریکا تاختون رفته است.



با ایجاد داعش نه تنها ضرب امنیت اسرائیل که یکی از راهبردهای امریکا در خاورمیانه است، بالانرفت، بلکه داعش نابود شد و نیروهای مقابل آن برای آینده فلسطین در سوریه و منطقه ماندند و این اقدام بزرگ با محوریت سردار سلیمانی اتفاق افتاد و کینه صهیونیست‌ها و امریکادر اینجا هم قابل درک است.

تحلیل ژورنالی

۱۹

پنجم ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیس‌مجلس



از کارویژه‌های دیگر سردار سلیمانی برای امریکایی‌ها، پیشگیری از دولت‌سازی بود. دولت‌سازی در عراق و سوریه و لبنان با محوریت سردار سلیمانی ناکام ماند.

منطقه و در عین دمیدن در اختلافات کلامی شیعه و سنی بتوانند رویارویی شیعه و سنی را از پایین سامان بدهند. با پیدایش دولت نوری المالکی در عراق اهمیت این موضوع برایشان چند برابر شد، به همین دلیل برای تولد تروریست در قلب جهان اسلام، «هلال شیعی» را مفهوم‌سازی کردند تا بتوانند جوانان اهل سنت را تحریک نمایند. منظور از هلال شیعی گسترش ایران از شبه قاره هند (شیعیان افغانستان) تا سواحل مدیترانه (حزب‌الله) بود و در عین حال رسانه‌های وابسته به سعودی به صورت مرتب اعلام کردند که چهار پایتخت عربی (صنعا، بغداد، دمشق و بیروت) به دست ایران افتاده است و اینچنین تلاش می‌کردند جوانان اهل سنت را به رویارویی با تشیع بکشانند و تا حدودی نیز موفق شدند. داعش را با هدف فرسایش انرژی جهان اسلام در جنگ‌های داخلی طراحی و ایجاد کردند تا بتوانند امنیت صهیونیست‌ها را تضمین کنند، اما پس از پنج سال جنگ، داعش نابود شد و نیروی چندملیتی مسلمان که برای مبارزه با داعش متولد شده بود، در سوریه ماند و به کابوس صهیونیست‌ها تبدیل شد. بنابراین با ایجاد داعش نه تنها ضرب امنیت اسرائیل که یکی از راهبردهای امریکا در خاورمیانه است، بالانرفت، بلکه داعش نابود شد و نیروهای مقابل آن برای آینده فلسطین در سوریه و منطقه ماندند و این اقدام بزرگ با محوریت سردار سلیمانی اتفاق افتاد و کینه صهیونیست‌ها و امریکادر اینجا هم قابل درک است.

از کارویژه‌های دیگر سردار سلیمانی برای امریکایی‌ها، پیشگیری از دولت‌سازی بود. دولت‌سازی در عراق و سوریه و لبنان با محوریت سردار سلیمانی ناکام ماند. رأی ملت عراق معمولاً به ائتلاف‌هایی تعلق می‌گرفت که محور مبارزه با صدام در جنگ هشت ساله بودند و حاج قاسم در خروجی نخست‌وزیر از این پارلمان بی‌تأثیر نبود. سردار سلیمانی هم‌زمان با ناکام گذاشتن دولت‌سازی امریکایی‌ها در عراق، حشدالشعبی را تشکیل و توسعه داد و به عنوان بخشی از نیروهای مسلح در عراق به ثبت رسید. در سوریه تا مرز سرنگونی دولت این کشور پیش رفتند و سردار سلیمانی در لحظات آخر با تأکید رهبر انقلاب اسلامی، ایستادگی و ورق جنگ در سوریه را وارونه کرد و نهایتاً در نامه‌ای به رهبر خویش پایان داعش را اعلام کرد. ملت‌سازی را نیز با کردستان عراق شروع کردند. کردستان عراق امنیت خود را بعد از تولد داعش،



سردار سلیمانی هم‌زمان با ناکام گذاشتن دولت‌سازی امریکایی‌ها در عراق، حشدالشعبی را تشکیل و توسعه داد و به عنوان بخشی از نیروهای مسلح در عراق به ثبت رسید.



پذیرش سریع مسئولیت ترور از سوی امریکایی‌ها نیز به این دلیل بود که بلافاصله واکنش ایران و جبهه مقاومت به سمت صهیونیست‌ها باشد.

مدیون سردار سلیمانی می‌دانست، اما بر خلاف نظر ایران به سمت رفتار دوم ملت‌سازی رفت. علت این جسارت به دست گرفتن ۴۰ درصد نفت عراق در کرکوک بود. اینجا نیز سردار سلیمانی و مستشاران ایرانی در فتح بدون خونریزی کرکوک مؤثر بودند و همه این موارد عصبانیت امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها را بیشتر می‌کرد.

امنیت اسرائیل نیز بعد از حذف داعش با جبهه جدیدی مواجه شده است. علاوه بر جبهه جنوب لبنان و غزه، جبهه جولان اشغالی نیز یکی از محورهای جغرافیایی تهدید صهیونیست‌ها شد و اینجا نیز تدبیر حاج قاسم بود که نیروی چندملیتی را که در سوریه پدید آورده بود، بعد از شکست داعش حفظ نمود. بنابراین امریکایی‌ها به دلیل زنجیره‌ای از ناکامی‌ها به مرزی رسیده بودند که سلیمانی دیگر برایشان قابل تحمل نبود. شاید می‌توانستند ترور ایشان را به صهیونیست‌ها واگذار نمایند. صهیونیست‌ها هم تجربه طولانی در ترورهای خودرویی و هوایی دارند، اما آنچه از فردای ترور می‌توانست بر سر صهیونیست‌ها خراب شود، مانع آن شد. پذیرش سریع مسئولیت ترور از سوی امریکایی‌ها به این دلیل بود که بلافاصله واکنش ایران و جبهه مقاومت به سمت صهیونیست‌ها نباشد. نفوذ کلام سردار سلیمانی به عنوان یک نظامی دیپلمات را نیز نباید از نظر دور داشت. او فقط فرمانده میدان جنگ نظامی نبود. او یک سیاستمدار هوشمند و عمیق بود که در ریزنی‌های سیاسی کم‌از عملیات نظامی نداشت.

انتخاب زمان ترور

سؤال اساسی این است که چرا این زمان برای ترور ایشان انتخاب شد؟ آیا در ۱۰ یا ۲۰ سال گذشته امکان ترور ایشان وجود نداشته است؟ چرا اکنون به تصمیم ترور رسیدند، بدون تردید ناکامی حداکثری امریکا در منطقه عامل اصلی بود، اما اگر در بستر زمان بخواهیم مسئله را درک کنیم باید عوامل مختلفی را مدنظر داشت.

۱- اغتشاشات آبان ماه ایران در این تصمیم بی‌تأثیر نبود. محاسبه و برآورد امریکایی‌ها این بوده است که ایران پس از این اغتشاشات آسیب‌پذیر شده و درگیر مشکلات داخلی و اقتصادی است. امریکایی‌ها بر این باور بودند که شرایط کنونی ایران به گونه‌ای است که قادر به پاسخگویی نخواهد بود، در نتیجه اقدام یکطرفه‌ای را انجام خواهیم داد و هزینه متقابل بر ما تحمیل نخواهد شد. بنابراین این عامل داخلی را باید یکی از دلایل زمانی این تصمیم دانست که البته با پاسخ موشکی ایران روشن شد که ایران نه دست بسته است و نه منفعل. ۲- استیضاح ترامپ که قطعیت یافته بود، از دیگر دلایل زمانی ترور است. پرونده او در سیاست خارجی خالی است. در کره، لیبی، عراق، مسائل چین، روسیه و ونزوئلا کار را به



امریکایی‌ها بر این باور بودند که شرایط کنونی ایران به گونه‌ای است که قادر به پاسخگویی نخواهد بود، در نتیجه اقدام یکطرفه‌ای را انجام خواهیم داد و هزینه متقابل بر ما تحمیل نخواهد شد. بنابراین این عامل داخلی را باید یکی از دلایل زمانی این تصمیم دانست که البته با پاسخ موشکی ایران روشن شد که ایران نه دست بسته است و نه منفعل.

تحلیل ژورنالها

۲۱

پهمن ماه ۱۳۶۸
هیأت‌رئیس‌رئیس‌جمهور

سامان نرساند، لذا با این ترور می‌خواست اقتدار خود را به رخ دموکرات‌ها بکشد یا با قدرت مانور بیشتری بتواند از گردنه استیضاح عبور نماید. برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ نیز به این ترور نیاز داشت تا بتواند در غیاب پرونده خالی سیاست خارجی، مصداقی را برای مانور داشته باشد.

۳- بی‌دولت‌سازی در عراق نیز از عوامل مهم زمانی بود. سردار سلیمانی بارها به عراق سفر کرده بود، اما این ترور ناجوانمردانه رخ نداده بود. اکنون که عراق بی‌دولت و اقتدار مرکزی این کشور تضعیف شده است، امریکایی‌ها زمینه را برای ترور مساعدتر دیدند. آنها بر این باور بودند که درون عراق کسی پیگیر موضوع نخواهد شد و به نقض حاکمیت ملی این کشور اعتراضی صورت نخواهد گرفت، اما اقدام تاریخی پارلمان عراق در مصوبه اخراج امریکایی‌ها نقطه عطفی بود که با توضیحات نخست‌وزیر مستعفی به سر انجام رسید و آرمان سردار شهید سلیمانی مبنی بر خروج امریکا از سرزمین‌های اسلامی محقق شد. از این پس حشدالشعبی می‌تواند مدعی ضمانت اجرایی مصوبه مجلس عراق باشد و در صورت عدم خروج امریکایی‌ها وارد پیکار با آنان شوند. این امر هم مشروع تلقی می‌شود و از جهت حقوق بین‌الملل علیه اشغالگر محسوب خواهد شد. اگر راهبرد انتقام هم اخراج امریکا از منطقه غرب آسیا باشد امریکایی‌ها متوجه خواهند شد که اشتباه راهبردی کرده‌اند.

۴- به نظر می‌رسد ارائه اطلاعات دروغ به رئیس‌جمهوری امریکا - یا دروغگو بودن خود ایشان - نیز در این ترور مؤثر بوده است. او بلافاصله پس از ترور اعلام کرد: سلیمانی مورد تنفر ایرانیان بود و از عوامل اصلی سرکوب‌ها در ایران است. حال آنکه سردار سلیمانی محبوب‌ترین شخصیت ایرانی پس از رهبری بود و کلاً مسئولیتی در حوزه داخلی ایران نداشت. تجمعات میلیونی مردم در بدزقه سردار شهید و جوشش مردمی در سراسر ایران این دروغ را ثابت کرد، اما محاسبه دروغ برای رسیدن به تصمیم ترور را نباید نادیده گرفت.

چه باید کرد؟

روند نشان می‌دهد که امکان تکرار چنین جنایت فاحشی از سوی امریکایی‌ها می‌تواند برای مخالفان سیاست‌های این کشور در جهان اسلام تکرار شود. بنابراین باید اقدامات جدی در این باره صورت گیرد. برنامه‌ریزی راهبردی و حقوقی

برای اخراج امریکا از غرب آسیا، اولویت اول است. مصوبه مجلس عراق و موشکیاران پایگاه عین‌الاسد، افتتاحیه این طرح راهبردی است. باید هزینه‌های چنین اقداماتی را به شدت بالا برد. تروریست‌ها دانستن دولت امریکا باید محوریت رسانه‌ها برای توصیف و معرفی آن دولت باشد. شکایت به مجامع کیفری و بین‌المللی از دیگر اقدامات است. اقدامات روانی برای فرسایش روحیه سربازان امریکا در غرب آسیا - که از احساس ناامنی مستمر به وجود می‌آید - باید در دستور کار قرار گیرد. اقدام لازم دیگر این است که اقدامات نیروی قدس و جنبش‌های اسلامی باید در همان ترازوی که سردار شهید سلیمانی برنامهریزی کرده بود، حفظ و گسترش یابد. امریکایی‌ها باید احساس کنند ذره‌ای در مأموریت رزمندگان بدون مرز جمهوری اسلامی خلی وارد نشده و گروه‌های مسلمان و حشدالشعبی عراق از توان و آمادگی مضاعفی برخوردار هستند. پایان دادن به تروریست‌ها در استان ادلب سوریه بخش دیگری از پازل جبهه مقاومت برای خونخواهی شهید سلیمانی است که باید در یک سال آینده به نتیجه نهایی برسد.

نتیجه‌گیری:

ترور سلیمانی به عنوان یک مقام رسمی - نظامی برای جهانیان قابل توجه نشد و نشان داد امریکایی‌ها از جایگاه اجتماعی ایشان در عراق و ایران بی‌خبر بوده یا اطلاعات غلط دریافت کرده‌اند. محاسبه آنان بر این اصل تکیه داشته است که این ترور می‌تواند امنیت حضور و منافع امریکا و صهیونیست‌ها در غرب آسیا را تضمین کند، اما حضور میلیونی مردم ایران و تروریستی خواندن این عمل از سوی اکثر کشورهای جهان و تأکید گروه‌های جهادی و فرماندهان نیروی قدس و از همه مهم‌تر تأکید رهبر انقلاب بر ادامه یافتن راه و راهبرد سردار سلیمانی باعث گردید امریکایی‌ها احساس رسیدن به دستاورد خاصی را نداشته باشند. این ترور باعث شروع روند اخراج امریکا از غرب آسیا خواهد شد که به منزله «انتقام راهبردی» خواهد بود. مصوبه مجلس عراق و شلیک موشک به عین‌الاسد افتتاحیه این روند بود و ادامه آن که آرمان شهید سلیمانی است به صورت بطئی از سوی جنبش‌های اسلامی دنبال خواهد شد. خون سردار سلیمانی باعث وحدت مضاعف دو ملت ایران و عراق شد. وحدت ملی ایرانیان را بر جسته نمود و غرب‌گراها را در ایران زمینگیر کرد. چنین تروری به دستور شخص رئیس‌جمهور امریکا در تاریخ به نفع امریکا ثبت نخواهد شد و هزینه‌های امنیتی این کشور بعد از ترور افزایش خواهد یافت.



تحليل ودرها

دکتر رسول سنایی راد

منطق سبلی موسیقی و ساد های آن

چکیده

با پایان مراسم تشییع پیکرهای مطهر شهدای مقاومت و در حالی که هنوز پیکر سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی دفن نشده، پایگاه عین الاسد که در اشغال ترور یست های آمریکایی است مورد اصابت تعداد انبوهی از موشک های نقطه زن جمهوری اسلامی قرار گرفت که رهبر معظم انقلاب اسلامی از آن به عنوان یک سیلی بر گونه آمریکایی ها تعبیر فرمودند.

منطق این سیلی نوعی بازدارندگی و انسداد در مسیر اقدامات تروریستی آمریکا به حساب می آید که به پشتوانه حمایت مردم و مطالبه ی ملی در تشییع پیکرهای مطهر شهدا در قالب شعار انتقام سخت توسط رزمندگان اسلام در نیروی هوافضای سپاه طراحی و علیه یکی از مهمترین پایگاه های آمریکایی که نماد قدرت برای کاخ سفید به حساب می آمد، به اجرا گذاشته شد.

این سیلی که در واقع پیام قدرت به ترور یست های آمریکایی و شکستن توهم تیم افراطی حاکم بر کاخ سفید و تصور غلط آنان مبنی بر قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در شرایط ضعف و شکنندگی، زده شد دارای پیامدهای راهبردی در داخل و خارج از کشور بود که مهمترین آن در خارج از کشور فرو ریختن هیمنه ی پوشالی آمریکا و افول قدرت آن و در داخل شکست توهم خطر جنگ آمریکا و ضرورت سازش و مذاکره برای دور ساختن آن به حساب می آید.

مقدمه

به فاصله کوتاهی پس از جنایت آمریکا در به شهادت رساندن سردار سپهبد شهید قاسم سلیمانی، ابومهدی المهندس و همراهانشان، پایگاه عین الاسد که از جمله بزرگترین پایگاههای نظامی در اختیار نیروهای آمریکایی به شمار می آید مورد اصابت تعداد انبوهی از موشک های نقطه زن جمهوری اسلامی قرار گرفت. رهبر فرزانه انقلاب اسلامی که در روز این عملیات و در عین وجود احتمال واکنش نیروهای آمریکایی، دیدار های عمومی خود را تعطیل نکرده بودند، در اجتماع مردم قم که به مناسبت سالگرد ۱۹ دی به حضورشان شرفیاب شده بودند از این

“

این سیلی که در واقع پیام قدرت به ترور یست های آمریکایی و شکستن توهم تیم افراطی حاکم بر کاخ سفید و تصور غلط آنان مبنی بر قرار داشتن جمهوری اسلامی ایران در شرایط ضعف و شکنندگی، زده شد دارای پیامدهای راهبردی در داخل و خارج از کشور بود که مهمترین آن در خارج از کشور فرو ریختن هیمنه ی پوشالی آمریکا و افول قدرت آن و در داخل شکست توهم خطر جنگ آمریکا و ضرورت سازش و مذاکره برای دور ساختن آن به حساب می آید.

تحلیل ژورنالی

۲۵

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

اقدام سپاه به عنوان یک سیلی یاد کرده و ابراز خرسندی فرمودند. همچنین معظم له در نماز جمعه بعد از این عملیات حضور حماسی مردم در مراسم تشییع پیکر های مطهر شهدای مقاومت را سوخت این موشک ها نامیدند که به حمایت مردمی از این عملیات و مطالبه عمومی و پشتیبان آن اشاره می نمود. از آنجا که این سیلی جانانه و عملیات متهورانه به عنوان یکی از اوراق پر افتخار تاریخ و فرهنگ حماسی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و کشور عزیزمان محسوب می شود، بررسی چرایی و پیامدهای آن از ارزش تحلیلی برخوردار می باشد که در این نوشتار دنبال شده است.

الف) چرایی وارد ساختن سیلی سخت

شهادت سردار دلها و قهرمان مقاومت در اقدامی تروریستی توسط ارتش آمریکا و اعلام وقیحانه آن با توثیق رئیس جمهور این کشور و صدور بیانیه رسمی وزارت دفاع آن نشان دهنده محاسبه غلط امریکایی ها از قدرت و توانمندی کشورمان بود که بر اساس سه مفروض اشتباه به این جنایت دست زده و آن را اقدامی فاقد هزینه سنگین و فواید راهبردی متصور شده بود. فواید یا اهدافی چون، بی راس ساختن مقاومت در منطقه و گرفتن عمق راهبردی منطقه ای جمهوری اسلامی از یکسو و استفاده از این برگه برای خوراک داخلی در آمریکا، به ویژه کمربند کردن استیضاح در مجلس سنا و انتخابات ریاست جمهوری پیش رو، مفروضاتی که به شکل گیری چنین توهمی در ذهن معیوب رئیس جمهور قمار باز آمریکا انجامیده بود، عبارتند از؛ ۱- افول نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی و از دست رفتن محبوبیت و مقبولیت ایران در کشور های عراق و لبنان که وقایع اعتراضی و آشوبهای آن کشورها را نشانگانی برای این مفروض متصور بود.

۲- فرسایش سرمایه اجتماعی و افول پایگاه مردمی نظام جمهوری اسلامی و پیدایش شرایط اعتراضی و شورش داخلی در رسیدن به مرز فروپاشی که آشوبهای آبان ماه را نشانه ای برای آن متصور شده بود.

۳- ضعف قدرت و بی عملی در نظام جمهوری اسلامی ایران که روحیه محافظه کاری در برخورد با نقض برجام را نشانه ای برای آن متصور شده بود.

از این رو ترامپ ترور شهید سلیمانی را به عنوان رأس مقاومت به عنوان یک اقدام فایده مند تلقی و با وقاحت مسئولیت این ترور را بر عهده گرفت که شاید عدم دریافت پاسخ مناسب در حمله به پایگاه های متحدان ایران در عراق و سوریه توسط صهیونیست ها و امریکایی ها نیز نوعی آزمایش و عملیات پابلوت محسوب شده بود.



در حمله موشکی سپاه به ترور بست‌های آمریکایی که در تاریخ نظامی گری آمریکا پس از جنگ جهانی بی نظیر است، نماد قدرت آمریکا در عراق مورد ضربه قرار گرفت، که گرچه در ارزش گذاری نمی توانست انتقام خون پاک شهید سلیمانی به حساب آید اما به لحاظ نمادین ارزشمند بوده و نماد قدرت آمریکا را هدف گرفته و یک سبلی سخت به ترور بست‌ها محسوب می‌شد.

همچنین دستگیری و زندانی نمودن یک استاد و دانشمند ایرانی در سفر به آمریکا که پس از ۱۴ ماه با جاسوس آمریکا معاوضه شد هم احتمالاً در اشتباه بر آورد تیم افراطی حاکم بر کاخ سفید بی تاثیر نبوده است.

بدیهی است که بی جواب ماندن جنایات آمریکایی‌ها در ترور شهید سلیمانی می‌توانست به تثبیت و توسعه این رویه ترور یستی و قلدر مآبانه سران کاخ سفید منتهی شود که نماینده رئالیسم آمریکایی به حساب می‌آیند. رئالیسمی که بر قدرت و زور تکیه داشته و هیچ منطقی جز زور و قدرت را نمی‌پذیرد. بنابراین برای بازدارندگی و توقف روند قلدری تیم افراطی حاکم بر کاخ سفید، دادن پیام قدرت اجتناب ناپذیر بود و علاوه بر این چنین اقدامی در سطح بالاتر از سوی مردم در قالب شعار انتقام به عنوان یک خواسته ملی مطرح شده بود که باید پاسخ می‌گرفت در همین راستا حمله موشکی به پایگاه عین الاسد توسط رزمندگان اسلام در نیروی هوافضای سپاه طراحی و به فاصله کمی پس از ترور و شهادت سردار سلیمانی به اجراء گذاشته شد.

ب) ویژگی های پایگاه عین الاسد

این پایگاه هوایی که از دوره رژیم صدام باقی مانده و در آن دوران به عنوان مدرن ترین پایگاه هوایی توسط مهندسين یوگسلاوی سابق شناخته شد، در ۱۷۰ کیلومتری غرب بغداد واقع شده و پس از اشغال عراق توسط آمریکا و متحدانش، مدتی در اختیار نیروهای انگلیسی و عمدتاً در اختیار نیروهای آمریکایی بوده، که با برخورداری از ویژگی های زیر نماد قدرت آمریکا محسوب می‌شود:

- ۱- مهمترین پایگاه هوایی در اختیار آمریکایی‌ها به لحاظ وسعت و استقرار تجهیزات و امکانات
 - ۲- استقرار سامانه کنترل و فرماندهی ائتلاف موسوم به ضد داعش برای انجام عملیاتهای مداخله گرانه در عراق و سوریه
 - ۳- قرار گرفتن در میانه بیابان های استان الانبار عراق و برخورداری از امنیت بالا برای تروریست های آمریکایی
 - ۴- احتمال استفاده از این پایگاه در ترور سردار سلیمانی و همراهان
 - ۵- استفاده از این پایگاه برای سفر مقامات بلند پایه آمریکایی به عراق از جمله روسای جمهور آن کشور
- بنابر این در حمله موشکی سپاه به تروریست های آمریکایی که در تاریخ نظامی

تحلیل ژورنالیستی

گری آمریکا پس از جنگ جهانی بی نظیر است، نماد قدرت آمریکا در عراق مورد ضربه قرار گرفت، که گرچه در ارزش گذاری نمی توانست انتقام خون پاک شهید سلیمانی به حساب آید اما به لحاظ نمادین ارزشمند بوده و نماد قدرت آمریکا را هدف گرفته و یک سیلی سخت به تروریست ها محسوب می شد. همچنین شلیک انبوه موشک و صدور بیانیه رسمی برای بر عهده گرفتن مسئولیت آن توسط سپاه و هشدار به تکرار و توسعه ی ضربات تا جغرافیای نحس رژیم صهیونیستی در صورت هر گونه واکنش تروریست های آمریکایی پیام روشن اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی در برابر تروریست های آمریکایی بود.

ج) پیامدها:

سیلی موشکی به تروریسم دولتی آمریکا آن هم به صورت اعلامی و رسمی که کاخ سفید دریافت و جرات هیچگونه واکنشی نسبت به آن نداشت و دلیل اصلی آن هم کاملاً مشخص بود، ادامه حمله به پایگاههای آمریکایی و جنگی منطقه ای با نتایج غیر قابل پیش بینی برای آمریکایی ها و رژیم صهیونیستی و افزایش قیمت نفت برای کشورهای اروپایی یا به عبارتی آغاز بحرانی وحشتناک که از قمار مخاطره آمیز ترامپ در ترور شهید سلیمانی برآمده و مجوز آن را سران کاخ سفید صادر کرده بودند.

دریافت این سیلی سخت و عدم واکنش تروریست های آمریکایی بر خلاف اعلام حمله به ۵۲ سایت ایرانی در صورت اقدام که ترامپ مدعی آن شده بود، پیامدهای سنگینی برای جنایتکاران آمریکایی داشت که گرچه حادثه تلخ سقوط هواپیمای اوکراینی و سانسور شدید امپراطور رسانه ای نظام استکبار تا حدود زیادی آن را به سایه انداخت، اما از چشم تاریخ و نخبگان و استراتژیست ها پنهان نبوده و نخواهد ماند، پیامدهایی چون:

- ۱- شکست هیمنه پوشالی قدرت نظامی آمریکا و آشکار شدن افول قدرت آن
- ۲- اثبات خطرناک بودن حضور منطقه ای تروریست های آمریکایی
- ۳- اثبات توهم خطر جنگ آمریکا و بی معنا بودن منطقی مذاکره برای جلوگیری از جنگ آمریکا
- ۴- پدید آمدن اعتماد به نفس برای رویارویی با قلدروی آمریکا در سایر کشور ها و ملت ها
- ۵- اثبات توان قطعی جمهوری اسلامی ایران برای ضربت متقابل
- ۶- اثبات اثر بخشی قدرت و در عین حال مدیریت ایران برای مهار تنش



وارد ساختن این سیلی سخت بر گونه تروریسم آمریکایی در شرایط هیجانی بالا و در عین حال مدیریت تنش و عدم ورود هیجانی بالا و در عین حال مدیریت تنش و عدم ورود به جنگی تمام عیار، حاکی از اصالت و کارایی سیاست متکی بر سه اصل عزت، حکمت، مصلحت و به کار گیری هوشمندانه آن توسط جمهوری اسلامی ایران بود.

وارد ساختن این سیلی سخت بر گونه تروریسم آمریکایی در شرایط هیجانی بالا و در عین حال مدیریت تنش و عدم ورود به جنگی تمام عیار، حاکی از اصالت و کارایی سیاست متکی بر سه اصل عزت، حکمت، مصلحت و به کار گیری هوشمندانه آن توسط جمهوری اسلامی ایران بود.

این سیلی چند پیام واضح برای افکار عمومی داخل نیز دارد که عبارتند از:

- ۱- مقابله با منطق زور گویانه و رئالیستی غرب تنها با تکیه بر قدرت جواب می دهد
نه التماس و محافظه کاری
- ۲- خطر جنگ آمریکا را همراهی مردم و اتکاء به قدرت بر طرف می سازد نه التماس و مذاکره
- ۳- دستیابی به امنیت پایدار و مهار بحران و تنش مستلزم برخورداری از توان و قدرت کافی و همه جانبه است نه کنار گذاشتن توسعه موشکی به بهانه‌ی توسعه علمی - اقتصادی

تحلیل و گزارشها



تحلیل و ادبیات

رضا داوری

سیری در مفهوم و مصادیق «ایام الله» در کلام امامین انقلاب
با تکیه بر آیات قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام

■ در سخنان امام خمینی از روزهایی همچون قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲، کشتار مردم در ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ توسط رژیم پهلوی، ۲۷ دی ماه ۱۳۵۷ روز فرار محمد رضا پهلوی، ۲۲ بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی و ۱۲ فروردین سال ۱۳۵۸ روز اعلام نتیجه همه پرسی برای برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران به عنوان "ایام الله" یاد شده است و درباره چنین ایامی فرمودند: «بر ملت شریف ماست که این ایام الله را - که هدیه هایی از عالم غیب ربوبی است - با جان و دل حفظ و با چنگ و دندان نگهداری کنند.»

* در بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای حفظه الله هم از روزهایی همچون حماسه مردم در ۹ دی ماه ۱۳۸۸، حضور باشکوه مردم در تشییع پیکر سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و همچنین حمله موشکی جمهوری اسلامی ایران به پایگاه آمریکایی عین الاسد در عراق به عنوان «یوم الله» نام برده شده است.

* علامه طباطبایی در تفسیر گران قدر المیزان در تبیین ایام الله می نویسد: «با این که تمام روزها و تمام چیزها از آن خدای متعال است، ولی اختصاص دادن روزهایی به نام «ایام الله» یا یوم الله به خاطر آن است که فرمان و امر خدا در آن روزها چنان آشکار است که برای فرمان جز خدا، هیچ گونه ظهوری باقی نمی ماند، ایام الله زمان ها و شرایطی است که فرمان خدا و آیات و نشانه های وحدانیت و سلطه الهی آشکار شده، یا می شود، مثل روز مرگ که قدرت و سلطه «آخرت» در آن روز آشکار می شود و اسباب دنیوی از تاثیر می افتد، یا روز «قیامت» که هیچ کس برای دیگری مالک هیچ چیز نیست، و در آن روز فرمان از آن خداست. یا مثل ایامی که خداوند در آن ها قوم «نوح»، «عاد» و «ثمود» را به هلاکت رسانده، که در امثال این گونه روزها، قهر و غلبه الهی آشکار شده و معلوم می گردد که تمامی عزت متعلق به خدا است.

* از مجموع کلمات معصومین علیهم السلام و سخنان مفسرین قرآن و نهج البلاغه و سایر اولیاء الهی در مورد معنا و تفسیر واژه یوم الله بر می آید که:

«یوم الله» به معنای روزی است که سلطنت و قدرت خداوند به نحو خاصی، طبق مصلحت و حکمت ظهور می کند و مخلوقات، اعم از انسان و غیر انسان تحت سلطه خدا و مقهور قدرت او قرار می گیرند. - یوم الله روزی است که نعمتی از نعمت های خداوند به خاطر شایستگی امتی، بر آن امت نازل می شود.

- یوم الله روزی است که عذابی از عذاب های خداوند به خاطر تَمَرّد و عصیان امتی، بر آن امت نازل می شود.

- یوم الله روزی است که حق و عدالتی برپا و یا ظلم و بدعتی نابود می شود.

- یوم الله روزی است که سرنوشت انسان ها در آن روز رقم می خورد.

- «یوم الله» وقت تجلی نعمتی از نعمت های الهی و یا نعمتی از نعمت های او می باشد.

- یوم الله روز ظهور سلطنت خداوند در قالب انعام و انتقام الهی است؛ خواه ظهور سلطنت خداوند در ایام گذشته باشد، مثل هلاک شدن اقوام ستمگر گذشته؛ خواه در آینده باشد، مثل وقت مرگ که در آن روز سلطنت اخروی خداوند ظهور می کند و اسباب دنیوی از تأثیر می افتند و یا مثل قیامت که هیچ کس نسبت به دیگری اختیاری ندارد و همه امور به دست خداوند است. خواه ظهور سلطنت الهی در قالب قهر و غضب و نعمت باشد، مثل عذاب اقوام ستمگر و خواه در قالب مهر و محبت و نعمت باشد، مثل روزی که نوح (علیه السلام) و یاران او از کشتی پیاده شدند و یا روزی که ابراهیم علیه السلام از آتش نجات پیدا کرد.

- یوم الله به منزله یک سکه با دو روی متفاوت است که یک روی آن، نعمت و روی دیگر آن، نعمت است. نعمت است برای مؤمنین و نعمت است برای متمرّدین. یک طرف آن رضای الهی است و طرف دیگر خشم شیطان است، ولی یک طرف آن جلوه بیش تری دارد. گاهی جنبه نعمت آن جلوه بیش تری دارد؛ و گاهی جنبه نعمت آن. از این رو یوم الله بعثت و نصرت مسلمانان در جنگ ها و نصب خلافت، یوم الله انعام الهی می باشد؛ همان طور که یوم الله عذاب فرعونیان و ستمگران، یوم الله انتقام الهی می باشد.

* از آن جا که ایام الله روزهای تبلور قدرت خداوند است، یادآوری آن ها یادآوری قدرت مغلوب ناشدنی خداوند و حاکمیت اراده الهی در تاریخ بشر است. اراده ی باری تعالی در جهان اعم از طبیعت و جوامع بشری از مجرای قوانین مشخصی تحقق می پذیرد که در قرآن از آن ها به «سنه الله» تعبیر شده است. یادآوری ایام الله، موجب توجه به سنت های الهی در جهان و تأمل در آن ها است.

* پیامبران لازم می دانند فلسفه ی تاریخ و قوانین جامعه شناسی حاکم بر حوادث تاریخی

را به پیروان خود یادآور شوند تا در مسیر حرکت اجتماعی خود آن‌ها را چراغ راه قرار دهند. لازمه‌ی ایمان به خدا و انبیا و مکاتب آسمانی، توجه به این قوانین و امید داشتن به تحقق آن‌ها است. چنان که در سوره‌ی جاثیه از دین‌گریزان و پیامبرستیزان به «نامیدان به ایام‌الله» تعبیر کرده و همین ناامیدی را شاهد بدبختی آن‌ها می‌داند. پس ایام‌الله روزهای بزرگ و تاریخی و سرنوشت‌سازی است که در تاریخ یک ملت یادِ سرنوشت یک نسل یا کلادِ سرگذشت انسان پیش می‌آید. گاهی به صورت نعمتی بزرگ و گاهی به صورت عذابی عظیم و دردناک که حتی منجر به زوال یک ملت گشته و نام «عذاب استیصال» به خود می‌گیرد.

یوم‌الله؛ مشاهده دست قدرت خداوند

حضور رهبر انقلاب اسلامی در مراسم نماز جمعه ۲۷ دی ماه و محتوای دو خطبه‌ای که ایشان بیان فرمودند، در کانون توجهات و تحلیل‌های کارشناسان مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، منطقه‌ای، رسانه‌ای و دینی قرار گرفته است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانات خود ضمن مروری بر حوادث و مسائل مهمی همچون ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی توسط دولت آمریکا، تشییع چند ده میلیون‌ی پیکر این شهید و پاسخ موشکی سپاه پاسداران به آمریکایی‌ها، مجموعه‌ی مباحث خود را ذیل یک بحث قرآنی مطرح کردند.

ایشان با استناد به آیه‌ی ۵ سوره‌ی ابراهیم، واقعه‌ی حضور ده‌ها میلیون‌ی مردم ایران در بدرقه‌ی پیکر حاج قاسم سلیمانی و نیز حمله‌ی موشکی سپاه به پایگاه آمریکایی را «یوم‌الله» دانستند و فرمودند:

«می‌فرماید که **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ**؛ توصیه می‌کند، دستور میدهد حضرت موسی را که «ذکرهم بِآیامِ اللَّهِ». دو احتمال در معنای «ذکرهم بِآیامِ اللَّهِ» هست که در مقصودی که ما از این آیه داریم فرقی نمی‌کند. یک احتمال این است که منظور این است که آیام‌الله را به یاد آنها بیاور؛ یک احتمال هم اینکه مقصود این است که به وسیله‌ی آیام‌الله خدا را، دین را، قیامت را به یاد آنها بیاور. اهمیت آیام‌الله در اینجا معلوم میشود که موسی پیامبر عظیم‌الشان الهی مأمور است که آیام‌الله را به یاد مردم بیاورد. بعد میفرماید: **إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ**. آیام‌الله آیه‌اند، نشانه‌اند، دلیل راهند. برای چه کسانی؟ برای کسانی که این دو صفت را دارند: صبارند و شکورند. صبار یعنی کسی که سر تا پا



یوم الله یعنی چه؟ یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می کند؛ آن روزی که ده‌ها میلیون در ایران، و صدها هزار در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابانها آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه‌ی جهان را شکل دادند. این یکی از ایام الله است.

تحلیل روزها



آن روزی هم که موشکهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایگاه آمریکایی را در هم کوبید، آن روز هم یکی از ایام الله است...

استقامت و صبر است، یکسره اهل صبر و استقامت، شکور یعنی آن کسی که نعمت را می شناسد و شکر گزاری میکند که حالا درباره‌ی این شکر گزاری من عرایضی خواهم کرد. بعد در آیه‌ی بعد میفرماید که حضرت موسی این دستور را عمل کرد: **وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ**؛ به یاد آنها آورد نجاتشان از دست فرعون را، فرعونیان را، از دست قدرت فائقه و غالب ستمگر را که چطور شما را نجات داد؛ این از ایام الله است یکی از نمونه‌های ایام الله این است: **إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ**. پس این [روز] یکی از ایام الله شد؛ آن وقتی که جوامع و انسانها و اقوام از دست قدرتهای ستمگر نجات پیدا میکنند. بعد دنباله‌ی این ندای عمومی پروردگار است، صدای بلند خدا است: **وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ**، «تأذن» یعنی با صدای بلند خدای متعال به همه اعلان می کند که **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ**؛ اگر شکر گزاری کردید، ما آن نعمتی را که به شما دادیم این را روز به روز افزایش خواهیم داد، زیاد می کنیم؛ **وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**؛ اما اگر کفران نعمت کردید، وظایف شکر را به جا نیاوردید، آن وقت آنجا عذاب الهی است، مشکلات فراوانی است که برای شما پیش خواهد آمد. بعد در آیه‌ی بعد هم نتیجه‌ی کلی از این مطالب را می فرماید که: **وَقَالَ مُوسَى إِنَّ تَكْفُرًا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ**. این که ما میگوییم شکر گزار باشید، این که میگوییم مراقب نعمت خدا باشید، نعمت خدا را از یاد نبرید، این برای خود شما است و آلا خدای متعال بی نیاز است.

یوم الله یعنی چه؟ یعنی آن روزی که دست قدرت خدا را انسان در حوادث مشاهده می کند؛ آن روزی که ده‌ها میلیون در ایران، و صدها هزار در عراق و بعضی کشورهای دیگر به پاس خون فرمانده سپاه قدس به خیابانها آمدند و بزرگ‌ترین بدرقه‌ی جهان را شکل دادند، این یکی از ایام الله است. آنچه اتفاق افتاد، کار هیچ عاملی جز دست قدرت خدا نمیتوانست باشد. آن روزی هم که موشکهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پایگاه آمریکایی را در هم کوبید، آن روز هم یکی از ایام الله است... اینها روزهای نقطه‌ی عطف تاریخند، روزهای تاریخ سازند، روزهای عادی نیستند.»

یوم الله در سخنان حضرت امام خمینی (ره)

امام امت قدس سره از ۲۲ بهمن همچون ۱۵ خرداد، ۱۷ شهریور، ۲۷ دی روز فرار پهلوی، ۱۲ فروردین و ... به عنوان «ایام الله» یاد کرده اند و درباره چنین ایامی فرمودند: «بر ملت شریف ماست که این ایام الله را - که هدیه‌هایی از عالم غیب ربوبی است - با جان و دل حفظ و با چنگ و دندان نگهداری کنند.» (پیام امام خمینی رحمه الله به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد

ایشان همچنین در تبیین روز فرار شاه می گویند: «آن روزی که این خبیث فرار کرد از «ایام الله» بود؛ که یک ملتی که هیچ نداشت یک قدرت را شکست، به طوری که نتوانست بماند. نه قدرت خودش، قدرت همه؛ دنیا ایستاده بود مقابل شما، من مطلع بودم، دنیا ایستاده بود پشتیبان، پشتیبان خودش اول؛ پشتیبان وارث آن، که این شخص بختیار باشد، ثانیاً. ایستاده بودند دنبال او که نگهشان دارند. دو دستی آمریکا چسبیده بود که شاه را نگه دارد. وقتی او فرار کرد، دو دستی چسبیده بودند بختیار را نگه دارند. می فرستادند پیش ما که این از ماست، این مال ماست! نوکر بودند اینها».

(صحیفه امام، ج ۹، ص: ۴۶۷)

در مکتب امام و رهبری، آن نیروی نامتناهی ای که در جبهه حق وجود دارد که «یوم الله» را رقم می زند و طومار جبهه باطل را در هم می پیچد، به صحنه آمدن ایمان یک امت و ملت است. ولو این امت به لحاظ مادی، قوه و نیرویی نداشته باشد، اما ایمان یک امت قدرتی است که هیچ قدرت مادی یارای مقابله با او ندارد.

حضرت امام^(ع) در بیان یوم الله بودن ۱۷ شهریور خاطره بسیار عجیب نقل می کنند که حاکی از این است که این روحیه شهادت طلبی در تمام مردم حتی یک کودک ۱۲ ساله هم ایجاد شده بود: «۱۷ شهریور از «ایام الله» است. و باید یادمان نرود این را. آن قدر شهید دادیم و آن قدر خون دادیم ما آن روز و در مقابل اجانب و در مقابل وابستگان به اجانب. قیام کردند ملت ما و خونشان ریخته شد، لکن پیروز شدیم. مبدأ پیروزی و همه روزهایی که نمی توانیم ما بشمریم. این روزهایی که آن ها با کمال شقاوت حمله می کردند و شما با کمال شجاعت زن و مردتان می ایستادید در مقابلشان. یک کسی که برای من نقل کرد گفت من خودم دیدم که یک بچه ده دوازده ساله - یک همچو چیزی - سوار موتورسیکلت بود و رفت طرف تانک! تانک هم او را زیر گرفت از بین برد. اما یک همچو روحیه پیدا شده بود که بچه دوازده ساله هم حمله به تانک می کند، با دست خالی و هیچی!» (همان ص ۴۶۹)

همچنین حضرت امام^(ع) در تصویر یک یوم الله دیگر یعنی شب ۲۲ بهمن ۵۷، تصویری از این تقابل ارائه می کنند: «این را از یاد نبرید که تمام چیزها را جمع کردند و تمام کیدها را درست کردند برای اینکه در یک شب بریزند کودتا کنند و همه اشخاصی که احتمال می رود یک کاری از آن ها بیاید همه را از بین ببرند، ملت را باز برگرداندند به آن حال اول، خدا نخواست. این یکی از «ایام الله» بود که شما ملت شریف نورانی با

قلبهای پر از ایمان نترسیدید و آن روز ریختید به خیابان ها، باینکه اعلام حکومت نظامی بود، ریختید به خیابان ها و خنثی شد آن چیزی که آن ها می خواستند. می خواستند خیابان ها خلوت بشود، تانک ها را بیاورند همه جامستقر بکنند و شب مشغول آن جنایت بشوند. خدای تبارک و تعالی به داد این ملت رسید. و آن روز یکی از ایام الله بزرگ است. همه قدرت ها دنبال اینها بودند. همه قدرت ها، نه فقط قدرت ابر قدرت؛ دیگران هم بودند. آن هایی که به نرخ روز کارهایشان را می کنند؛ نان به نرخ روز می خورند. همه آن روز پشتیبانی می کردند، مع ذلک خدای تبارک و تعالی به شما مرحمت فرمود، شما را بر این قدرت های بزرگ پیروز کرد و دست اجانب را از مملکت شما کوتاه کرد. (همان ص ۴۶۸)

ایشان همچنین درباره ایام الله می فرمایند: «قضایایی که در ایام الله رخ داده است، برای تاریخ و انسان ها در طول تاریخ آموزنده و بیدار کننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعضی از آنها یاد کرده است، سرمشقی پربرکت برای ساختن جامعه ها و اشخاص و جامعه عصر ما است که عصر انقلاب است... و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ که باید آنها را ایام الله محسوب کنیم و به ذکر آنها و تذکر آن ایام بپردازیم. (صحیفه نور، ۱۳۶۹ ش، ج ۱۷، ص ۱۱)

بررسی مفهوم «یوم الله» در قرآن الف: طرح آیات

«یام الله» به معنای روزهای خدا است که در قرآن دو بار مورد اشاره قرار گرفته است:

۱. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» (سوره ابراهیم، آیه ۵) «در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکی ها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت هاست.»

۲. «قُلِ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (سوره جاثیه، آیه ۱۴)؛ «به کسانی که ایمان آورده اند، بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند در گذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می شده اند به مجازات رساند.»

ب: تبیین آیات

۱. آیام الله همانند بیت الله

خداوند در آیه نخست به یکی از مأموریت‌های بزرگ حضرت موسی (علیه السلام) اشاره کرده، می‌فرماید: «تو موظفی که آیام الهی و روزهای خدا را به یاد قوم خود بیاوری». مسلماً همه روزها، آیام الهی است؛ همان‌گونه که همه مکان‌ها متعلق به خدا است. اگر نقطه خاصی به نام بَيْتُ الله (خانه خدا) نامیده شد، دلیل بر ویژگی آن است. همچنین عنوان «آیام الله» مسلماً اشاره به روزهای مخصوصی است که امتیاز و روشنایی و درخشش فوق العاده‌ای دارد. به همین جهت مفسران در تفسیر آن احتمالات مختلفی داده‌اند:

الف: اشاره به روزهای پیروزی پیامبران پیشین و امت‌های راستین آنان و روزهایی است که انواع نعمت‌های الهی بر اثر شایستگی‌ها شامل حال آنها است.
ب: اشاره به روزهای نزول عذاب الهی بر اقوام سرکش و به زنجیر عذاب کشیده شدن ایشان

ج: قول شایسته: «آیام الله»، تمام روزهایی که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است، می‌باشد. هر روز - که یکی از فرمان‌های خدا در آن چنان درخشیده که بقیه امور را تحت الشعاع خود قرار داده - از آیام الله است.
هر روز که فصل تازه‌ای در زندگی انسان‌ها گشوده و درس عبرتی به آنها داده شده است و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده و یا طاغوت و فرعون گردن‌کشی در آن به قعر دره نیستی فرستاده شده و خلاصه هر روز که حق و عدالتی برپا شده و ظلم و بدعتی خاموش گشته است؛ همه آنها از آیام الله است. [نمونه. ج ۱۰ ص ۲۷۱].

۲. دیدگاه مشابه مفسران

الف: طبرسی در مجمع البیان سه نظریه در این باره آورده است: (علت آن به اختلاف در تعبیر می‌ماند تا اختلاف در برداشت و تفسیر، لذا از هم‌آهنگی کلی آنان حکایت دارد) (الف) وقایع الله فی الامم الخالیه و اهلاک من اهلک منهم. حوادث سهمگین و نابودکننده و براندازنده جامعه‌ها و ملت‌های پیشین است. یادآوری این واقعه‌ها خاصیت بازدارندگی دارد تا شنوندگان تاریخ عبرت بگیرند.

ب) از قول امام صادق (علیه السلام) و ابی بن کعب و ابن عباس نقل می‌کند که: «ذکرهم بأیام الله» به معنای یادآوری نعمت‌های خداوند در طول روزگار گذشته است.

ج) انه یرید بأیام الله سُنَّته و أفعاله فی عبادته من إنعام و انتقام: مراد از آیه «و ذکرهم به ایام الله» سنت های الهی و حوادثی است که در میان جوامع بشری رخ می دهد از خوش بیاری و نعمت بخشی یا بدبیاری و عذاب آنان. خداوند به جای به کاربردن قوانین و سنت ها از باب کنایه، واژه ای ایام را به کار برده است یعنی ظرف را استعمال کرده و مظروف (حوادث) را اراده کرده است. این نظریه ی ابومسلم اصفهانی است و در حقیقت دو نظریه ی پیشین را هم آهنگ ساخته است. (طبرسی، ۱۹۷۲، ج ۶، ص ۶۶-۶۵). و به این ترتیب هر سه نظریه به یک دیدگاه باز می گردد.

ب: فیض کاشانی در الصافی می گوید: منظور از «ایام الله» حوادث سهمگین رخ داده بر پیشینیان است، چنان که مقصود از «ایام العرب» جنگ هایی است که در میان اعراب پیش آمده است. (فیض کاشانی، بی تا، ج ۳، ص ۸۰).

ج: علامه مجلسی در تفسیر آیه: لایر جون ایام الله می نویسد: لایتوقعون وقائعه بأعدائه من قولهم «ایام العرب» لوقائعهم اولا یا ملون الأوقات التي وقتها لنصر المومنین و ثوابهم و وعدهم بها (مجلسی، ج ۹، ص ۱۵۳). این دیدگاه نظیر دیدگاه ابومسلم اصفهانی است.

د: علامه طباطبایی در المیزان می گوید: «شکی نیست در این که ایام الله روزهای ویژه ای است و با این که همه ی روزها و اشیاء از آن خداست انتساب برخی از آن ها به خدا به جهت حادثی است که در آن روزهای خاص پیش آمده است و قدرت خداوند در آن ها آشکار شده است و باقی عوامل تحت الشعاع قدرت خدا واقع شده است. هم چون روز مرگ که در آن روز، سلطنت آخرتی خدا اشکار می شود و اسباب دنیوی از تأثیر می افتند. و نیز هم چون روز قیامت که از هیچ کس در آن روز کاری ساخته نیست. و نیز مانند روزهایی که قوم نوح، عاد و ثمود در آن ها به هلاکت رسیدند. چه این که در این روزهای خاص، قهر و غلبه و عزت خدایی خودنمایی کرده است. ممکن است روزهای ظهور رحمت و نعمت الهی نیز از ایام الله باشد، البته آن گونه ظهوری که دخالت دیگر اسباب کم رنگ دیده شود هم چون روزی که حضرت نوح و یارانش به سلامت و به مبارکی از کشتی بر زمین گام نهادند. یا روزی که حضرت ابراهیم از آتش نمرودیان نجات یافت چنان که برخی روزها با حوادث ویژه اقوام ملت ها ارتباط وثیق دارد که بدان اقوام نسبت داده می شود مانند «ایام العرب» همچون: یوم ذی قار و یوم فجار و یوم بغاث و غیره». (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۱۸).

۳. نگاهی به سوره های ابراهیم و جاثیه

الف: لزوم توجه به سنت های الهی در مطالعه آیات

هر گروه از آیات کلام الله یک مجموعه‌ی منسجم از مفاهیم و مطالبند که در صدد بیان «سنت های الهی» هستند. توجه به سنت های الهی به ویژه، سنت های اجتماعی،

۱. موجب بیداری و هوشیاری دل می شود و

۲. انسان ها را از غلتیدن در پرتگاه های مرگبار باز می دارد، و

۳. از سوی دیگر اراده‌ی او را در استفاده‌ی بیش تر و بهتر از موفقیت ها و کامیابی ها راسخ تر می سازد. و

۴. در این صورت از تاریکی های نادانی، لجاجت، غفلت، سهل انگاری، خودخواهی، هوس بازی و ... رهایی می بخشد و

۵. به سوی روشنایی دانش و تجربه و حق پذیری و دقت و هوشیاری و هم گرایی و هم کاری و یاری و ... سوق می دهد.

برای رسیدن به چنین هدف و آرمانی، باید هر دسته از آیات الهی را به شکل یکپارچه دید و تبیین کرد.

ب: لزوم یاد آوری و بازگو کردن سنت های الهی

به پیامبران دستور داده شده است که با زبان عامه‌ی مردم و بیانی روزآمد، فراز و نشیب های حساس و سرنوشت ساز گذشته را برای آنان باز گویند. (ابراهیم، ۴). مثلاً حضرت موسی مأمور شد تا از چنین شیوه‌ی تربیتی در هدایت پیروان خود بهره گیرد. حضرت موسی حوادث خطیر و سهمگین گذشته را به یاد پیروان خود آورد. از جمله، کشتارها و ذلتی که در نظام طاغوتی فرعون دامن گیرشان شده بود و چگونگی رهایی از چنگ فرعونیان و دست یابی به قدرت و حکومت را برای ایشان تبیین کرد و از دل مثال ها و نمونه ها، قانونی از قوانین الهی را بیرون کشید که در قرآن از آن به «سنت الهی» تعبیر شده است.

آن قانون الهی ثابت این است که: **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ**. هر گاه در مسیر اراده‌ی الهی قرار گیرید و از نعمت های او بهره ببرید و حقوق دیگران را ادا کنید و هر چیز را در جای خود بنهید و از تندی و کندی پرهیزید، نعمت ها بیش از پیش به شما روی خواهد آورد. اما اگر قدر آن ها را نشناسید و از آن ها استفاده‌ی نابجا کنید و عنایت لازم را به حقوق و تکالیف خود نداشته باشید، در همین جهان تازیانه‌ی عذاب خداوند بر

بیکر تان فرود می آید و آتشش دامن تان را می گیرد. گاه چنان کیفر کند که ریشه ناسپاسان را بخشکاند و از صفحه ی روزگار براندازد، گویی افسانه ای بیش نیستند، اگر باور ندارید، به سرنوشت اقوام نوح، عاد، ثمود و جوامع بدبخت و نگون سار پس از آن ها نظر افکنید. کیفر کفران نعمت ها به سرای دنیا محدود نمی شود بلکه تداوم حرکت خیر و شر در قدرشناسی و ناسپاسی نعمت ها در جهان آخرت نیز نمودار می شود و هر کس و هر جامعه ای پاداش و کیفر رفتار دنیوی خود را دریافت می کند. در آخرین آیه ی این سوره نگاهی دوباره به ابتدای سوره داشته و می گوید: **هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ**: این قرآن پیامی نافذ و آشکار برای عموم مردم است تا همگان به وسیله ی آن دست از خطا و گناه بردارند و بدانند همه کاره، خدای یکتاست تا صاحبان خرد از سرنوشت گذشتگان پند گیرند.

در سوره ی «جاثیه» نیز با محوریت سنت «**ایام الله**» مطالبی درباره جریان سنت های الهی نازل شده است. لذا می بینیم که هم چون سوره ی ابراهیم به قوانین حاکم بر جهان طبیعت و جوامع بشری و جهان آخرت اشاره می کند و به عنوان نمونه به رفتار و سرنوشت قوم بنی اسرائیل استشهد می کند.

۴. روایات ذیل آیه ۵ سوره ابراهیم

۱. **روایت اول: علی بن ابراهیم** (رحمة الله علیه) - **وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ قَالَ أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمُ الْقَائِمِ وَ يَوْمُ الْمَوْتِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.**

علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) - **وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ**، روزهای خدا، سه روز است؛ روزی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می کند و روز مرگ و روز قیامت. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰ و بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۲ / تأویل الآیات الظاهرة، ص ۲۴۶ / القمی، ج ۱، ص ۳۶۷ / نور الثقلین / البرهان)

۲. **روایت دوم: الباقر** (علیه السلام) - **أَيَّامُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثَلَاثَةٌ: يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُرَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ.**

امام باقر (علیه السلام) - **أَيَّامُ اللَّهِ** سه روز است؛ روزی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می کند؛ روز رجعت و روز قیامت. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰ و البرهان / نور الثقلین)

۳. **روایت سوم: الصادق** (علیه السلام) - **فِي قَوْلِ اللَّهِ وَ ذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ قَالَ بِأَلَاءِ اللَّهِ يَعْزِي نِعْمَهُ.**

امام صادق (علیه السلام) - **وَذَكَرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ**، یعنی نعمت های خدا را به یادشان بیاور.

(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰ و بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۵۳ / العیاشی، ج ۲، ص ۲۲۲ / نور الثقلین / البرهان)

۴. **روایت چهارم: الصادق** (علیه السلام) - **وَ ذَكَرَهُمْ بِنِعْمِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي سَائِرِ أَيَّامِهِ.**

امام صادق (علیه السلام) - نعمت های خدای متعال را در سایر روزهای خدا به یادشان بیاور.

(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰ و نور الثقلین / البرهان)

۵. روایت پنجم: الرسول (صلی الله علیه و آله) - آیام الله نَعْمَاؤُهُ وَ بِلَاؤُهُ وَ مَثَلَاتُهُ سُبْحَانَهُ.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) - آیام الله، نعمت های خدا و بلاها و عقوبت ها و مجازات های اوست.

(تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰)

۶. روایت ششم: الباقر (علیه السلام) - صَبَّارٌ عَلَيَّ مَا نَزَلَ بِهِ مِنْ شِدَّةٍ أَوْ رَخَاءٍ صَبُورٌ عَلَيَّ

الْأَدَى فِينَا شُكُورٌ لِلَّهِ عَلَيَّ وَلَا يَتِنَا أَهْلُ النَّبِيِّتِ .

امام باقر (علیه السلام) - صَبَّارٌ كَسَى اسْتِ كِه بَسِيَارِ صَبْرٍ مِي كَنْد بَر سَخْتِي هَا وَ نَامَلِيْمَاتِي

كِه بَر اَوْ اَرَادِ مِي شُود وَ اَزَارِ وَ اَذِيْتِي كِه دَر رَاه مَاهِل بِيْتِ مِي بِيْنِد تَحْمَلِ مِي كَنْد وَ خِدا

رَا بِه خَاطِرِ وَايْتِ مَاهِل بِيْتِ بَسِيَارِ شُكْرِ مِي كَنْد. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰

وَ بَحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۲۴، ص ۲۲۰)

۷. روایت هفتم: علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) - هُوَ الَّذِي يَصْبِرُ عَلَيَّ الْفَقْرُ وَالْفَاقَةُ وَيَشْكُرُ

اللَّهِ عَلَيَّ جَمِيعَ أَحْوَالِهِ.

علی بن ابراهیم (رحمة الله علیه) - اَوْ كَسِي اسْتِ كِه بَر فُقْرٍ وَ تَنْگِ دَسْتِي صَبْرٍ مِي كَنْد وَ خِدا رَا دَر هِمْمِه

اَوْضَاعِ وَ اَحْوَالِش سِيْاَسِ مِي گُوِيْد. (تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۷، ص ۳۴۰ وَ الْقَمِي، ج ۲، ص ۱۶۷)

یوم الله در کلام اهل بیت

- دَر رَوَايَاتِ مَتَعَدَدِ اَهْلِ بِيْتِ «يَوْمِ اللّٰهِ» بِه رُوزِ هَايِ گُونَا گُونِي تَفْسِيْرِ شُدِه اسْت: اِمَامِ بَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامِ)

فَرْمُوْدِه اسْت: «يَوْمِ اللّٰهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَيَوْمُ الْكُرَّةِ وَيَوْمُ الْقِيَامَةِ» الْخِصَالِ، ص ۱۰۸،

ح ۷۵؛ مَعَانِي الْاَخْبَارِ، ص ۳۶۵، ح ۱؛ «يَوْمِ اللّٰهِ سَه رُوزِ اسْت؛ رُوزِي كِه حَضْرَتِ قَائِمِ (عَلَيْهِ السَّلَامِ)

قِيَامِ خَوَاهْدِ كَرْدِ وَ رُوزِ بَازِ گِشْتِ بَرِ خِي اَز مَرْدِ گَانِ وَ رُوزِ رَسْتَا خِيْزِ.»

- عِلْمَاهِ مَجْلِسِي اَز اِمَامِ بَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامِ) وَ اَنْ حَضْرَتِ اَز اِمَامِ حَسِيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامِ) وَ جَابِرِ بِنِ عَبْدِ اللّٰهِ

اِنْصَارِي وَ عَبْدِ اللّٰهِ بِنِ عَبَّاسِ، اَز پِيَامِبِرِ (صَلِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ) نَقْلِ مِي كَنْد كِه دَر تَفْسِيْرِ «وَ ذَكَرْهُمْ

بِاِيَامِ اللّٰهِ» فَرْمُوْد: «يَوْمِ اللّٰهِ نَعْمَاؤُهُ وَ بِلَاؤُهُ وَ مَثَلَاتُهُ سُبْحَانَهُ»: اِيَامِ اللّٰهِ نَعْمَتِ هَا، اَز مَآيِشِ هَا وَ

كَيْفِرِ هَايِ خِدا وَ نَدِ اسْت. اَنْ گَاهِ رُو بِه يَارَانِ حَاضِرِ دَر مَجْلِسِ كَرْدِ وَ فَرْمُوْد: مَن شِمَارَا اَنْدَرِزِ

مِي دَهْمِ بِه جِهْتِ نَگَرَانِي اَز كَيْفِرِ مَرگِ اَوْرِ اِلَهِي بَر شِمَا. (مَجْلِسِي، ج ۶۷، ص ۲۰).

- اِبْنِ اَبِي الْحَدِيْدِ دَر شَرْحِ عِبْرَاتِ: «وَ صَدَّقَ بِمَا سُلِّفَ مِنَ الْحَقِّ» اَز نَهْجِ الْبَلَاغَةِ مِي گُوِيْد:

«اِي صَدَّقَ بِمَا تَصَمَّنَه الْقُرْآنُ مِنْ «اِيَامِ اللّٰهِ» وَ مَثَلَاتِهِ فِي الْاِمَمِ السَّلَافَةِ لِمَا عَصَا وَ كَذَبَا.

عِلْمَاهِ مَجْلِسِي نِيْزِ عِبْرَاتِ يَادِ شُدِه رَا قَرِيْبِ بِه هِمِيْنِ مَضْمُونِ شَرْحِ دَاْدِه وَ گُفْتِه اسْت:

«اِي صَدَّقَ بِمَا تَصَمَّنَه الْقُرْآنُ مِنْ «اِيَامِ اللّٰهِ» وَ مَثَلَاتِهِ فِي الْاِيَامِ السَّلَافَةِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِيْنَ

وَ مَا جَا عَا وَ بِه.»

- امیر المؤمنین (علیه السلام) یادآوری ایام الله را به عنوان هشدار می داند و آن را عبارت از حوادث دردناک تاریخ در مورد پیشینیان می داند و برای اندرز مردم و مخالفان به برخی از صحنه های عبرت آموز تاریخی استناد می کند. چنان که در روایت مفصلی می گوید: آن روز که شورای خلافت برای انتخاب خلیفه ی سوم تشکیل شده بود من به یکایک اعضای شورا، «ایام الله» و حوادث مهم تاریخی را یادآور می شدم و نسبت به تکرار تاریخ هشدار می دادم گرچه به گوش آنان فرو نرفت. «فاذا خلوت بالواحد ذکرته «ایام الله» و حذرته ما هو قادمٌ علیه و صائرٌ الیه ... از الوها عتی الی ابن عفان» (ر.ک: بحرانی، ج ۵، ص ۳۸۰-۳۸۳).

- از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که: «ایام الله عزوجل ثلاثه: یوم القائم و یوم الکره و یوم القیامه: مصداق کامل ایام الله سه روز است. روز ظهور حضرت مهدی (علیه السلام)، و روز رجعت و روز قیامت». علی ابن ابراهیم قمی در تفسیر خود می گوید: «ایام الله ثلاثه یوم القائم و یوم الموت و یوم القیامه: مصداق کامل ایام الله سه روز است: روز قیام مهدی (علیه السلام) و روز مرگ و روز قیامت. (علیه السلام)

ایام الله در سخنان علی

حضرت علی (علیه السلام) در موارد متعدد، ایام الله را متذکر می شود و به بزرگداشت آنها می پردازد و یادآوری ایام الله را از اوصاف بندگان خداوند می شمارد: «همواره برای خداوند در پاره ای از زمان، بعد از پاره دیگر و در روز گاری که آثار شرایع در آنها گم گشته است، بندگان است که روزهای خدا را (به مردم) یادآوری می نمایند و (آنان را) از عظمت و بزرگواری او می ترسانند.» (خطبه ۲۱۳، ص ۷۰۳). آن حضرت به یادآوری ایام الله دستور می دهد و در نامه ای به قثم بن عباس، که کار گزار وی در مکه بود، می نویسد:

«حج را با مردم برپادار و آنها را به روزهای خداوند یادآوری نما.» نامه ۶۷، ص ۱۰۶۳. آن حضرت در مواردی به یادآوری و بزرگداشت ایام الله می پردازد، که اینک به نمونه هایی از آنها اشاره می گردد:

۱. یوم الله بعثت انبیا. خطبه ۱، ص ۳۳.
۲. یوم الله بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). خطبه، ۲، ص ۴۲.
۳. یوم الله نزول قرآن کریم. خطبه ۱۶۶، ص ۵۴۴.
۴. یوم الله هجرت. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۳۸.
۵. یوم الله غدیر خم. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۲۷.
۶. یوم الله میلاد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله). همان، ص ۳۳۶.
۷. یوم الله ۲۵ ذی قعدة. همان، ص ۳۳۲.
۸. یوم الله قیام قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف). ینابیع الموده، ج ۵، ص ۴۶۷.

۹. یوم الله جمعه. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۶۵.
۱۰. یوم الله عید فطر. همان، ص ۱۴۱.
۱۱. یوم الله جنگ بدر. شرح نهج البلاغه، نامه ۲۸، ص ۹۰۳.
۱۲. یوم الله وفات. بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۵۴.
۱۳. یوم الله قیامت. شرح نهج البلاغه، خطبه ۸۲، ص ۱۸۴.
۱۴. یوم الله عذاب اصحاب رس. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۸.
۱۵. یوم الله عذاب قوم ثمود. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱۰، ص ۷۵ و فیض، خطبه ۱۸۰، ص ۵۸۶.
۱۶. یوم الله بت شکنی ابراهیم (علیه السلام) و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ۳۱. بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۲.
۱۷. یوم الله عذاب عمالقه. فیض، خطبه ۱۸۱، ص ۵۹۴.
۱۸. یوم الله طوفان نوح (علیه السلام) بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۲۴.
۱۹. یوم الله نجات ابراهیم (علیه السلام) و پیامبر (صلی الله علیه و آله) از آتش. همان، ج ۱۰، ص ۳۳.
۲۰. یوم الله چهارشنبه. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۲۵۶؛ بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۳۶۲ و ج ۱۲، ص ۳۰۷.
۲۱. یوم الله انتقام از فراعنه. بحار الانوار، ج ۱، ص ۳۵ و ۳۶.

کارکرد مفهوم ایام الله در قرآن و روایات

۱. کارکرد تاریخی نامگذاری ایام: اعراب به ایام العرب اعتنای کامل داشتند و اشعارشان پر بود از اشاره یا استناد به آن. این نام گذاری بعد از ظهور اسلام نیز معمول بود. مثلاً در قرآن آمده است: «یوم حنین» (توبه، ۲۵) در نهج البلاغه نیز این نام گذاری مکرراً آمده است هم چون «یوم السقیفه» در نامه بیستم و نیز یوم بدر، یوم احد، یوم موته در نامه ی نهم. یکی از برنامه های اصلاحی پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قرآن، جایگزین نمودن آداب و رسوم و فرهنگ سلامی به جای آداب و رسوم و فرهنگ غلط جاهلی است مثلاً در برابر «احزاب»، «حزب الله» رامی گذارد.

از آن جا که ایام الله روزهای تبلور قدرت خداوند است، یادآوری آن ها یادآوری قدرت مغلوب ناشدنی خداوند و حاکمیت اراده ی الهی در تاریخ بشر است. اراده ی باری تعالی در جهان اعم از طبیعت و جوامع بشری از مجرای قوانین مشخصی تحقق می پذیرد که در قرآن از آن ها به «سنه الله» تعبیر شده است. یادآوری ایام الله، موجب توجه به

سنت های الهی در جهان و تأمل در آن ها است. پیامبران لازم می دانند فلسفه ی تاریخ و قوانین جامعه شناسی حاکم بر حوادث تاریخی را به پیروان خود یاد آور شوند تا در مسیر حرکت اجتماعی خود آن ها را چراغ راه قرار دهند. لازمه ی ایمان به خدا و انبیا و مکاتب آسمانی، توجه به این قوانین و امید داشتن به تحقق آن ها است. چنان که در سوره ی جاثیه از دین گریزان و پیامبرستیزان به «نامیدان به ایام الله» تعبیر کرده و همین ناامیدی را شاهد بدبختی آن ها می داند. علامه طباطبایی از آیه ی یاد شده، یکی از سنت های الهی حاکم بر جوامع را استنباط می کند که عبارت است از «عذاب استیصال» و در مورد جوامع سرکش و گمراه پیشین اتفاق افتاده است. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۸، ص ۱۶۴-۱۶۳).

۲. نسبت «یوم الله» با «سنه الله»

واژه ی «سنت» ۱۶ بار در قرآن به صورت جمع و مفرد آمده است و در ۸ مورد به «سنه الله» و یک بار «سنتنا» به خداوند داده شده است. سنت در لغت به معنای طریقه و روش است و «سنه الله» یعنی روش حکمت الهی در تکوین و روش اطاعت از خدا در تشریح. به عبارت دیگر سنت الله عبارت از روشی است که خداوند متعال بر اساس حکمت خویش در جوامع بشری مناسب تعامل بشر با شریعت آسمانی به کار می گیرد. گرچه سنت الله درباره ی طبیعت و یا در روز قیامت نیز جاری است اما تأکید خداوند با توجه به موارد کاربردی واژه در قرآن بر آن قوانین اجتماعی است که در سیر تاریخی خود را می نمایاند و فلاسفه ی تاریخ و جامعه شناسان تاریخ آن را از راه بررسی حوادث گذشته کشف می کنند. (مطهری، ۱۳۷۲ و مصباح یزدی، ۱۳۶۸ و محمد هیشور، ۱۹۹۶).

خداوند برای هدایت بشر، آشنا ساختن او به آن قوانین به وسیله ی پیامبران، مهم ترین موارد را یادآوری کرده است، لذا یکی از مأموریت های انبیا بیان قوانین برگرفته از جریانات تاریخی برای مردم است (ابراهیم، ۵) و عدم توجه و اعتقاد به آن قوانین موجب بدبختی و هلاکت دنیوی و عذاب اخروی خواهد شد. (جاثیه، ۱۴).

به جهت اهمیت مسأله برای آن که هیچ ملتی نادانسته گرفتار سنت های براندازنده ی الهی نشود، خداوند به سبب لطف و رحمت گسترده اش ابتدا پیام خود را توسط پیامبران به گوش همه ی جهانیان می رساند، آن گاه سنت های خود را به کار می اندازد. و به عبارت بهتر ارسال رسل و آگاهی بخشی همگانی یکی از «سنت های مقدم» الهی است (اسراء، ۱۵ و قصص، ۵۹ و نحل، ۳۶).

۳. دستاورد یادآوری ایام الله

قرآن برای راهنمایی بشر از روش های گوناگونی بهره می گیرد یکی از آن ها یادآوری ایام الله است. پدیده ی یوم الله سنت جاری خداوند در جوامع است و همیشه قابلیت تحقق دارد پس می توان روزهای سرنوشت ساز تاریخی ملت ها را که تجلی گاه قدرت مطلق خداوند و شکست قدرت های شیطانی است «یوم الله» نامید و برای همیشه یاد آن را زنده نگه داشت.

با توجه به کاربرد تعبیر «ایام الله» در قرآن تنها در دو مورد برای تشخیص ویژگی آن لازم است به آیات پیش و پس از آن بنگریم. با تحلیل آیات یاد شده که در تفسیر دو سوره ی ابراهیم و جاثیه شرح آن گذشت دست آورد شاخصی برای «یوم الله» می یابیم که در سوره ی ابراهیم با یک بیان و در سوره ی جاثیه با بیان دیگری بر آن تأکید شده است. البته نتیجه ی نهایی یگانه خواهد بود.

اول: توجه به ایام الله، رهایی بخش بشر از تاریکی ها

در سوره ی ابراهیم پس از بیان فلسفه ی نزول قرآن که عبارت از نجات بخشی انسان ها از تاریکی های نادانی و ستم و تبهکاری و هدایت آنان به سوی نور و دانش و دادگری و نیکی است، قدرت خداوند را فرمان روای آسمان ها و زمین دانسته و کسانی را که به زندگی حقیر و محدود دنیا دل بسته و از زندگی فراخ فراروی آدمی چشم می پوشند، توبیخ و تهدید کرده است. اینان سعی در جلوگیری از استقرار حاکمیت اراده تشریحی خداوند بر جامعه بشری دارند تا مانعی بر سر راه خواسته هایشان احساس نکنند. مأموریتی که پیامبران دارند تبیین اراده ی تشریحی و توضیح اراده ی تکوینی خداوند برای مردمان است تا راه را از چاه باز شناسند و خود را با قوانین حاکم بر طبیعت و جوامع وفق دهند تا زندگی ایده آل و سرنوشتی نیک فرجام داشته باشند.

از جمله ی لوازم کار انبیاء در راستای اهداف کلان آن ها که عبارت از نجات بشر از تاریکی ها و راهنمایی به سوی نور است یادآوری «ایام الله» به آنان است. این یادکرد در موفقیت انبیاء بسیار تأثیر گذار است. یادآوری حوادث مهم گذشته چه در سرزمین خود یا در سرزمین ها و ملت های دیگر ابزار کمک آموزشی مهمی است که موجبات هوشیاری و دقت نظر و اقدام به موقع مردم فراهم می سازد. زیرا «مؤمن خردمند هرگز از یک سوراخ دوبار گزیده نمی شود».

اگر ملتی چشم بر هم نهد و به وسوسه ی «تکرار ناپذیری تاریخ» و «توهم توطئه» دل گرم شود و فقط پیش پای خود را ببیند، عوامل و راه های عزت و ذلت و موفقیت و شکست پیشینیان را بررسی نکند و نتایج حاصله را درباره ی خود به کار نگیرد، به ورطه ی ذلت و شکست و در یوزگی و بردگی و آوارگی و گرسنگی، و در یک کلمه بدبختی و هلاکت افتد. البته این جامعه جز خود را نباید ملامت کند که خود کرده را تدبیر نیست و هر که ناموخت از گذشت روزگار، باز ناموزد ز هیچ آموزگار.

دوم: امید به ایام الله عامل بهره گیری از قوانین الهی

در سوره ی جاثیه برخی از قوانین و مقررات حاکم بر جریان طبیعت و رابطه ی آن ها را با انسان بیان می دارد. با ذکر قوانین طبیعی، اجتماعی و ماوراء طبیعی و بیان لزوم بهره گیری از آن ها به همان نتایج مشابه سوره ی ابراهیم می رسد و می فرماید: تنها از دین حق پیروی کن نه از آراء و اندیشه های دیگران و بدان خداوند یاور پرهیز کاران است و دشمنان دین موفق نخواهند بود. قوانین یاد شده روشن گراه بشریت و هدایت گر حق باوران است و تبهکاران حق سستیز به گرفتاری نهایی و ناکامیابی خویش پی خواهند برد.

۴. شناسایی مصادیق یوم الله در قرآن

دستور خداوند به موسی (علیه السلام) بر این که ایام الله را به پیروان یاد آور شو، دلیل بر تعدد ایام الله در تاریخ است، به برخی از دوران ها در قرآن اشاره شده است. گرچه هیچ کدام، این عنوان را به صراحت به کار نبرده است، اما مفسران بزرگ آن موارد را از مصادیق ایام الله دانسته اند. (طباطبایی، ۱۳۶۲، ج ۱۲، ص ۱۸). به مهم ترین آن حوادث اشاره می کنیم:

۱. روز پیروزی و نجات حضرت نوح (علیه السلام) و یارانش (هود، ۴۴).
۲. روز نجات حضرت ابراهیم از دل آتش (انبیاء، ۷۱-۶۸).
۳. روز نجات خانه ی کعبه و شکست لشکر فیل سوار (فیل، ۵-۱).
۴. روز هجرت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) به مدینه و تأسیس حکومت اسلامی
۵. روز غدیر: حُسان بن ثابت: به دستور پیامبر (صلی الله علیه و آله) می سراید: ینادیهیم «یوم الغدیر» نبیهّم...بم فاسمع بالرسول منادیا (علامه امینی، ۱۹۶۷، ج ۲، ص ۳۴)

فصل پنجم: ایام الله انقلاب اسلامی ایران

۱. ایام الله انقلاب اسلامی در زعامت امام خمینی

امام خمینی از روزهای سرنوشت ساز در تاریخ جمهوری اسلامی ایران همچون ۲۲ بهمن روز پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ش، ۱۵ خرداد رویدادی که در پی بازداشت امام خمینی به وقوع پیوست، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ ش، رویدادی در جریان ناآرامی هایی بود که به

انقلاب ۱۳۵۷ ایران انجامید و ۱۲ فروردین روز اعلام نتیجه برگزاری همه‌پرسی برای برقراری نظام جمهوری اسلامی در ایران، به‌عنوان «ایام‌الله» یاد می‌کرد. وی درباره ایام‌الله گفته است:

«قضایایی که در ایام‌الله رخ داده است، برای تاریخ و انسان‌ها در طول تاریخ آموزنده و بیدارکننده است. حوادث بزرگ تاریخ که قرآن مجید هم از بعضی از آنها یاد کرده است، سرمشقی پربرکت برای ساختن جامعه‌ها و اشخاص و جامعه عصر ما است که عصر انقلاب است... و شاهد بسیاری از حوادث بزرگ که باید آنها را ایام‌الله محسوب

کنیم و به ذکر آنها و تذکر آن ایام بپردازیم.» (صحیفه نور، ۱۳۶۹، ش، ج ۱۷، ص ۱۱).

آنچه میرهن است ملت ایران در سال‌های متمادی گرفتار ظلم و ستم پادشاهان بوده است و فساد آنان صفحات تاریخ را پر کرده است و علیرغم آنکه در دو بیست سال گذشته مردم و علمای دینی مجاهدات زیادی داشتند. و لیکن پیروزی‌های آنان مقطعی بود و یا با دوام و چشمگیر نبود و با ترفندهای استعمارگران هم‌راه زحمات آنان مانند پیروزی مشروطه، پس از چندی ضایع گشت و از بین رفت.

اما حقیقتاً پیروزی انقلاب اسلامی ملت ایران در بهمن ماه سال ۱۳۵۷ به رهبری حضرت امام خمینی^(۵) که با همیاری قاطبه علمای دینی و مراجع عظام تقلید و روحانیت معظم و ملت عظیم‌الشأن ایران همراه بود را باید از مصادیق بارز «ایام‌الله» عنوان کرد و بحمدالله این نظام جمهوری اسلامی که برای نخستین بار در جهان تاسیس یافت، بارقه‌ای از امید را در دل‌های مظلومان و مستضعفان جهان ایجاد کرده است.

۲. ایام‌الله انقلاب اسلامی در ایام زعامت امام خامنه‌ای

الف: یوم‌الله ۹ دی، روز بصیرت و میثاق امت با ولایت

در سال ۱۳۸۸ و در پی برگزاری انتخابات خرداد ماه آشوب‌های خیابانی در تهران و دیگر نقاط کشور با حمایت برخی کشورهای بیگانه شکل گرفت. ۱۶ آذر همان سال و در روز عاشورای حسینی بی‌حرمتی به امام حسین^(سلام‌الله‌علیه) توسط اغتشاشگران باعث لبریز شدن صبر ملت شد که نتیجه آن انفجار خیره‌کننده حضور طیف‌ها، رنگ‌ها و اقشار مختلف مردم و سیاسیون شد تا با برپایی حماسه ۹ دی جلوی چنین اقدامات و حرکت‌های ساختارشکنانه‌ای ایستاده و اعلام کنند که مردم ایران اسلامی فارغ از دسته‌بندی‌های سیاسی و مشکلات و کاستی‌ها در کشور، در پابندی به اسلام، انقلاب و ولایت فقیه با هیچ‌کسی تعارف ندارند. مردم ولایت‌مدار و بصیر ایران

اسلامی در یوم الله ۹ دی ماه سال ۸۸ با حضور بی نظیر خود، یکی از بزرگترین، باشکوه ترین و البته مهم ترین راهپیمایی سراسری پس از پیروزی انقلاب اسلامی را رقم زدند. حماسه ماندگار نهم دی ماه در سال ۱۳۹۰ رسماً وارد تقویم ایران و در مناسبت های سالانه «روز بصیرت و میثاق امت با ولایت» نامگذاری شد.

ب: روز تشییع شهید سردار قاسم سلیمانی و روز انتقام سخت یوم الله است
پس از شهادت سردار قاسم سلیمانی به دست تروریست های آمریکایی میلیون ها ایرانی و هزاران نفر در کشورهای مختلف منطقه و جهان در مراسم و برنامه هایی که ویژه این شهید برگزار شد حاضر شدند که رهبر انقلاب اسلامی روزهای این حضور عظیم را جزء ایام الله عنوان کرد.
مقام معظم رهبری در بیانات خود در نماز جمعه دیمه ۹۸، روز حمله موشک های سپاه پاسداران ایران را به پایگاه آمریکایی که موجب از بین رفتن هیمنه آمریکا در منطقه بود را نیز یوم الله معرفی کرده و این پیروزی را ناشی از قدرت خدا دانستند.

جمع بندی:

از مجموع کلمات معصومین (علیه السلام) و سخنان مفسرین قرآن و نهج البلاغه و سایر اولیاء الهی در مورد معنا و تفسیر واژه یوم الله بر می آید که:

- «یوم الله» به معنای روزی است که سلطنت و قدرت خداوند به نحو خاصی، طبق مصلحت و حکمت ظهور می کند و مخلوقات، اعم از انسان و غیر انسان تحت سلطه خدا و مقهور قدرت او قرار می گیرند.

- یوم الله روزی است که نعمتی از نعمت های خداوند به خاطر شایستگی امتی، بر آن امت نازل می شود.

- یوم الله روزی است که عذابی از عذاب های خداوند به خاطر تمرد و عصیان امتی، بر آن امت نازل می شود.

- یوم الله روزی است که حق و عدالتی برپا و یا ظلم و بدعتی نابود می شود.

- یوم الله روزی است که سرنوشت انسان هادر آن روز رقم می خورد.

- «یوم الله» وقت تجلی نعمتی از نعمت های الهی و یا نعمتی از نعمت های او می باشد.

- یوم الله روز ظهور سلطنت خداوند در قالب انعام و انتقام الهی است؛ خواه ظهور سلطنت خداوند در ایام گذشته باشد، مثل هلاک شدن اقوام ستمگر گذشته؛ خواه در آینده باشد، مثل وقت مرگ که در آن روز سلطنت اخروی خداوند ظهور می کند و اسباب دنیوی از تأثیر می افتند



یوم الله به منزله یک سکه با دوروی متفاوت است که یک روی آن، نعمت و روی دیگر آن، نعمت است. نعمت است. نعمت است. برای مؤمنین و نعمت است برای متمرّدين. یک طرف آن رضای الهی است و طرف دیگر خشم شیطان است.

و یا مثل قیامت که هیچ کس نسبت به دیگری اختیاری ندارد و همه امور به دست خداوند است. خواه ظهور سلطنت الهی در قالب قهر و غضب و نعمت باشد، مثل عذاب اقوام ستمگر و خواه در قالب مهر و محبت و نعمت باشد، مثل روزی که نوح (علیه السلام) و یاران او از کشتی پیاده شدند و یا روزی که ابراهیم (علیه السلام) از آتش نجات پیدا کرد. - یوم الله به منزله یک سکه با دوروی متفاوت است که یک روی آن، نعمت و روی دیگر آن، نعمت است. نعمت است برای مؤمنین و نعمت است برای متمرّدين. یک طرف آن رضای الهی است و طرف دیگر خشم شیطان است، ولی یک طرف آن جلوه بیش تری دارد. گاهی جنبه نعمت آن جلوه بیش تری دارد؛ و گاهی جنبه نعمت آن از این رو یوم الله بعثت و نصرت مسلمانان در جنگ ها و نصب خلافت، یوم الله انعام الهی می باشد؛ همان طور که یوم الله عذاب فرعونیان و ستمگران، یوم الله انتقام الهی می باشد.

آثار بزرگداشت و یادآوری ایام الله

اولیای الهی در مواقع مختلف، ایام الله را یادآوری کرده اند که از مهم ترین اهداف و آثار این یادآوری، عبرت گیری مخاطبین در زمان یادآوری و بزرگداشت می باشد. علی (علیه السلام) می فرماید: «و شما را در روز گارهای گذشته عبرتی است؛ کجایند عمالقه و فرزندانشان؟ کجایند فراعنه و فرزندانشان؟ کجایند مردم شهرهای «رس» که پیغمبران را کشتند و انوار فرستادگان خداوند را خاموش کردند و شیوه های گردنکشان را زنده کردند؟ کجایند کسانی که بالشکرها به هر طرف رفتند و هزاران لشکر را شکست دادند و سپاه ها گرد آوردند و شهرها بنا کردند؟»

نیز می فرماید: «و به آنچه از تباه شدن مردم روز گارهای پیش دیدید، عبرت بگیرید که بندهای ایشان از هم جدا شده و چشم ها و گوش هایشان زایل شده و شرافت و بزرگواری از کفشان رفته و شادی ها و خوشگذرانی ها از آنها جدا شده است.» و می فرماید: «از کیفر خدا و سختی ها و عذاب های او که به گردنکشان پیش از شما رسیده است، عبرت بگیرید و به جاهایی (قبرهایی) که چهره شان به خاک افکنده شده و پهلوشان افتاده است، پند پذیرید.»

مخاطبان اولیای الهی در بزرگداشت و یادآوری ایام الله، گاهی عصیانگران و متمرّدان از دستورهای الهی هستند که یادآوری ایام الله موجب تخویف و انذار آنها می شود. تذکر و یادآوری ایام الله در این صورت به معنای یادآوری نزول بلاها، عقوبات و عذابهایی شدید الهی بر مردم عصیانگری است که به دین الهی پشت کرده و با پیام آوران الهی

د

یکی دیگر از آثار بزرگداشت ایام الله، تداوم و بقای نظام و حکومت اسلامی می باشد، چون واژه «ایام الله» قبل از آن که ناظر به مسائل فردی باشد، ناظر به مسائل اجتماعی و عمومی مردم می باشد

تحلیل و ارزیابی

رفتاری غیر معقول نموده‌اند. و گاهی مخاطبان اولیای الهی در هنگام یادآوری ایام الله، مؤمنان و اهل تقوا هستند که این یادآوری باعث بشارت آنها به تحقق وعده‌های الهی و رسیدن به پاداش اعمال نیک آنها در دنیا و آخرت خواهد شد.

کسب آگاهی و آگاهی دادن، ثمره دیگر یادآوری و بزرگداشت ایام الله است؛ آگاهی به این که علل پیروزی‌ها و شکست‌های ملت‌ها، علل سلطه‌اشرا بر خوبان، علل تبدل نعمت‌ها به نقمت‌ها، علل ذلیل شدن عزیزها و عزیز شدن ذلیل‌ها، علل نزول بلاها و عذاب‌های الهی، علل نزول رحمت‌ها و الطاف الهی، زمینه‌های نصرت و امداد‌های الهی، علل مهلت دادن بر کفار و عصیانگران، عواقب تفرقه و کینه‌توزی و نافرمانی از اولیای دین، بی‌تفاوتی و عدم مواسات و یاری نکردن هموعان چیست؟ آگاهی به این که نعمت‌های خاص خداوند مثل بعثت پیامبران، هدایت الهی، امداد‌های الهی و... چیست؟ آگاهی به این که نه ظلمی باقی می‌ماند و نه ظالمی؛ و آگاهی نسبت به اوقات نزول رحمت‌های خاص خداوند.

یکی دیگر از آثار بزرگداشت ایام الله، تداوم و بقای نظام و حکومت اسلامی می باشد، چون واژه «ایام الله» قبل از آن که ناظر به مسائل فردی باشد، ناظر به مسائل اجتماعی و عمومی مردم می باشد. از این رو علی (علیه السلام) در ضمن یادآوری ایام الله، به مسأله عدم تفرقه و مواسات اجتماعی و مسأله مهم امر به معروف و نهی از منکر، که فریضه‌ای الهی و در عین حال نظارتی عمومی است، اشاره می‌کند.

بنابراین برای تداوم و حفظ بقای نظام اسلامی، تذکر و یادآوری ایام الله و مطالعه در موضوعات و مصادیق آن و اخذ عبرت‌ها، لازم و ضروری به نظر می‌رسد؛ چون علل پیروزی‌ها و شکست‌های امت‌ها و سنت‌های الهی در برخورد با عملکرد مردم نسبت به نعمت‌های خاص الهی مثل نبوت و امامت، در ایام الله مطرح می‌باشد. لذا توجه به این علل می‌تواند در جهت تقویت و تداوم حکومت و نظام اسلامی مؤثر باشد. همچنین تحلیل این قضایا ذیل کلیدواژه‌ی «ایام الله»، این حوادث را فراتر از معادلات و محاسبات مادی و در مقیاس نگاه کلان‌معنوی و ایمانی معنا و تفسیر می‌کند.



تحليل وادها

دکتر یدالله جوانی

جایگاه و اهمیت رای مردم در جمهوری اسلامی



انتخابات به عنوان
مهمترین مظهر مردم
سالاری دینی، یکی
از دستاوردهای بسیار
ارزشمند انقلاب اسلامی
به حساب می آید.

حکیده

■ در نظام مردم سالاری دینی، مردم و رای آنان دارای جایگاه خاص بوده و از یک اهمیت راهبردی برخوردار است. انتخابات به عنوان مهمترین مظهر مردم سالاری دینی، یکی از دستاوردهای بسیار ارزشمند انقلاب اسلامی به حساب می آید. حضرت امام (ع) با کمک مردم انقلاب اسلامی را به پیروزی رسانیده، کشور ایران را از چنگال استعمارگران خارجی و مستبدین داخلی وابسته به بیگانگان خارج ساخته و اداره آن را به دست مردم سپردند. در واقع مردم ایران با رای خود از طریق شرکت در انتخابات اداره کنندگان اصلی کشور به حساب می آیند. بر مبنای قانون اساسی و قوانین انتخابات در ایران از یک سو و تجربه یک چله پر از انتخابات از دیگر سو؛ می توان گفت، جمهوری اسلامی از نادرترین کشورهای روزگار است که در اداره آن، مردم به صورت واقعی از طریق انتخابات ایفای نقش می کنند. شرکت در انتخابات بر اساس آموزه های دینی و منظومه فکری-سیاسی امامین انقلاب اسلامی، هم حق و هم تکلیف است. حکومت در ایران، هم از آن مردم و هم برای مردم است. مردمی که مسلمان هستند و در چارچوب ارزش های دینی، سالار خویش و عامل اصلی در تعیین سرنوشت کشور می باشند، مردم سالاری دینی یک نظام منحصر به فرد در عصر حاضر است. در این نظام مردم همه مسئولان کشور را به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم انتخاب می کنند. وقتی انتخاب هم حق و هم تکلیف باشد، از یک طرف باید از این حق استفاده کرد و در انتخابات شرکت کرد و هم از طرف دیگر باید تکلیف را با شایسته گزینی بر اساس معیارهای دینی، درست انجام داد.

تحلیل و ارزیابی

۵۳

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت رئیسه هیأت‌رئیس



حکومت در ایران، هم
از آن مردم و هم برای
مردم است. مردمی که
مسلمان هستند و در
چارچوب ارزش های
دینی، سالار خویش و
عامل اصلی در تعیین
سرنوشت کشور
می باشند، مردم
سالاری دینی یک
نظام منحصر به فرد
در عصر حاضر است.

انتخابات در جمهوری اسلامی

جایگاه و اهمیت
رای مردم در
جمهوری اسلامی
دکتر عبدالله جوانی

د

وقتی انتخاب هم حق و هم تکلیف باشد، از یک طرف باید از این حق استفاده کرد و در انتخابات شرکت کرد و هم از طرف دیگر باید تکلیف را با شایسته گزینی بر اساس معیارهای دینی، درست انجام داد.

تحلیل روزیها

۵۴

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیس‌رئیس‌جمهور

جمهوری اسلامی را می‌توان از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی برشمرد. یکی از مختصات بسیار ارزشمند جمهوری اسلامی، شیوه حکومت و نقش مردم در اداره کشور است. در اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات؛ انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.

حضرت امام خمینی^(۵): با انقلاب اسلامی به کمک مردم مسلمان، کشور ایران از چنگ استعمارگران خارجی و نوکران داخلی آنان خارج ساخت و به دست ملت سپرد.

تا پیش از انقلاب اسلامی، مردم ایران در اداره کشور هیچ نقشی نداشتند. البته سابقه انتخابات در ایران به دوران انقلاب مشروطه بر می‌گردد. با انقلاب یا نهضت مشروطه، استبداد مطلقه در ایران پایان یافت و در قانون اساسی اختیارات شاه محدود گشت. با انتخابات مجلس شورای ملی مردم امکان مشارکت در سرنوشت سیاسی را پیدا کردند. اما پس از یک دوره کوتاه، با کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ انتخابات شکل نمایشی به خود گرفت پس از شهریور ۱۳۲۰ و خارج کردن رضاخان از ایران از سوی انگلیسی‌ها، تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ مردم ایران در چند دوره به طور نسبی با شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی در سرنوشت سیاسی کشور ایفای نقش داشته، لکن پس از کودتا تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷، تمامی انتخابات ایران، به صورت فرمایشی برگزار می‌شد. با پیروزی انقلاب اسلامی و رهایی کشور از چنگال استعمار خارجی و استبداد داخلی، مردم به صورت حقیقی امور کشور را به دست گرفتند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و اندیشه‌های سیاسی حضرت امام خمینی^(۶)، مردم به عامل اصلی در سپهر سیاسی کشور و تعیین امور تبدیل شدند. در حالی که معمولاً در انقلاب‌ها، رهبران انقلابی برای سال‌های طولانی بر اساس رای و نظر خود کشور را اداره می‌کنند، اما در ایران پس از انقلاب اسلامی، از همان روزهای پس از پیروزی، حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی، تعیین نوع نظام سیاسی را به رای مردم گذاشتند، با فراندوم ۱۲ فروردین ۱۳۵۸، برای اولین بار در تاریخ ایران، نظام جمهوری اسلامی با رای مستقیم ملت تاسیس گردید. از زمان تاسیس جمهوری اسلامی تا کنون در



پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مبتنی بر آموزه های اسلامی و اندیشه های سیاسی حضرت امام خمینی (ع)، مردم به عامل اصلی در سپهر سیاسی کشور و تعیین امور تبدیل شدند. در حالی که معمولاً در انقلاب ها، رهبران انقلابی برای سال های طولانی بر اساس رای و نظر خود کشور را اداره می کنند

تحلیل و ارزیابی

۵۵

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیس‌رسان اسلام

طی چهل سال به طور متوسط هر سال یک انتخابات در ایران برگزار شده است. انتخابات در ایران مظهر مردم سالاری دینی و عامل بسیار مهم و تعیین کننده در انسجام بخشی ملی و استمرار نظام ولایی و تولید اقتدار برای کشور محسوب می شود. بنابراین با توجه به واقعی بودن انتخابات در جمهوری اسلامی و آزاد بودن آن، انتخابات در ایران دارای ارزش ذاتی و از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

اهمیت انتخابات و رای مردم از نظر امام خمینی (ع)

حضرت امام خمینی (ع) همواره بر این نکته تاکید داشتند که مردم صاحب اصلی کشور بوده و باید همواره در صحنه باشند. عبارت کوتاه و پر معنای ((میزان رای ملت است))، نشان می دهد که مردم از چه جایگاهی در اندیشه رهبر کبیر انقلاب اسلامی برخوردارند. حضرت امام (ع) با صراحت هر چه تمام، ضمن مذمت هر گونه رفتار استبدادی و تاکید بر اینکه ((اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم))، اعلام می دارند: ((ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رای داد، ما هم از آنها تبعیت می کنیم، ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت مان یک چیزی را تحمیل بکنیم، بله ممکن است گاهی وقت ها ما یک تقاضایی از آنها بکنیم، تقاضایی که خادم یک ملت از ملت می کند، لکن اساس این است که مسئله دست من و امثال من نیست و دست ملت است.)) (۱۳۵۸/۸/۱۹)

این عبارات و تعابیر، به خوبی جایگاه رفیع مردم و رای آنان را در اندیشه حضرت امام خمینی (ع) نشان می دهد و حکایت از آن دارد که رای نخبگان و یا یک طبقه خاص، بر تر از رای ملت نیست و در نهایت این ملت است که باید برای سر نوشت خود تصمیم بگیرد. بنابراین چنین نگاهی به رای مردم و جایگاه آن در اداره کشور، اهمیت انتخابات در جمهوری اسلامی روشن و آشکار می گردد.

اهمیت انتخابات و رای مردم از نظر امام خامنه ای (مدظله العالی)

منظومه فکری مقام معظم رهبری در امتداد منظومه فکری حضرت امام قرار دارد و بر همین اساس، همان نگاه رهبر کبیر انقلاب به مردم و نقش ملت در اداره کشور، در اندیشه سیاسی معظم له به طور کامل دیده می شود. حضرت امام خامنه ای (مدظله العالی) در خصوص انتخابات و اهمیت آن در نظام اسلامی می فرماید: انتخابات واقعا نعمت بزرگی است، این هم از بركات نگاه روشن و عمیق امام بزرگوار ما بود.

کسانی در همان زمان بودند که معتقد بودند وقتی حکومت اسلامی است، انتخابات لزومی ندارد، امام فرمود نه، انتخابات باید باشد و منشا اثر باشد، مردم تصمیم بگیرند، مردم انتخاب کنند و آنچه مردم می خواهند بشود. نتیجه ی این سیاست، این شد که مردم در کنار انقلاب و در وسط میدان باقی ماندند و تا امروز بحمدالله باقی مانده اند، چون خود مردمند که دارند انتخاب می کنند. خود مردمند که دارند تصمیم می گیرند، انتخابات نعمت بزرگی است.» (۱۳۹۴/۱۰/۱۴)

رهبر حکیم و فرزانه انقلاب اسلامی، رای مردم را واجد اهمیت از جهات مختلف دانسته و می فرماید: «آبروی جمهوری اسلامی به انتخابات و حضور مردم در پای صندوق های رای و تاثیر یکایک مردم در انتخاب مدیران کشور است.»

انتخاب مسئولین با رای مردم

از نشانه های مهم و برجسته اهمیت و جایگاه رای مردم در جمهوری اسلامی، آن است که تمامی مسئولین و مقامات کشور ایران، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از سوی مردم انتخاب می شوند. به عبارتی دیگر، جمهوری اسلامی نظامی سیاسی است که مبتنی بر آموزه های اسلامی و متکی بر اراده توده های ملت شکل گرفته است.

نقش کلیدی مردم در نظام اسلامی را می توان در جلوه های مختلفی از نظام سیاسی ایران مشاهده کرد. انتخاب رهبر به عنوان عالی ترین مقام سیاسی و دارای حق ولایت الهی، به صورت غیر مستقیم با رای مردم انتخاب می شود. انتخاب رئیس جمهور به عنوان دومین مقام رسمی کشور با رای مستقیم مردم انتخاب می شود.

نمایندگان مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا، همگی با رای مستقیم مردم انتخاب می شوند. بنابراین نقش ملت در انتخاب مسئولان، مهم ترین تجلی گاه مردم سالاری دینی در کشور ایران است. این حقیقت را رهبر معظم انقلاب اسلامی اینچنین مورد اشاره قرار می دهند: «امروز در جمهوری اسلامی همه مقاماتی که به نحوی در کار مردم دخالت دارند، مستقیم یا غیر مستقیم منتخب خود مردمند؛ حتی رهبری یعنی در نظام اسلامی، دارا بودن معیارها کافی نیست؛ بلکه انتخاب مردم هم شرط لازم است و بدون انتخاب مردم امکان ندارد.» (۱۳۷۰/۱۱/۱۳)

در واقع رای مردم در جمهوری اسلامی، حالت مبنایی و مشروعیت بخشی دارد. گرچه طبق قانون اساسی و قوانین انتخابات در کشور، منتخبین مردم باید دارای معیارها و ملاک های برگرفته از آموزه های دینی و اسلامی باشند، لکن انتخاب از میان واجدین شرایط

بر عهده ملت است. این انتخاب مردم است که بر حکومت و مسئولانش مشروعیت می بخشد. البته این مشروعیت به معنای مقبولیت و قانونی بودن، هیچ منافاتی با مشروعیت الهی «ولایت فقیه» ندارد.

حضرت امام خامنه ای در این خصوص با صراحت می فرماید: «در قانون اساسی، توزیع قدرت به نحو منطقی و صحیح وجود دارد و همه مراکز قدرت هم، مستقیم یا غیر مستقیم با آرای مردم ارتباط دارند و مردم تعیین کننده و تصمیم گیرنده هستند و اگر مردم حکومتی را نخواستند، این حکومت در واقع پایه مشروعیت خودش را از دست داده است. نظر ما درباره مردم این است.» (۱۳۷۷/۱۲/۴)

معنای دقیق مردم سالاری دینی

به لحاظ مفهومی «مردم سالاری دینی» با «جمهوری اسلامی» مورد نظر حضرت امام (ع) یکی است و دو مفهوم و معنای متفاوت ندارد. در سال های گذشته و خصوصاً در دوره اصلاحات، افرادی مدعی شدند که «جمهوری اسلامی»، یک امر پارادوکسیکال بوده و جمهوری و اسلامی با هم جمع نمی شوند. تصور آنان این بود که امام (ع) جمهوری را از غرب گرفت و به اسلام سنجاق نمود و اکنون در عمل نظام جمهوری اسلامی با مشکلاتی مواجه شده است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی این نظریه را بی اساس دانسته، ضمن رد آن از جمهوری اسلامی با عنوان «مردم سالاری دینی» نام می برند و در تعریف آن می فرمایند: «این مردم سالاری (دینی) با ریشه های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد؛ این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست، این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاق کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کاملی داشته باشیم؛ نه، خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است. مردم سالاری هم دو سر دارد ... یک سر آن عبارت است از این که تشکیل نظام به وسیله اراده و رای مردم صورت بگیرد؛ یعنی مردم نظام را انتخاب می کنند؛ دولت را انتخاب می کنند ... این همان چیزی است غرب ادعای آن را می کند و البته در غرب این ادعا واقعیت هم ندارد ... این حرف، متکی به نظرات و حرف ها و دقت ها و مثال آوردن های خود برجستگان ادبیات غربی است ... انتخاب مردم یکی از دو بخش مردم سالاری دینی است. مردم بایستی انتخاب کنند، بخواهند، بشناسند، تصمیم بگیرند تا تکلیف شرعی درباره آنها منجز بشود، بدون شناختن و دانستن و خواستن، تکلیفی نخواهند داشت. سر دیگر قضیه مردم سالاری این است که حالا بعد از



«مردم سالاری دینی» یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آن که تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست.»

آن که من و شما را انتخاب کردند، ما در قبال آنها وظایف جدی و حقیقی داریم...»

معظم له در جایی دیگر در تبیین «مردم سالاری دینی» می‌فرماید: «مردم سالاری دینی یک حقیقت واحد در جوهره نظام اسلامی است؛ چرا که اگر نظامی بخواهد بر مبنای دین عمل کند، بدون مردم نمی‌شود؛ ضمن آن که تحقق حکومت مردم سالاری واقعی هم بدون دین امکان پذیر نیست.» بر مبنای منظومه فکری مقام معظم رهبری می‌توان گفت، مردم سالاری دینی، ناظر به مدلی از حکومت است که به مشروعیت الهی و مقبولیت مردم و در چارچوب مقررات الهی استوار است. به تعبیر معظم له مردم در چارچوب اسلام سالار خویش هستند و جز خود مردم، کسی نمی‌تواند برای آنان تعیین تکلیف نماید و این حق، یک حق خدادادی است.

جمهوری اسلامی یک حکومت کاملاً مردمی

در جمهوری اسلامی مردم به معنای دقیق کلمه و در چارچوب ارزش‌های اسلامی، صاحبان اصلی قدرت به حساب می‌آیند. حکومت در ایران اسلامی، اختصاص به یک طبقه خاص و یا گروهی از نخبگان ندارد. حکومت کاملاً مردمی است و این مردم هستند که باید با رای و نظر خود، چگونگی اداره کشور و مسئولان اداره‌کننده کشور را مشخص نمایند. حضرت امام (ع) در عبارات فراوانی، این حق را ترسیم نموده و ضمن رد نگاه «قیم مآبانه» و اینکه افراد خاصی برای مردم تصمیم بگیرند، در آستانه انتخابات دور سوم مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: «همان طور که بارها گفته‌ام، مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته‌ای حق تحمیل فرد یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود جمهوری اسلامی و ارزش‌های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته‌اند و به بیعت و این پیمان بزرگ وفادار مانده‌اند، مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند» (۱۳۶۷/۱/۱۱)

البته این حق انتخاب مردم، منافات با مشورت گرفتن، مطالعه و تحقیق کردن و اعتماد کردن مردم به گروه‌های مرجع ندارد. انتخاب هر چه آگاهانه‌تر و هوشمندانه‌تر باشد دارای ارزش بیشتری خواهد بود. اما نکته اصلی آن است که، حق انتخاب در جمهوری اسلامی از آن مردم است. حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این خصوص می‌فرماید: ((این جا هیچ کس - نه رهبری، نه دولت، نه متنفذین حزبی - به مردم ما امر و نهی نمی‌کند؛ مردم به قدر سعه‌ی اطلاعات خودشان تحقیق و مطالعه و مشورت می‌کنند و فرد مورد نظرشان را برمیگزینند. ممکن است آنچه آخر سر به نظرشان میرسد، درست هم نباشد - اشتباه باشد - اما خودشان هستند که تصمیم می‌گیرند؛ و اگر این کار را برای خدا و حاکمیت ارزش‌های الهی بکنند، اجر وافر هم پیش خدای متعال دارند؛ این خیلی اهمیت دارد.)) (۱۳۸۴/۳/۲۵)



بر مبنای منظومه
فکری، مقام معظم
رهبری می توان
گفت، مردم سالاری
دینی، ناظر به مدلی
از حکومت است که
به مشروعت الهی
و مقبولیت مردم
در چارچوب مقررات
الهی استوار است. به
تعبیر معظم له مردم
در چارچوب اسلام
سالار خویش هستند
و جز خود مردم،
کسی نمی تواند برای
آنان تعیین تکلیف
نماید و این حق، یک
حق خدادادی است.

تکلیف‌آوران

۵۹

پهمن ماه ۱۳۶۸
هیأت‌رئیس‌کنان اسلام

بنابر این وقتی در نظام مردم سالاری دینی، آحاد مردم و رای تک تک آنان تعیین کننده است و هیچ تفاوتی در وزن رای «رهبری» با یک فرد معمولی در انتخاب «رئیس جمهور» یا «نماینده مجلس» وجود ندارد؛ می توان گفت، این حکومت کاملاً مردمی است.

انتخابات حق است یا تکلیف؟

وقتی جایگاه و اهمیت رای مردم در جمهوری اسلامی مشخص می شود، باید به این پرسش پاسخ داد که، آیا در نظام سیاسی ایران، انتخابات حق مردم است یا تکلیفی است که بر عهده آنان گذاشته شده است؟ با مروری بر آموزه های دینی و آراء و اندیشه های امامین انقلاب اسلامی، می توان گفت، در نظام سیاسی اسلام از مشارکت سیاسی به عنوان حق و تکلیف مردم به صورت توأمان یاد شده است. طبق سخن بزرگان، انتخاب کردن و رای دادن هم به منزله یک حق برای مردم معرفی شده است، و هم به منزله یک تکلیف شرعی در ردیف دیگر تکالیف شرعی و شاید بالاتر از برخی تکالیف دیگر یاد شده است.

در نگاه اسلامی و قرآنی، منشأ همه حقوق خداوند تبارک و تعالی است و اوست که نظام حقوق و تکالیف را برای زندگی بشر تعریف و وضع نموده است. بر این اساس حق انتخاب رانه می توان از افراد سلب کرد و نه افراد می توانند به بهانه های واهی از انجام تکلیف رای دادن شانه خالی کنند.

مقام معظم رهبری در این موضوع می فرماید: «هم حق و هم تکلیف مردم است که بیابند و سرنوشت کشورشان را به دست خودشان معین کنند؛ زیرا که کشور متعلق به مردم است. مردم باید بیابند و با انتخاب صحیح و آزادانه، قانونگذارانشان را در قوه مقننه معین کنند؛ مجریان خودشان را با ترتیبی که در قانون معین شده است، معین کنند. این حق مردم است و متعلق به آنهاست؛ اما تکلیف هم هست. این طور نیست که یکی بگوید من نمی خواهم از این حقم استفاده کنم؛ نه، سرنوشت نظام بسته به احقاق و استنفاذ این حق است؛ این تکلیف است، باید هم شرکت کنند.» (۱۳۷۸/۱/۲۶)

و اما نکته پایانی آنکه، وقتی پای استفاده از حق و تکلیف توأمان به میان می آید، این حق را باید شناخت و با علم و آگاهی به تکلیف عمل کرد. در انتخابات باید با مطالعه و تحقیق به افراد واجد شرایط و شایسته رای داد.

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: «همچنان که اصل انتخابات یک تکلیف الهی است؛ انتخاب اصلح هم یک تکلیف الهی است.» (۱۳۷۶/۲/۳۱)



تحليل واداءها



عباس حاجي نجاري

الزمامات تشكيل مجلس انقلابي و كار آمد
در شرايط تشديد جنگ همه جانبه دشمن

■ ایستادگی و مقاومت مردم ایران در برابر راهبرد فشار حداکثری سلطه‌گران غربی در ماه‌های اخیر که حضور معجزه‌گون ملت فهیم در تشییع پیکر مطهر حاج قاسم سلیمانی و بارانش و نیز پاسخ‌کوینده‌ی سپاه در حمله به پایگاه آمریکایی‌ها در عین‌الاسد از مصادیق بارز آن است، بار دیگر ظرفیت‌های نهفته انقلاب اسلامی را به رخ جهانیان کشید و نشان داد که اتکاب به ظرفیت‌های درونی و حرکت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی مؤثرترین راهبرد در برابر سلطه‌گران غربی است.

در پیش‌بودن یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی یکی از فرصت‌های پیش‌روی مردم ایران است تا بتوانند با شکل‌دهی به یک مجلس انقلابی کارآمد زمینه را برای تجمیع ظرفیت‌های ملی برای مقابله مؤثر در این جنگ همه‌جانبه فراهم کنند. در این راستا فرصت‌های پیش‌روی نظام نظیر تقویت وحدت و انسجام ملی که در تشییع باشکوه سردار سلیمانی، اثبات توانمندی و کارآمدی نظام در عرصه دفاعی امنیتی، روند مقابله با مفسد اقتصادی در دوران جدید قوه قضائیه، روند گستردگی و نهادینه شدن جبهه مقاومت در منطقه، تبلور ظرفیت‌های ملی در عرصه اقتصادی در برابر فشارها و تحریم‌ها و... نشانگر آن است که یک مجلس کارآمد انقلابی در این شرایط می‌تواند ظرفیت‌های کشور را به‌درستی در جهت تحقق اهداف نظام به کار گرفته و مجلس آینده، پایگاه مستحکم انقلاب، وفادار به اسلام ناب، پیشگام در تحقق دولت اسلامی، متکی به درون و جوان‌گرا، مقوم مسابقه خدمت‌رسانی، زمینه‌ساز برای تحقق اقتصاد مقاومتی، تمرکز بر وظیفه اصلی مجلس در قانون‌گذاری و اصلاح مسیر قانون‌گذاری مبتنی بر سیاست‌های ابلاغی قانون‌گذاری، مروج سبک زندگی اسلامی-ایرانی، صیانت از آزادی و استقلال ملی و مستحکم در برابر فشارهای بین‌المللی باشد.



ایستادگی و مقاومت مردم ایران در برابر راهبرد فشار حداکثری سلطه‌گران غربی در ماه‌های اخیر بار دیگر ظرفیت‌های نهفته انقلاب اسلامی را به رخ جهانیان کشید و نشان داد که اتکا به ظرفیت‌های درونی و حرکت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی مؤثرترین راهبرد در برابر سلطه‌گران غربی است.

آنچه در عرصه میدانی در ایران اسلامی و منطقه غرب آسیا در پی شهادت سردار سلیمانی و عملیات غرور آفرین موشکی نیروهای هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه پایگاه عین الاسد آمریکایی اتفاق افتاد، در عین اثبات شکست برنامه‌های دشمن برای مهار و تسلیم مردم ایران، منطقه را وارد دوران جدیدی کرد که روشن‌ترین چشم‌انداز آن اثبات کارآمدی گفتمان انقلاب اسلامی و تحکیم و تثبیت موقعیت جبهه مقاومت در منطقه و روند روبه‌گسترش آن در جهان است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز جمعه ۲۷ دی ماه تهران با اشاره به این تحولات و تجلیل معجزه‌گون مردم ایران و عراق و دیگر کشورهای جهان از سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و دیگر شهدای مقاومت و نیز پاسخ کوبنده‌ی سپاه در حمله به پایگاه آمریکایی هادر عین الاسد را دو یوم‌الله درس آموز و تعیین‌کننده خواندند که محصول آن علاوه بر ضربه‌ی نظامی، ضربه‌ی حیثیتی بود که به هیبت ابرقدرتی آمریکا وارد شد. معظم له در عین حال یادآور شدند: ملت، باطن خود یعنی استقامت در مقابل شیاطین را در این حضور نشان داد و تنها راه ادامه‌ی این مسیر عزت آفرین، قوی‌تر شدن ایران در همه‌ی زمینه‌ها است. در پیش بودن انتخابات مجلس شورای اسلامی یکی از فرصت‌های پیش روی مردم ایران است تا بتوانند با آن شکل‌دهی به یک مجلس انقلابی کارآمد زمینه را برای تجمیع ظرفیت‌های ملی برای مقابله مؤثر در این جنگ همه‌جانبه فراهم کنند.

شکست راهبرد فشار حداکثری

صافبندی استکبار جهانی علیه مردم ایران در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از همه‌ظرفیت‌های ممکن و مقاومت مردم ایران در برابر آن را باید یکی از مهم‌ترین فرازهای تاریخ معاصر قلمداد کرد که بسیاری از تحولات منطقه را تحت‌الشعاع خود قرار داده است.



اتکاب به ظرفیت‌های
درونی و حرکت در
چارچوب گفتمان
انقلاب اسلامی
مؤثرترین راهبرد
در برابر سلطه‌گران
غربی است.

تحلیل ژورنالیستی



در پیش بودن
انتخابات مجلس
شورای اسلامی یکی
از فرصت‌های پیش
روی مردم ایران
است تا بتوانند با آن
شکل‌دهی به یک
مجلس انقلابی کارآمد
زمینه را برای تجمیع
ظرفیت‌های ملی
برای مقابله مؤثر در
این جنگ همه‌جنبه
فراهم کنند.

تحلیل و گزارشها

۶۳

بهمن ماه ۱۳۹۸
هیأت‌رئیسندگان اسلام

باروی کار آمدن ترامپ در امریکا در نوامبر ۲۰۱۶ (آبان ۱۳۹۵) گردانندگان کاخ سفید با برداشت سوء از نتیجه مذاکرات هسته‌ای و با این تصور که با تشدید فشارها قادر خواهند بود ضمن تضعیف توان موشکی و نفوذ منطقه‌ای ایران همچون توان هسته‌ای، زمینه فروپاشی نظام اسلامی از درون را فراهم کنند، و به همین دلیل اجرای راهبرد فشار حداکثری علیه مردم ایران را در دستور کار قرار دادند. این راهبرد در ماه‌های پایانی سال ۹۶ توسط ترامپ اعلام و در اردیبهشت‌ماه سال ۹۷ با خروج از برجام عملیاتی شد. از منظر طراحان راهبرد فشار حداکثری پرونده نظام جمهوری اسلامی ایران باید در تابستان ۹۷ و یا حداکثر زمستان ۹۷ بسته می‌شد و ایران نمی‌بایست چهل‌مین سالگرد انقلاب خود را در بهمن‌ماه ۱۳۹۷ برگزار کند.

اجرای این راهبرد که با همکاری اروپایی‌ها و سکوت و نظاره نهادهای بین‌المللی همراه بود، در عرصه عملیاتی به‌گونه‌ای طراحی شده بود که مردم ایران، حتی نان برای خوردن نداشته باشند. اما به‌رغم مشکلات و سختی‌هایی که مردم ایران در دو سال اخیر متحمل شده‌اند، اما مقاومتشان سبب شد که برخلاف تصور گردانندگان کاخ سفید و متحدانش نه تنها ایران منسجم‌تر و متحدتر شد، بلکه زمانی که هدف این راهبرد از براندازی نظام در سال ۹۷، به کشاندن ایران پای میز مذاکره در سال ۹۸ تغییر کرد و در جریان آن اروپایی‌ها همه تلاش و ظرفیت خود را برای مذاکره رئیس‌جمهور ایران و ترامپ در جریان نشست مجمع عمومی سازمان ملل به کار گرفتند تا ترامپ بتواند با یک عکس‌یادگاری با رئیس‌جمهور ایران، پیروزی خود در انتخابات ۲۰۲۰ را تضمین کند، در این سناریو نیز ناکام ماندند. اما در نقطه مقابل؛ اجرای این راهبرد امریکا را دچار مشکلات اساسی کرد که کارشناسان آمریکایی از آن به گرفتار شدن امریکا در باتلاق و نزول پایگاه و جایگاه این به اصطلاح ابرقدرت جهانی یاد می‌کنند.

آمریکائی‌ها اگرچه در سال ۱۳۹۸ تهدید نظامی را هم به راهبرد فشار حداکثری افزوده و با تروریست اعلام کردن سپاه و اعزام ناو هواپیمابر به منطقه تلاش کردند که ایران را به تسلیم وادارند، اما پاسخ قدرتمندانه ایران در زدن پهباد آمریکایی و حوادثی که در دریای عمان و خلیج فارس اتفاق افتاد و در نهایت با عملیات غرور آفرین ایران در حمله موشکی به پایگاه عین الاسد بعد از اقدام بزدلانه ترور شهید سلیمانی، روند فشار حداکثری را عملاً به نفع ایران تغییر داد.

نشریه آمریکایی فارین پالیسی در آخرین ارزیابی خود از راهبرد فشار حداکثری کاخ سفید علیه مردم ایران می نویسد: "ترامپ زمانی سیاست موسوم به فشار حداکثری را در پیش گرفت که هدف آن محدود کردن توانایی ایران در غنی سازی، مجبور کردن ایران به تغییر سیاست خارجی متناسب با خواست آمریکا و شاید براندازی خود رژیم ایران بوده است. مردم عادی تحت فشار شدید هستند اما رژیم به خواسته های ترامپ تن نداده و ساقط هم نشده است. برعکس، به تدریج فعالیت های هسته ای خود را از سر گرفته، روابط نزدیک با روسیه و چین برقرار کرده و علیه متحدان آمریکا در منطقه اقدام تلافی جویانه کرده است. منطق پاسخ تهران هم شفاف و کاملاً قابل پیش بینی است. اگر آمریکا می خواهد شرایط زندگی را برای ایران دشوار کند، رهبران آن ثابت خواهند کرد که آنها نیز می توانند شرایط را برای آمریکا دشوار کنند. لحظه ای درنگ استراتژیک کافی است تا بتوان پاسخ ایران را پیش بینی کرد و به این درک رسید که فشارهای یک جانبه مؤثر نیست. ترامپ با خودداری از دیپلماسی و تکیه صرف بر سیاست تهدید و مقابله، هیچ گزینه ای برای خود قائل نشد به جز کوتاه آمدن، و یا تشدید اقدامات، آن هم پس از زمانی که مشخص شد سیاست فشار حداکثری نتیجه عکس دارد."

روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز هم در این زمینه می نویسد: ترور فرمانده سپاه قدس ایران، برخلاف انتظار دولت ترامپ پیش رفت. وقتی «دونالد ترامپ» دستور ترور قاسم سلیمانی را صادر کرد، بزرگ ترین قمار زندگی خود را تجربه کرد، زیرا فشارها به ایران را تشدید کرده بود و به دنبال مقابله بانفوذا ایران در منطقه بود. با این حال، آن طور که تحلیلگران تأکید کرده اند، تصمیم ترامپ برای به شهادت رساندن سپهبد سلیمانی، نه تنها نفوذ ایران و نمایان این کشور در منطقه را تضعیف نکرد بلکه موجب تقویت آن نیز شده است.»

رهبر معظم انقلاب اسلامی در خطبه های نماز جمعه تهران در روز ۲۷ دی ماه با اشاره به شکست راهبردهای دشمن، با تأکید افزایش قدرت ایران در ابعاد اقتصادی و جهش علمی و فناوری، پشتوانه ی تحقق این هدف، حضور و صبر و استقامت ملت در صحنه و تلاش و کوشش بی وقفه ی مسئولان و مردم دانسته و یادآور شدند: به فضل الهی، این ملت و کشور در آینده ای نه چندان دور به نقطه ای می رسد که دشمنان حتی جرات تهدید او را هم پیدا نکنند.

نقاط قوت و فرصت های کشور در آستانه انتخابات

در روند تلاشها و اقدامات مسئولین کشور در قوای مختلف، مانند هر نظام سیاسی اگر چه ضعفها و آسیبهایی وجود دارد که ممکن است مورد سوء استفاده دشمنان واقع شده و حتی چالشها



زنده بودن انقلاب را به رخ جهانیان کشیدید. این حضور تمامی تبلیغات و باورهای شکل گرفته در ذهن دشمن در رابطه با مردم ایران و شکاف ادعایی در میان آنان با نظام را به هم ریخت و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی شهادت او زنده بودن انقلاب را به رخ جهانیان کشید.

تحلیل و گزارش

۶۵

پنجم ماه ۱۳۶۸
هیأت‌رئیس‌رسانگان اسلام

و اعتراضاتی را نیز در پی داشته باشد، اما به رغم تلاش دشمنان برای شکست نظام اسلامی و تشدید فشارها بر مردم ایران با هدف دامن زدن به آشوب‌های خیابانی، روند تحولات کشور به‌ویژه پس از شهادت سردار سلیمانی و عملیات قدرتمندانه سپاه علیه پایگاه آمریکایی بیانگر تقویت و تحکیم وحدت و انسجام ملی است رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه در تبیین این شرایط یادآور شدند: ده‌ها میلیون ایرانی، باطن و معنویات خود را در این حادثه‌ی عظیم نشان دادند و ثابت کردند ملت از هر حزب، جناح و مجموعه و از هر قوم و منطقه‌ی جغرافیایی، با وحدتی مثال‌زدنی، طرفدار «انقلاب، حاکمیت اسلامی، ایستادگی در مقابل ظلم و نه گفتن به همه‌ی مطامع دولت‌های استکباری» هستند. ایشان یادآور شدند: ملت ایران بار دیگر در ابعادی بی‌نظیر نشان داد شجاعانه از خط مجاهدت دفاع می‌کند، اهل تسلیم نیست و به نمادهای مقاومت عشق می‌ورزد و کسانی که سعی می‌کنند تصویر دیگری از این ملت در داخل و خارج تبلیغ و ترسیم کنند، با صدق و صفا با ملت رفتار نمی‌کنند.

شاخصه‌های این شرایط عبارت‌اند از:

۱- حضور ده‌ها میلیون ایرانی در مراسم تشییع، زنده بودن انقلاب را به رخ جهانیان کشید. این حضور تمامی تبلیغات و باورهای شکل گرفته در ذهن دشمن در رابطه با مردم ایران و شکاف ادعایی در میان آنان با نظام را به هم ریخت و به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی شهادت او زنده بودن انقلاب را به رخ جهانیان کشید. و این واقعیت خنثی‌کننده جنگ روانی دشمن در القای از دست رفتن پایگاه مردمی نظام به‌ویژه بعد از اغتشاشات آبان ماه بود که با هدف بحران‌سازی در داخل بعد از اجرای مصوبه مدیریت سوخت، به بهانه حمایت از مردم ایران طراحی و با همکاری عوامل داخلی به اجرا درآمد.

۲- پاسخ قدرتمندانه ایران در حمله موشکی به پایگاه آمریکایی عین‌الاسد و خسارات جانی و مالی فراوانی که بر آمریکائی‌ها تحمیل کرد، اگرچه از منظر جمهوری اسلامی ایران تنها یک سیلی در برابر جنایت‌های اخیر آمریکا بود، اما ویژگی‌های این عملیات به لحاظ دقت، شدت تخریب و صلابت و اقتدار فرزندان سپاهی نظام در انجام این عملیات و اعلام آمادگی برای پاسخ متقابل در صورت حماقت آمریکایی‌ها، نظام محاسباتی دشمن را برهم زد و درخواست مذاکره بدون قید شرط با ایران از سوی ترامپ و قطعنامه کنگره آمریکا در زمینه‌ی محدودسازی

ترامپ را در پی داشت.

۳- واکنش آمریکا بعد از سیلی نیروی هوافضای سپاه همداری هم به دست نشانندگان منطقه‌های آمریکا برای تغییر رفتارشان در برابر ایران است. چراکه آمریکایی که توان حفاظت از خود و پایگاه‌هایش را ندارد، قابل اتکا نیست و آنها ناچارند که روابط خود را با ایران تنظیم کنند و در غیر این صورت بر خورد ایران با آنها در آینده می‌تواند متفاوت از گذشته باشد

۴- روند گسترده‌گی و نهادینه شدن جبهه مقاومت، در ماه‌های اخیر سبب شده است که موازنه قدرت به نفع جمهوری اسلامی ایران تغییر کند. شبکه آلمانی ZDF در این زمینه می‌نویسد: چه بخواهیم و چه نخواهیم، تحریم و فشار حداکثری آمریکا برای تسلیم کردن ایران، کاملاً شکست خورده است و امکان غلبه نظامی و سیاسی بر ایران مطلقاً وجود ندارد. این شبکه در ادامه می‌افزاید: در حدفاصل اقیانوس اطلس (صحرای مراکش) تا اقیانوس آرام (مجمع‌الجزایر اندونزی)، ایران تنها کشور جهان است که مشی سیاسی مستقلی از غرب را در پیش گرفته و با وجود همه موانع، راه مستقل خودش را ادامه می‌دهد و آمریکا هم هیچ راه حل عملی برای مهار این کشور ندارد. رهبری بسیار هوشمند ایران توانسته تمام اقدامات آمریکا را خنثی کند. کارشناس آلمانی این شبکه در ادامه تأکید می‌کند که: ایران با ایجاد متحدان بسیار مقتدر از سواحل مدیترانه تا اقیانوس هند، از طریق تشکیل شبکه نیروهای دفاع مردمی، یک ارتش نامنظم و مؤثر را برای مقابله با آمریکا و هم‌پیمانانش پدید آورده است.

۵- در ماه‌های اخیر در پی درخشش نیروهای مقاومت در منطقه که شکست‌های متعدد صهیونیست‌ها و سعودی‌ها و دیگر متحدان آمریکا در منطقه را در پی داشته است، اقبال به سمت گفتمان مقاومت را افزایش و منجر به تثبیت موقعیت آنها در کشورهای منطقه گردیده است و این سبب نگرانی اصلی آمریکایی‌ها و دیگر قدرت‌های سلطه‌گر غربی و صهیونیستی گردیده و به همین دلیل آمریکایی‌ها در ماه‌های اخیر با برهم زدن اوضاع عراق و لبنان، تلاش کردند مردم را در لبنان و عراق در مقابل این نیروها قرار داده و موقعیت آنها را در کشور هایشان تضعیف و حتی نظام سیاسی در این کشورها را برای رسیدن به هدف شومشان متزلزل کنند. در این زمینه اگرچه هزینه‌های سنگینی را این اقدام آمریکایی‌ها بر منطقه تحمیل کرده و حتی دامن زدن به اغتشاشات در ایران در آبان ماه نیز ناشی از این سناریو است، که البته ناکام ماندند، اقدام آمریکایی‌ها در حمله به نیروهای مقاومت در عراق در اصل برای جبران این شکست است.

۶- خلاص‌تر اثر یک و راهبردی آمریکایی‌ها و متحدانش در برابر ایران و به خط

پایان رسیدن تحریم‌ها (به اعتراف وزیر خزانه‌داری آمریکا)، سبب شده است هیچ گزینه‌ای جز اعزام میانجی‌های متعدد و درخواست مذاکره برایشان باقی نمانده باشد که البته واکنش قدرتمندانه ایران این طرفداران نیز خنثی کرده است.

۷- عملکرد قاطعانه قوه قضائیه در برخورد با مفاسد و جرائم در ماه‌های اخیر و گام‌های آغازین در رسیدگی به موقع و عادلانه به دعاوی، نقش مهمی در ترمیم آسیب‌های وارده بر چهره نظام اسلامی در عرصه اجرای عدالت - که مطالبه به حق مردم است - و ترمیم و اعتماد مردم به دستگاه قضایی و نظام اسلامی دارد.

۸- مصونیت جبهه داخلی در برابر فشارها و تحریم‌ها در عین یافتن راه‌هایی برای دور زدن تحریم‌ها و گشایش رونق تولید و باب تجارت و تعامل با کشورهای منطقه و فعال شدن شرکت‌های دانش‌بنیان، روح خودباوری و امید به آینده را در کشور تقویت کرده است.

۹- تقویت روابط و پیوندهای ایران با کشورهای منطقه و حضور ایران در پیمان‌های منطقه‌ای عملاً سیاست‌های تحریم آمریکا را خنثی کرده است.

۱۰- تجلیل و پاسداشت بی‌نظیر مردم عراق از سردار سلیمانی و شهید ابومهدی المهندس چون سیلی بنیان جنگ روانی چند ماه آمریکایی‌ها و سعودی‌ها را در عراق که باهدف به حاشیه بردن نیروهای مقاومت صورت گرفته بود خنثی کرد و مصوبه مجلس عراق برای اخراج آمریکائی‌ها از این کشور تمامی سرمایه‌گذاری گذشته آمریکا برای تشکیل یک دولت دست‌نشانده در این کشور و جدا کردن آن از حلقه مقاومت را بر باد داد. انسجام میان مردم و جریان‌های سیاسی عراق، با عملی ساختن اخراج آمریکائی‌ها، می‌تواند زمینه‌ساز استقلال و پویایی این کشور گردیده و ضعف‌ها و آسیب‌هایی را که ناشی از مداخله آمریکا در امور این کشور است را مرتفع کنند. این امر مقدمه‌ای برای اخراج آمریکا از دیگر کشورهای منطقه خواهد بود.

۱۱- اقدام یک‌جانبه آمریکا در ترور سردار سلیمانی و عدم حمایت اکثر کشورهای جهان از این اقدام بزدلانه، انزوای ترامپ و گروه همراه او در کاخ سفید را نه تنها در آمریکا که در جهان آشکار کرد، به گونه‌ای که موضع‌گیری صریح پمپئو وزیر خارجه آمریکا را در پی داشت. درخواست التماس گونه ترامپ از ایران برای مذاکره بدون قید و شرط، البته تلاشی مزورانه برای خروج از این انزوا است.

روندهای فوق بیانگر آغازی جدید برای نظام اسلامی در عرصه داخلی منطقه‌ای خواهد بود. نکته‌ای که به‌عنوان یک فرصت، باید مسئولین قوا باید خود را با آن تطبیق داده و سیاست‌ها و اقدامات خود را مبتنی بر آن تنظیم کنند.

الزامات انتخابات مجلس یازدهم

مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران در روز ۲۷ دی‌ماه، انتخابات را از مهم‌ترین عوامل اقتدار کشور دانستند که کشور را بیمه و دشمن را مأیوس خواهد کرد و با اشاره به تلاش دشمنان برای بی‌انگیزه کردن مردم از حضور در انتخابات گفتند: باید همه مراقب باشیم که مبادا دشمن این خواسته را محقق و انتخابات را کمرنگ و بی‌رواق کند.

عملکرد مجلس شورای اسلامی در ده دوره گذشته نشان می‌دهد که این نهاد به‌رغم انجام اقدامات مثبت و انقلابی در ادوار مختلف دارای نقاط ضعفی نیز می‌باشد که در گام دوم انقلاب اسلامی باید مرتفع شوند. در واقع، نگاه و رویکرد به مجلس شورای اسلامی باید در گام دوم انقلاب، راهبردی تر و مبتنی بر افق تمدنی انقلاب اسلامی و همچنین ارتقای کارآمدی نظام باشد و اگر انتقادی به عملکرد مجلس در گام اول انقلاب وجود دارد، به‌طور عمده به دلیل غفلت آن در این حوزه‌ها می‌باشد. با این وجود، انتخابات یازدهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در اسفندماه امسال، رخدادی تعیین‌کننده خواهد بود. چنین مجلسی علاوه بر داشتن وظایف و کارکردهای یک مجلس مطابق با استانداردهای عمومی الگوهای دموکراتیک، باید دارای یک سری مختصات و ویژگی‌هایی از جنس و ماهیت انقلاب اسلامی باشد؛ یعنی همان‌طور که انقلاب اسلامی، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی، عدالت، اسلام و ولایت فقیه را برای مردم ایران در سال ۵۷ به‌ارمغان آورد و در برابر ابرقدرت‌های شرق و غرب ایستاد و یک‌قدم عقب‌ننشست، مجلس شورای اسلامی تراز انقلاب هم باید دارای نمایندگان، مصوبات و قوانین و عملکردهای باشد که بتواند این انقلاب را نه تنها در ریل اصلی خود نگه دارد؛ بلکه آن را چندین گام به‌پیش هم ببرد.

مهم‌ترین الزامات عبارت‌اند از:

۱- مجلس، پایگاه مستحکم انقلاب: در شرایط تهدید همه‌جانبه دشمن مجلس تراز انقلاب اسلامی، باید پایگاه مستحکم انقلاب و اسلام در برابر تهدیدات فزاینده، متنوع و پیچیده استکبار جهانی در اوضاع فعلی باشد. مطالبه‌ای که مقام معظم رهبری از سال‌ها پیش بارها

براین تأکید نموده‌اند ایشان در ۷۹/۳/۶ در این زمینه می‌فرمایند: «مهم‌ترین سخن آن است که مجلس شورای اسلامی، رکن مهم نظام اسلامی و انقلابی است و باید پایگاه مستحکم اسلام و انقلاب باشد. چنین بوده و به تأیید الهی چنین نیز خواهد بود... دفاع قاطع و آشکار نمایندگان از انقلاب و نظام اسلامی و راه روشن و ماندگار امام عظیم‌الشأن و تبری از بلندگوهایی که با تکرار شعار ارتجاعی «جدایی دین از سیاست» در اندیشه حذف جهاد خونین بیست و چندساله ملت ایران برای استقرار نظام مترقی جمهوری اسلامی‌اند، تلاش پرهزینه دشمن را بی‌بهره خواهد ساخت. این، کمترین انتظار ملت انقلابی و مسلمانان از نمایندگان مجلسی است که با خون شهیدان و مجاهدت ایثارگران پدید آمده و برقرار مانده است»

۲- وفاداری به اسلام ناب محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله): مجلس تراز انقلاب اسلامی مجلسی است که در راستای عدم انحراف قوانین از اسلام و ماهیت خط انقلاب تلاش می‌کند. نمایندگان مجلس از همان آغاز سوگند یاد می‌کنند که پاسدار حریم اسلام و نگهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبانی جمهوری اسلامی باشند. نکته‌ای که در برخی از ادوار قبلی به‌ویژه مجلس ششم مورد غفلت واقع و این پندار غلط در برخی از نمایندگان ایجاد شده بود که گویا با ورود به مراحل پیشرفت سازندگی کشور، دوران شعارهای مقدس و ارزش‌های اصیل به سر آمده است.

۳- روحیه انقلابی و عمل جهادی: تحقق، روحیه انقلابی و عمل جهادی یکی از رسالت‌های مجلس شورای اسلامی که رهبری معظم انقلاب در بیانیه گام دوم بدان اشاره کرده‌اند. منشأ بسیاری از آسیب‌هایی که در سال‌های اخیر کشور متحمل آن شده است عدم درک صحیح و توجه برخی از نمایندگان مجلس و مدیران و مسئولان کشور، به آن است در گام دوم انقلاب، مجلس شورای اسلامی به سبب رسالت‌های خطیر قانونی‌اش، باید پرچم‌دار بسط نظریه نظام انقلابی باشد تا زمینه را برای ترویج نگاه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی را فراهم کند. به‌عنوان مثال، مجلس نباید به افرادی که نگاه انقلابی ندارند یا در کارنامه‌ی آنها عمل جهادی وجود ندارد، رأی اعتماد دهد.

۴- پیشگام در تحقق دولت اسلامی: مجلس شورای اسلامی می‌تواند با تصویب قوانین، اهتمام بر انتخاب وزرای کارآمد و نظارت بر حسن اجرای امور و... پیشگام در تشکیل دولت اسلامی باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی را در پنج مورد زیر می‌داند: ۱. انقلاب اسلامی؛ ۲. تشکیل نظام اسلامی؛ ۳. تشکیل دولت اسلامی؛ ۴. تشکیل کشور اسلامی؛ ۵. تشکیل دنیای (امت، تمدن) اسلامی. به رغم تلاش‌های صورت گرفته در ع دهه گذشته و توفیقاتی که نظام اسلامی در تحقق تمدن اسلامی داشته، اما کاستی‌ها در مرحله تحقق دولت اسلامی سبب شده است که تحقق کامل مراحل بعد نیز با دشواری همراه باشد، لذا بیشتر رهنمودهای رهبر انقلاب بر بیان اهمیت، ضرورت، ویژگی‌ها و چگونگی اجرای این گام (**تحقق دولت اسلامی**) متمرکز بوده است، بر این اساس از مجموعه رهنمودهای رهبری چنین استنباط می‌شود که: ۱. دولت فقط محدود به قوه مجریه نمی‌شود، بلکه همه قوای سه‌گانه و سایر نهادهای حکومت اسلامی نیز مخاطب دولت اسلامی هستند، اما نکته مهم‌تر این است که ارکان و اجزای مورداشاره با وجود مسئولین آنها هویت پیدا می‌کند، بنابراین مفهوم دولت اسلامی را باید ابتدا در رفتار و عملکرد مسئولین نظام جستجو کرد و سپس سایر ابعاد آن از جمله نهادسازی، نظامات اداری و سایر الزامات را مورد توجه قرار داد. بنابراین معنای واقعی دولت اسلامی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی در مرتبه اول، دولتی است که مسئولین آن از حداکثر معیارها و شاخصه‌های اخلاقی و رفتاری یک مسلمان واقعی برخوردار باشند. ۲. دولت اسلامی ای که بتواند مقاصدی را که ملت ایران و انقلاب عظیم آنها داشت تأمین کند، دولتی است که در آن رشوه نباشد، فساد اداری نباشد، ویژه‌خواری نباشد، کم‌کاری نباشد، بی‌اعتنایی به مردم نباشد، میل به اشرافی‌گری نباشد، حیف‌ومیل بیت‌المال نباشد، و دیگر چیزهایی که در یک دولت اسلامی لازم است.

۵- متکی به درون و جوان‌گرا: منظور از متکی به درون بودن مجلس آن است که این نهاد در فعالیتهای قانون‌گذاری و نظارتی خود باید برای تقویت ظرفیت‌های داخلی و اتکای بیشتر بخش‌های اجرایی به این ظرفیت‌ها تلاش کند. به عنوان مثال، مجلس می‌تواند دولت را مکلف کند که به جای واردات فلان کالا، بخش‌های تعطیل یا نیمه‌تعطیل صنعتی را راه‌اندازی کند تا چرخ صنعت در داخل کشور رونق بگیرد یا در مواردی که در داخل کشور ظرفیت‌های مناسبی برای تولید برخی کالاها وجود دارد، اما با جهت‌گیری‌های غلط اجرایی، همان کالاها از خارج وارد می‌شود، مجلس باید با استفاده حداکثری از ظرفیت نظارتی خود، برای رفع این موانع تلاش کند.

منظور از جوان‌گرایی نیز این نیست که همه‌ی نمایندگان مجلس باید از جوانان باشند، بلکه

منظور این است که جهت‌گیری فعالیت‌های این نهاد باید معطوف به فراهم کردن زمینه‌های لازم برای میدان دادن به جوانان در بخش‌های مختلف کشور باشد. به عنوان مثال، اکنون مجلس باید به طور دقیق بر اجرای قانون ممنوعیت بکارگیری بازنشستگان نظارت کند تا فرایند چرخش نخبگان در دستگاه‌های اجرایی، پوست‌اندازی مدیران و روی کار آمدن جوانان جان تازه‌ای بگیرد.

۶- مقوم مسابقه خدمت‌رسانی: گام دوم انقلاب باید گام تقویت خدمت‌رسانی به مردم در ابعاد و عرصه‌های مختلف باشد و مجلس در این زمینه، اگر چه نمی‌تواند به‌عنوان کارگزار میدانی خدمت‌رسانی باشد، اما قطعاً باید با سیاست‌گذاری و ریل‌گذاری درست، جهت اقدامات و فعالیت دستگاه‌های اجرایی را به‌سوی گره‌گشایی از مشکلات مردم سوق دهد. در این زمینه، مجلس نباید کوتاهی، تعلل و ضعف برخی دستگاه‌ها که عملکرد آنها به‌طور مستقیم بر زندگی روزمره مردم تأثیر می‌گذارد را تحمل کند و باید در اسرع وقت و با صراحت هر چه تمام، به برخورد با افراد خاطی و حتی غافل همت گمارد. متأسفانه عملکرد مجلس در گام اول انقلاب در این زمینه، نیز خالی از اشکال نیست؛ به‌ویژه در برهه‌هایی مانند وقوع نوسانات ارزی که در دولت‌های مختلف آسیب‌هایی جدی بر معیشت مردم وارد کرده است، مجلس اقدام جدی انجام نداده است.

۷- زمینه‌ساز برای تحقق اقتصاد مقاومتی: آسیب‌پذیری کشور در عرصه اقتصادی سبب شده است که دشمنان انقلاب و نظام، از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزار و سلاحی برای تسلیم و به‌زانو در آوردن ملت ایران استفاده می‌کنند. بنابراین، توجه به استحکام ساخت اقتصادی کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های درونی، به معنای گرفتن و ربودن ابزار تحریم و فشار اقتصادی از دست دشمنان ملت ایران است. وجود مشکلات اقتصادی سبب شده که برخی گمان‌کنندگان این مشکلات لاینحل بوده و برای حل آنها چاره‌ای جز غلتیدن در دامن دیگران و نسخه‌برداری از دنیای خارج وجود ندارد. حال آنکه نه تنها این‌گونه دیدگاه و طرز تلقی‌ای ریشه برخی مشکلات اقتصادی موجود است و حتماً در گام دوم انقلاب باید طرد شود، بلکه در داخل کشور ظرفیت‌های بی‌شمار متعددی وجود دارد که با مدیریت جهادی و انقلابی و میدان‌داری جوانان قادر به پاسخگویی مناسب و قدرتمندانه به مسائل اقتصادی کشور است.

۸- تمرکز بر وظیفه اصلی مجلس در قانون گذاری: مجالس گذشته اگر چه هر یک منشأ خدمات ارزشمندی بوده اند، اما درگیر شدن مجالس قبلی با مسائل حاشیه ای سبب شده است که نسبت به یکی از وظایف اصلی مجلس یعنی قانون گذاری اهتمام لازم صورت نگیرد که به عنوان نمونه می توان به تعلل مجلس دهم در تصویب قانون انتخابات به رغم ابلاغ سیاست های انتخاباتی توسط مقام معظم رهبری اشاره کرد. از سوی دیگر تصویب قوانین نارسا در گذشته سبب شده است که بخشی از وقت مجالس بعدی به اصلاحیه ها و استفساریه ها اختصاص یابد. رهبر معظم انقلاب اسلامی در ششم مهر امسال سیاست های کلی نظام قانون گذاری را در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی، در ۱۷ بند ابلاغ و با توجه به اهمیت موضوع سه قوه موظفانند کردند اقدامات رامبتنی بر آن زمان بندی و پیشرفت ها را گزارش نمایند.

۹- مروج سبک زندگی اسلامی - ایرانی: سبک زندگی از اساسی ترین حوزه های است که ارزش ها، نگرش ها، بینش ها، رفتارها و... هر فرد یا مجموعه ای در آن تجلی می یابد. از این رو، چنانچه ویژگی ها و شاخص های انقلابی در این حوزه صدق کند، می توان گفت که تجلی ویژگی ها و شاخص های انقلابی در حوزه های دیگر مانند سیاست، اقتصاد، اجتماع و... کار چندان دشواری نخواهد بود. نقش مجلس شورای اسلامی در تلاش برای ترویج سبک زندگی اسلامی - ایرانی در دو سطح قابل بررسی است؛ در حوزه ی زندگی شخصی نمایندگان که آنها باید اصول اساسی سبک زندگی اسلامی - ایرانی مانند؛ عدالت خواهی و فساد ستیزی، ساده زیستی، اخلاق مداری، دوری از تجمل، اسراف، مصرف زدگی و... به طور جدی مدنظر قرار دهند و به عبارت دقیق تر، به رسالت نمایندگی به عنوان زمینه ای برای کیسه دوختن نگاه نکنند. در سطح دیگر به وظایف قانونی مجلس برمی گردد که با توجه به وظیفه ی نظارتی ای که دارد، باید باریخت و پاش ها، اسراف ها، تجمل ها و... مبارزه کند.

۱۰- صیانت از آزادی و استقلال ملی: پاسداری از استقلال و آزادی در زمره مهم ترین وظایف نمایندگان است که در سوگند آنان نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اهمیت این دو موضوع در شرایط کنونی به این دلیل است که علی رغم آنکه با پیروزی انقلاب اسلامی گام های مهمی برای تحقق و تحکیم این دوازش و الا برداشته شده، اما هم اکنون نیز این دو آرمان مهم از سوی قدرت های بیگانه و مداخله گر مورد تهدید می باشد و چنانچه نسبت به پاسداری از این دو غفلت شود، وقایع ذلت بار گذشته تکرار خواهد شد. در عرصه داخلی نیز در ادوار گذشته بخش زیادی از بودجه فرهنگی کشور به جای آنکه معطوف به ارتقای درجه ی استقلال و آزادی هزینه شود، در عمل در اختیار خرده جریان های معارض فرهنگی و سلبریتی هایی قرار گرفته

که نه تنها توجهی به حفظ استقلال کشور ندارند، بلکه در عمل مروج بی بندوباری و آزادی غربی به جای آزادی به سبک بومی هستند. مجلس در ادوار گذشته در نظارت به نحوه‌ی تخصیص و هزینه کرد این بودجه‌ها کارنامه‌ی قابل دفاعی ندارد.

۱۱- ایستادگی در برابر فشارهای بین‌المللی: رسالت مجلس شورای اسلامی در این حوزه رسالتی سنگین است؛ زیرا در مواردی در ادوار گذشته، برخی دولت‌ها با کم‌توجهی به این اصل مهم، وارد اختلاط با دشمن شده و این اقدام آنها نه تنها منفعتی برای کشور در برداشته، بلکه متضمن ایجاد خسارت نیز بوده است. مجلس شورای اسلامی باید با استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های قانونی خود، بر کیفیت دیپلماسی، سیاست و روابط خارجی کشور به دقت نظارت کند. کوتاهی‌های مجلس در گذشته در عمل به وظیفه‌ی نظارتی خود در قبال مسئولانی که با خوش بینی و عدم حمایت خطوط فاصل با دشمن، لطماتی به مردم، کشور و انقلاب زده‌اند نیز میرهن است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار نمایندگان مجلس، ۳۰ خرداد امسال در زمین نقش و اهمیت مجلس شورای اسلامی می‌فرماید: مجلس باید مظهر عزت ملی و مظهر اقتدار و استحکام نظام باشد؛ مجلس این است؛ چرا؟ برای خاطر اینکه مجلس، منتخب عموم مردم کشور در جاهای مختلف است که با یک انگیزه‌ی آمده‌اند این شخص را - این برادر را، این خواهر را - انتخاب کرده‌اند. و امام فرمودند که مجلس، عصاره‌ی فضایل ملت است؛ این نکته، نکته‌ی مهمی است؛ توجه کنید: عصاره‌ی فضایل، نه عصاره‌ی همه‌ی خصلت‌ها! بعضی از خصلت‌ها جزو فضایل نیست. مجلس بایستی عصاره‌ی فضایل ملت باشد. فضایل این ملت هم خیلی زیاد است. مجلس نباید نماد تردید باشد، نماد خود کم‌بینی باشد؛ نباید نماد یأس و نومیدی یا نماد عدم اعتنا و عدم مبالغه به مسائل کشور باشد. نباید مجلس نشان بدهد که نگاهش به ظرفیت‌ها و توانایی‌های ملی، نگاه مأیوسانه است؛ این فضایل ملت که باید اینجا عصاره‌ی آنها جمع بشود، این چیزها است.

تَحْلِيلُ الْوَدَّاعِ

دکتر علیرضا معاف

مجلس انقلابی و کارآمد؛ لازمه مردم سالاری دینی کارآمد

● جمله حکیمانه امام خمینی مبنی بر آنکه مجلس در راس امور است بیش از آنکه یک جمله اخباری باشد یک گزاره‌ی انشائی است بدان معنا که باید مجلسی سر کار بیاید که بتواند در راس امور کشور قرار گرفته و مقدرات کشور را ریل گذاری کند. اگر مجلس بخواهد در راس امور باشد باید مجلسی قوی، مستقل، محکم، مستحکم و در یک کلام انقلابی و کارآمد باشد. کارآمدی مجلس در سالهای اخیر به دغدغه جدی خردمندان و خواص و همچنین مردم تبدیل شده است.

نقش آفرینی موثر، نتیجه بخش و اثر بخش مجلس در بزنگاههای کشور نظیر تصمیمات برجای و بنزینی این سوال جدی را در ذهن بسیاری از مردم ایجاد کرده است که چرا مجلس شورای اسلامی کارآمدی لازم را ندارد. تحقق مجلسی که «عصاره فضائل ملت» و در «راس امور» باشد نیاز به خوانش مجدد مولفه های مجلس کارآمد، متدین و انقلابی دارد.

۱- کارآمدی مردم سالاری دینی

در حالی که در جامعه‌ی پیشاانقلاب، مردم سالاری، یک خیال خام و دست نیافتنی بود و همگان می دانستند که انتخابات، «فرمایشی» و «صوری» ست و رأی مردم، کمترین تأثیری در سر نوشت شان ندارد، با وقوع انقلاب، ناگهان و یکباره، ورق برگشت و ره صدساله، یک شبه پیموده شد. انقلاب اسلامی، نه تنها خود مصداق «انقلاب اجتماعی تمام عیار» بود و به صورتی شگفت‌انگیز و آرمانی، همه‌ی ظرفیت‌های اجتماعی و مردمی را به صحنه آورد و جامعه را به طور کامل، در راستای برانداختن سلطنت و برپایی حکومت دینی، بسیج کرد، بلکه در مراحل بعدی نیز از «مراجعه به مردم» و «تعهد به اراده‌ی اجتماعی»، غفلت نکرد. انقلاب، از سال نخست پیروزی، مراجعه به مردم را در دستور کار خویش قرار داد و هرگز مجال نداد مردم از صحنه و میدان «نقش آفرینی» و «تعیین کنندگی» سیاسی و اجتماعی خارج شوند.

و به حوزه‌ی زندگی شخصی و دغدغه‌های روزمره و نازل، بسنده کنند. برای انقلاب و از نظر انقلاب، در صحنه بودن و ایفای نقش مردم، یک ارزش مستمر و بنیادین بود، تا آنجا که انقلاب، تداوم حیات خویش را، مشروط به حضور مردم کرد و کنارگیری و حاشیه‌نشینی آنها را، برابر با زوال و نابودی خود انگاشت.

ما هم با تاریخ بیگانه‌ایم و هم حافظه‌ی تاریخی قوی و پُر گنجایشی نداریم، و گرنه نباید فراموش می‌کردیم که در حکومت پهلوی، وضع مشارکت مردم و منزلت اراده و خواست مردم در سرنوشت سیاسی و اجتماعی شان چگونه بود. باید به چهل سال گذشته بازگردیم و تاریخ برای یکبار دیگر، برای امروز و برای به‌دست آوردن تحلیل واقع‌بینانه‌ای از دستاوردها و نتایج انقلاب، بخوانیم. واقعیت حاکی از این است که در اثر انقلاب، شأن مردم از «هیچ‌کاره»، به «همه‌کاره» تغییر یافت و مردم و اراده‌ی آنها، از «حاشیه» به «متن» کشیده شد. «دیکتاتوری سلطنتی» که در شخص شاه، متمرکز بود و تمام «قدرت‌ها» و «اختیارات» را از همگان سلب کرده بود، کمترین جایی برای تحقق و اعمال «اراده‌ی اجتماعی» باقی نگذاشته بود، به طوری که «همه»، «هیچ» انگاشته می‌شدند. خواست مردم، باید در امتداد خواست شاه قرار داشت، بلکه مردم «حق» نداشتند در عرض شاه، خواست و میلی داشته باشند و امری را مطالبه کنند. آنچه که اهمیت داشت، «اراده‌ی ملوکانه» بود، نه «اراده‌ی مردم». اراده‌ی مردم، بی‌ارزش و بی‌اعتبار بود و هیچ امری را در ساخت سیاسی و اجتماعی، تعیین نمی‌کرد. البته این که شاه، اراده‌ی اجتماعی را هیچ می‌انگاشت و به آن بهانمی‌داد، بی‌جهت نبود، چون او به خوبی می‌دانست که چنانچه مجال و مهلتی به اراده‌ی اجتماعی بدهد و امکان تحقق آن را فراهم نماید، به ناچار باید از قدرت، کناره‌گیری کند و با سلطنت وداع نماید. پس میدان و مجال ظهور به اراده‌ی اجتماعی دادن، همان و فروپاشی حکومت پهلوی، همان. بنابراین، «هیچ‌انگاری اراده‌ی اجتماعی»، بی‌دلیل نبود و از محاسبات و حدس‌های ذهنی شخص شاه در باره‌ی نسبت مردم با او و حکومت خود کامه‌اش برمی‌خاست. با این حال، او برای همیشه نتوان در برابر اراده‌ی اجتماعی مقاومت کند و به سرکوب آن ادامه دهد، چون این اراده، آنچنان قوی و مقتدر بود که هر آنچه در مقابلش قرار داشت را ویران می‌کرد و به هر حال، راهی در تاریخ برای خود می‌گشود تا تحقق عینی یابد. چنین نیز شد؛ در سال پنجاه و هفت، اراده‌ی اجتماعی بیش از گذشته، به صحنه‌ی بازی سیاسی آمد و یک‌هفته‌ای و قدرتمندانه، شاه را به چالش طلبید و در نهایت، او را به عقب راند. به این ترتیب، باید انقلاب کبیر اسلامی را، عالی‌ترین و راقی‌ترین تجلی اراده‌ی اجتماعی مردم ایران شمرد که حتی در مقایسه با سایر انقلاب‌های معاصر نیز، پیش‌روانه‌تر و کمال یافته‌تر است.

مردم‌سالاری بر خاسته از انقلاب اسلامی، سه خصوصیت عمده دارد: نخست این که از نظر اثرگذاری بر ساخت سیاسی و اجتماعی، «واقعی/حقیقی/صادقانه/تعیین کننده/تغییر دهنده» است، نه «نمایشی/صوری/دروغین/ساختگی/فرمایشی»؛ دوم این که از نظر کمیت مشارکت و حضور مردمی، «حداکثری/بیشینه/حدّ اعلای» است، نه «حداقلی/ناچیز/اندک»؛ سوم این که از نظر ریشه و سرچشمه‌ی ایدئولوژیک، «قدسی/الهی/دینی» است، نه «سکولار/شیطانی/طاغوتی». چنین ترکیب و هندسه‌ای در هیچ جای جهان معاصر، شبیه و نظیر ندارد و به راستی، منحصر به انقلاب اسلامی ایران است. انقلاب ایران، که عهد تاریخی تازه‌ای را پیش روی انسان معاصر نهاد، سلسله مفاهیم متفاوت و بی‌سابقه‌ای را نیز خلق کرد و آن گاه در جهت تحقق عملی و عینی‌شان کوشید، که مردم‌سالاری دینی، از این جمله است. مردم‌سالاری دینی که مجرا و ساز و کار خاص و متفاوتی برای مشارکت اجتماعی است، سه خصوصیت یاد شده در متن خود دارد و به همین واسطه، هرگز نمی‌توان آن را با «مردم‌سالاری سکولار» که در غرب شایع است، مقایسه کرد. به تعبیر مغز متفکر انقلاب، علامه‌ی شهید آیت‌الله مرتضی مطهری، باید چنین گفت که مردم‌سالاری غربی، «حیوانیت ره‌اشده» است و مردم‌سالاری دینی، «انسانیت ره‌اشده».

نمی‌توان و نباید از کارنامه‌ی پر درخشش و خیره‌کننده‌ی انقلاب درباره‌ی مردم‌سالاری و مشارکت اجتماعی سخن گفت، ولی به نقش خاصی که امام خمینی و رهبر انقلاب در این باره ایفا کردند، اشاره‌ای نکرد. واقعیت آن است که چنانچه عنان و زمام کار به دست اینان نبود، مردم‌سالاری حتی به فرض محال تحقق انقلاب نیز، وضع دیگری داشت و هرگز بدین صورت، ستایش‌آمیز و درخور تقدیر نبود. از این جمله، دفاع‌های قاطعانه و دشمن‌ساز رهبر انقلاب، مثال زدنی است: این که ایشان در برابر جریانی که خواستار دست‌کاری در شرایط و زمینه‌های انتخابات بود، مقاومت کرد و انتخابات را «حق مردم» و «از آن مردم» دانست و کمترین مداخله‌ای در آن نکرد؛ این که ایشان در مقابل کسانی که به بهانه‌ها و اغراض سیاسی کارانه‌ای می‌خواستند برپایی انتخابات را به تأخیر انداختند، ایستاد و تصریح کرد که انتخابات، باید «حتی بدون یک روز تأخیر» برگزار شود؛ این که ایشان به «زیاده‌خواهی نیروهای فتنه‌گر» در سال هشتاد و هشت، پاسخ مثبت ندارد و در برابر «لشکرکشی خیابانی»، آراء مردم

را نادیده گرفت و از «جمهوریت» عقب‌نشینی نکرد؛ این که ایشان، رأی مردم را «حَقِّ الناس» شمرد و بدان «حُرمت شرعی و دینی» بخشید و نظام اسلامی را «مانت‌دار رأی مردم» معرفی کرد که هرگز به آن خیانت نکرده و نخواهد کرد؛ این که ایشان تصریح کرد که مردم‌سالاری را «صادقانه» پذیرفته به آن «باور» دارد و به آن باور دارد و هرگز با آن مواجهه‌ی سیاست‌بازانه و اقتضائی ندارد؛ و ... اینها و واقعیت‌های دیگری از این دست که ما از آنها بی‌خبریم؛ گواه آن است که چنانچه بازیگر اصلی این میدان، رهبر انقلاب نبود، چه‌بسا انقلاب در مسیر دیگری قرار می‌گرفت و نسبت دیگری با مردم‌سالاری می‌داشت.

مردم‌سالاری دینی، ریشه‌های ایدئولوژیک دارد، یعنی «ایمانی/اعتقادی/دینی» است. از این‌رو، مشارکت اجتماعی در الگوی اسلامی و انقلابی، «داوطلبانه/خودجوش/اختیاری/ارادی» است، نه «تحمیلی/اجباری/قهری/تحکمی». پس این که مشارکت اجتماعی در ایران پسانقلاب، «از پایین» و «مهندسی نشده» است، نه «از بالا» و «فرمایشی»، به این حقیقت بازمی‌گردد که چنین مشارکتی، از نوعی «الزام باطنی/قلبی/درونی» برمی‌خیزد و حاصل غلیان و فاعلیت حس «مسئولیت‌ایمانی» و «تعهد الهی» است. برخلاف چنین رویه‌ای، مردم‌سالاری‌ها و مشارکت‌های سکولار، یا بر «انگیزه‌های مادی/معیشتی/این‌جهانی/خودخواهانه» تکیه دارند، یا بر «انگیزه‌های دیوان‌سالارانه/بوروکراتیک/اداری». مردم‌سالاری دینی، به سبب این که ریشه در «دین» دارد و دین نیز داعیه‌ی «جهان‌شمولی» دارد و انسان مسلمان، قائل به «جهان‌وطنی» است، حتی در چارچوب تنگ «انگیزه‌های ملی/قومی/وطنی» نیز محصور نمی‌شود. در این فلسفه‌ی اجتماعی، انسان به این سبب که انسان است و برخوردار از فطرت الهی و متعهد به شریعت خدایی، برداشتی از عالم و منزلت خویش در آن دارد که بسیار وسیع و پهن دامنه است. پس این که از حوزه‌ی شخصی‌اش پافراتر می‌نهد و نسبت به آنچه که در جامعه می‌گذرد، احساس مسئولیت می‌کند و جامعه را نیز در بُعد محلی، محدود نمی‌کند و به جامعه‌ی انسانی و جهانی می‌نگرد، همه‌وهمه، برخاسته از جهان‌بینی الهی است. در دوره‌ی پسانقلاب، «سرمایه‌ی اجتماعی» و «ثروت‌های معنوی ناظر به زندگی جمعی»، افزایش چشمگیری یافت. انقلاب به دلیل این که «امر اجتماعی» را بر «امر سیاسی»، مقدم شمرد و «اراده‌ی اجتماعی» را در سایه‌ی «اراده‌ی تشریعی الهی» قرار داد، موجبات رشد فزاینده و شتابان امر اجتماعی را فراهم کرد و جهان اجتماعی را از «اندوخته‌های هویتی» و «ذخایر معنایی»، انباشته کرد. در دوره‌ی پسانقلاب، امر اجتماعی، امر سیاسی را «تعیین» و به خود «مشروط» کرد و اراده‌ی مردم بر سیاست، «غلبه» یافت، به‌صورتی که پانهادن به

قلمرو قدرت سیاسی، وابسته به اراده و خواست مردم شد. از سوی دیگر، جوهر و سرشت الهی انقلاب، هیچ چیزی را در عرض رضایت و حکم خدای متعال قرار نداد و مردم سالاری را به خودبنیادی انسان، تعبیر نکرد، بلکه بر «هدایت الهی» و «تقید مردم سالاری به دین»، تأکید کرد.

تجربه موفق انتخابات در مردم سالاری دینی

مطابق اصل ششم قانون اساسی، در جمهوری اسلامی، امور کشور باید با اتکال به آرای عمومی اداره شود. مطابق اصل بیست و ششم قانون اساسی، گروه‌های سیاسی و صنفی آزادند، و هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع، یا به شرکت در از آنها مجبور کرد. پس از انقلاب، مشارکت مردمی، بر اساس تفکر اسلامی، تئوریزه شد.^(۱) عنصر جمهوریت، نه یک انتخاب تصادفی یا قهری، بلکه ناشی از الزام نظری بود. التزام انقلاب به جمهوریت، منشأ دینی دارد، نه بیرونی/سکولار/ضمیمه شده به دین. مردم سالاری دینی، ریشه‌های عمیق ایدئولوژیک در سنت فکری بومی/اسلامی دارد. مردم سالاری دینی؛ راه سوم در میان دیکتاتوری سلطنتی و دموکراسی سکولار بود. در گفتمان انقلاب، مردم، ولی نعمت حاکمان هستند. در صحنه بودن مردم، خواست همیشگی انقلاب بوده است. انقلاب با جهشی برق‌آسا، دیکتاتوری سلطنتی/اختناق و استبداد/تحقیر و حاشیه‌نشینی را به مردم سالاری دینی/مردم‌گرایی خداپسندانه تبدیل کرد.^(۲) در انقلاب، دوراهی یا حکم دین یا مشارکت مردم، شکسته شد. مردم سالاری دینی، راه سومی در برابر دیکتاتوری سلطنتی و دموکراسی غیر دینی است. در منطق دینی انقلاب، ظلم/جور/استبداد/خودکامگی نسبت به مردم، مشروع نیست.

۱- «احدی شرعاً نمی‌تواند به کسی، کورکوران و بدون تحقیق، رأی بدهد.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۱۸؛ ص ۳۳۶؛ ۲۲ بهمن ۱۳۶۲).

۲- «هر چه به سر این ملت مظلوم در طول زمان، پس از مشروطیت تا دوره‌ی آخر انتصابات ستمشاهی آمد، به‌طور قاطع، از مجلس‌های فاسد بود که ملت در انتخاب نمایندگان، یا هیچ دخالت نداشت، یا دخالت بسیار ناچیزی داشت.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۱۸؛ ص ۳۳۴؛ ۲۲ بهمن ۱۳۶۲).
ما در دوره‌ی قبل از انقلاب، «دیکتاتوری» و «در حاشیه بودن مردم»، و «بی‌اعتنایی به مردم» را در امر حکومت دیده‌ایم. مردم قبل از انقلاب، «هیچ نقشی» در مدیریت کشور و تعیین مدیران نداشته‌اند؛ چنان‌که پادشاهان و اطرافیان‌شان، می‌آمدند و می‌رفتند، اما مردم، فقط «تماشاچی» بودند. انقلاب اسلامی آمد و مردم را از «حاشیه» به «متن» آورد و مردم شدند صاحب اختیار (حضرت آیت‌الله حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای؛ در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره‌ی ریاست جمهوری؛ ۱۲ مرداد ۱۳۹۶).

در نظام اسلامی، قهر/غلبه/تغلب/فربب/خدعه/نیرنگ/اعمال زور، معنا ندارد.^(۳) در منطق دینی انقلاب، مردم نسبت به حاکمیت سیاسی، حق دارند. در دولت دینی، روش اصلی و اولی، استدلال و اقناع است، نه تحکم و تحمیل و زور. دولت دینی، حداکثری/تمامیت خواه/متمم کز/جامع القوا/نافی مشارکت مردم نیست.

انقلاب، مشارکت مردم را از نقطه‌ی زیر صفر، به حدّ اعلای رساند. مردم سالاری دینی، مشارکت در چارچوب هدایت الهی است.^(۴) انقلاب بنا به دلایل اعتقادی، رأی مردم را حق الناس می‌شمارد. انقلاب بنا به دلایل اعتقادی، رأی مردم را امانت می‌شمارد. نظریه‌ی مردم سالاری دینی، سخن تازه/فکر نو/حرف مبدعانه‌ی انقلاب است.

مشارکت مردمی در انقلاب، فقط یک آرمان نظری نبود، بلکه تحقق عینی نیز یافت. انقلاب، موجب گذار جامعه‌ی ایران از استبداد سلطنتی به آزادی دینی شد. انقلاب در هیچ لحظه‌ای، تهی از مشارکت مردمی نبوده است. پس از انقلاب، بدون هیچ وقفه‌ای، مردم در سطح سیاسی و اجتماعی، فعال و تعیین کننده شدند. انقلاب در طول چهار دهه‌ی گذشته، همواره خواهان حضور مردم بوده است.^(۵) مردم سالاری تحقق یافته در انقلاب، در تاریخ ایران، استثنایی است. دلیل ماندگاری انقلاب با وجود بحران‌های ویرانگر، اجتماعی بودن/مردمی بودن/بدنه‌ی اجتماعی داشتن آن است.^(۶)

۳- در نظام اسلامی، قدرتی که از قهر و غلبه و اعمال زور و تغلب حاصل شده باشد، مشروع نیست، بلکه قدرت باید بر خاسته از اختیار و اراده‌ی مردم باشد. (همو؛ شب ظلمانی شاهنشاهی؛ تهران: انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۵. در مراسم سالروز رحلت امام خمینی؛ ۱۴ خرداد ۱۳۹۳).

۴- «آرای مردم در مقابل حکم خدا، رأی نیست؛ ضلالت است. ما می‌خواهیم که احکام اسلام، در همه‌جا جریان پیدا بکند و احکام خدای تبارک و تعالی حکومت کند.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۸، ص ۲۸۰؛ ۴ تیر ۱۳۵۸).

۵- «از آغاز انقلاب تاکنون، یکی از اهداف شوم و پلیدی که همواره مورد توجه استکبار جهانی و نوکران خارجی و داخلی آنان بوده است، دور کردن مردم از صحنه‌های انقلاب و گسستن پیوندهای پولادین آنان با آرمان‌های اجتماعی - سیاسی اسلام بوده است.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۲۱، ص ۸؛ ۱۱ فروردین ۱۳۶۷).

«همه، مسئول سرنوشت کشور و اسلام می‌باشند؛ چه در نسل حاضر و چه در نسل‌های آتی. و چه‌بسا که در بعضی مقاطع، عدم حضور و مسامحه، گناهی باشد که در رأس گناهان کبیره است.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۲۱، ص ۴۲۱؛ ۱۵ خرداد ۱۳۶۸).

«اگر بخواهید در مقابل دنیا، اظهار حیات بکنید [...]، باید مشارکت کنید. اگر - خدای نخواسته - از عدم مشارکت شما، یک لطمه‌ای بر جمهوری اسلامی وارد بشود، [...] مسئول پیش خدا هستیم. مسئله، مسئله‌ی ریاست‌جمهور نیست؛ مسئله، مسئله‌ی اسلام است.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۱۹، ص ۳۲۷؛ ۸ مرداد ۱۳۶۴).

«اگر خدای نخواسته بر اسلام یا کشور اسلامی، از ناحیه‌ی عدم دخالت در سرنوشت جامعه، لطمه و صدمه‌ای وارد شود، یک‌یک تمام ملت در پیشگاه خدای قهار توانا، مسئول خواهیم بود.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۱۸، ص ۳۳۵؛ ۲۲ بهمن ۱۳۶۲).

۶- «مردم نباید کنار بروند، اگر مردم کنار بروند، همه شکست می‌خوریم.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۱۸، ص ۲۴۲؛ ۲۰ آذر ۱۳۶۲).

مردم‌سالاری تحقق یافته در انقلاب، صادفانه است، نه سرمایه‌سالار/ پول‌محور، موقتی/ دوره‌ای و اقتضایی/گزینشی. جمهوری اسلامی، چیزی غیر از مردم نیست. انقلاب، نسبت این‌همانی با مردم دارد. جمهوری اسلامی، واقعیتی جز مردم ندارد. نسبت این‌همانی انقلاب با مردم، یعنی حاکمان، از مردم و در خدمت مردم هستند. جمهوریت بر خاسته از انقلاب، واقعی/اکثری و صادفانه/راستین است. تعهد عملی تمام‌عیار انقلاب به نتایج و لوازم مردم‌سالاری، مثال‌زدنی بوده است. رمز پیروزی و بقای انقلاب، یکی انگیزه‌ی الهی ایجاد حکومت اسلامی است؛ و دیگری وحدت و اجتماع ملت.^(۷) رمز پیروزی و بقای انقلاب، اجتماع ملت بر مدار انگیزه‌ی الهی ایجاد حکومت اسلامی است. سرِ ایجاد و استمرار انقلاب، همبستگی اجتماعی مردم بر مدار مقصد الهی بر پایی حکومت اسلامی است. اقتدار/ استحکام/ مقاومت جمهوری اسلامی در برابر توطئه‌ها/دشمنی‌ها/کارشکنی‌ها، حاصل پشتوانه‌ی مردمی/جمعی/اجتماعی آن است. تمام نهادهای انقلاب، ریشه‌های مستحکم مردمی دارند. شکل‌گیری نهادهای انقلاب، حاصل احساس مسئولیت مردم نسبت به سرنوشت انقلاب است. چهل سال، حضور مستمر و فزاینده‌ی مردم در راهپیمایی‌های سالیانه‌ی انقلاب، در دنیا نظیر ندارد. استمرار حضور مردم در راهپیمایی‌هایی سالیانه‌ی انقلاب، عمیق‌باور آنها به انقلاب را نشان می‌دهد. مردم‌سالاری در انقلاب، مستمر، صادفانه و حداکثری بوده است. در اثر انقلاب، اراده‌ی مردم، جایگزین اراده‌ی ملوکانه شد.^(۸) انقلاب، خواست مردم را جایگزین خودکامگی شاه کرد. انقلاب، سایه‌ی خودکامگی‌های شاه را از اراده‌ی مردم برچید. انقلاب، مردمی را که هیچ‌کاره بودند، همه‌کار کرد. انقلاب، مردم را از حاشیه‌ی سیاست، به متن سوق داد. در سیاست پیش از انقلاب، مردم هیچ‌کاره بودند. به تعبیر رهبر انقلاب، نظام جمهوری اسلامی، چیزی جز ملت ایران نیست. نظام اسلامی، تبلور اراده‌ی مردم است، نه یک نظام بوروکراتیک و اشرافی بریده از مردم. نظام جمهوری اسلامی، تجسم ساختاری خواست مردم است.

۷- «بی‌تردید، رمز بقای انقلاب اسلامی، همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه‌ی الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد.» (امام سیدروح‌الله خمینی؛ صحیفه‌ی امام؛ ج ۲۱، ص ۴۰۴).

۸- انقلاب، «حکومت پادشاهی» را که «حاکمیت شخصی» بود، ریشه‌کن کرد و به جای آن، «حاکمیت مردمی» را به وجود آورد. در آن دوره، شاه را «صاحب مملکت» می‌شمردند، اما انقلاب، مملکت را به صاحبان اصلی‌اش که ملتند، برگرداند، و این مردم هستند که با حضور و انتخاب خود، تعیین‌کننده‌اند (حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای؛ در دیدار مردم در حرم مطهر رضوی؛ ۱ فروردین ۱۳۹۵).

در اثر انقلاب، مردم از تماشاگران سیاست، به تعیین‌کنندگان آن تبدیل شدند. انقلاب، شکاف میان مردم و حکومت را به اتحاد این دو تبدیل کرد. نیرومندی بدنه‌ی اجتماعی انقلاب، سر‌اقتدار آن در برابر بیگانگان است. قوت جنبه‌ی مردمی انقلاب، آن را از تهدیدهای بنیان‌برافکن، عبور داده است. انتخابات‌های مربوط به نهادهای حاکمیت. انقلاب چه در استقرار اصل حاکمیت و چه در گزینش حاکمان و نهادهای حاکمیتی، مبتنی بر رأی مردم بوده است. تکثر نیروها و جریان‌های سیاسی که در موقعیت انتخاب‌شدن قرار می‌گیرند، نشانه‌ی واقعی بودن مردم‌سالاری دینی است. وقوع چرخش‌های سیاسی ناگهانی، نشان‌دهنده‌ی انتخابات آزاد/مهندسی‌نشده/سازمان‌نیافته/برنامه‌ریزی‌نشده بوده است. وجود نوسانات سیاسی گسترده و اساسی در نهادهای حاکمیتی در دوره‌های مختلف، حاکی از واقعیت داشتن مردم‌سالاری بوده است. تغییرات سیاسی ناشی از انتخابات، گواه وفاداری و صدق انقلاب نسبت به مردم‌سالاری است. روند انتخابات در دوره‌ی انقلاب، هیچ‌گاه متوقف نشده است. روند انتخابات در دوره‌ی انقلاب، متداوم/مستمر/همیشگی بوده است. جمهوری اسلامی، هیچ‌گاه در آراء مردم، خیانت نکرده است. پیروزی جریان مخالف دولت مستقر به‌عنوان مجری انتخابات، نشان‌دهنده‌ی سلامت انتخابات است. این که ولی‌فقیه، رأی مردم را از لحاظ شرعی، حق الناس قلمداد می‌کند، خصوصیت منحصر به فرد انتخابات در ایران است. از جمله دلایل اعتبار و سلامت انتخابات در ایران، حق الناس شمرده شدن رأی مردم از لحاظ دینی است. انقلاب، انتخابات فرمایشی/تشریفاتی/فرمایشی را برچید و انتخابات حقیقی/واقعی/اثرگذار را حاکم کرد. برگزاری سی‌وشش انتخابات در طول چهار سال گذشته، نشانه‌ی تعهد عملی انقلاب به مشارکت مردمی است.^(۹)

۹- از اول انقلاب تا امروز، نصاب شرکت مردم در انتخابات، پایین نیفتاده و تنزل نکرده است، بلکه رقم مشارکت، در مقایسه با انتخاب‌های دنیای غرب، بالا و نصاب بر جسته است. معنای شرکت وسیع مردم در انتخابات این است که نظام اسلامی، توفیق یافته «مردم‌سالاری دینی» را «تثبیت» و «تهدیه» کند؛ مردم‌سالاری، به یک «جریان عادی» تبدیل شده است. این برای کشوری که در طول قرن‌های متمادی، با احکام مستبد و دیکتاتور، گذران می‌کرده است، چیز کمی نیست، و باید قدر آن را دانست. این «نعمت بزرگ» را ناسپاسی نکنیم؛ همچنان که در سال هشتاد و هشت، عده‌ای این نعمت الهی را ناسپاسی کردند، و همچنین این که کسانی، انتخابات را ناسالم می‌شمارند (حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، در دیدار مردم در حرم مطهر رضوی؛ ۱ فروردین ۱۳۹۳).

تجربه‌ی مردم‌سالاری در ایران پس‌انقلاب و غرب

دموکراسی غربی، بیگانه با دین و در برابر دین است. در غرب، میان دین و دموکراسی، همگرایی برقرار نشده است. دموکراسی غربی، حیوانیت رها شده است. دموکراسی غربی، صورت عینی نفسانیت جمعی است. دموکراسی غربی، مظهر تفکر اومانیستی است. دموکراسی غربی، دموکراسی فارغ از اخلاق و ارزش‌های انسانی است. ذات نظام سرمایه‌داری، حتی دموکراسی سکولار را نیز بر نمی‌تابد. نظام سرمایه‌داری در غرب، دموکراسی را به منافع خود، محدود کرده است. نظام سرمایه‌داری با در اختیار داشتن رسانه‌ها، جایی برای دموکراسی واقعی، باقی نگذاشته است. حقیقت و پشت پرده‌ی دموکراسی غربی، سرمایه‌سالاری است، نه مردم‌سالاری. تمام ساز و کارهای دموکراسی در غرب، زیر سیطره‌ی نظام سرمایه‌داری است. دموکراسی در غرب، متعهد به منافع سرمایه‌سالاران صهیونیست است. نظام سرمایه‌داری، امکان وجود و اثرگذاری هرگونه تفکر مستقل را زوده است. در مقایسه با انتخابات کشورهای دیگر، حتی آمریکا و فرانسه به عنوان نمادهای دموکراسی نظام لیبرالی، میزان مشارکت در ایران، بیشتر است. ایران، صدرنشین / قله‌نشین / سرآمد مردم‌سالاری در جهان است. میانگین درصد مشارکت در انتخابات پارلمانی ایران، از میانگین کشورهای غربی، بالاتر است. در یک قرن اخیر، در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، همیشه نیمی از مردم شرکت نکرده‌اند. درصد مشارکت مردم برای انتخاب اعضای کنگره نیز، همیشه بین ۳۰ تا ۴۰ درصد در نوسان بوده است. میزان مشارکت مردم در انتخابات پارلمانی فرانسه نیز، بین ۴۰ تا ۶۰ درصد است. در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، ۵۵٫۷ درصد واجدان شرایط رأی‌دهی در آمریکا، به پای صندوق‌های رأی رفته‌اند. این عدد نسبت به سال ۲۰۱۲، رشد اندکی داشته، اما به رکورد سال ۲۰۰۸ که ۵۸٫۳ درصد بود، نرسیده است. از جمله کشورهای توسعه‌یافته که مشارکت انتخاباتی در آنها، کمتر از ایران است، می‌توان به فرانسه (۶۷٫۹ درصد)، آلمان (۶۶٫۱ درصد)، اتریش (۶۵٫۹ درصد)، انگلیس (۶۵٫۴ درصد)، کانادا (۶۲٫۱ درصد) و ژاپن (۵۲ درصد) اشاره کرد. در غرب، سیاست‌گریزی و بی‌تفاوتی سیاسی، رایج شده است. غیرسیاسی شدن جامعه‌ی غربی، ناشی از واقعیت نداشتن دموکراسی است. در انتخابات‌های پارلمانی ایران، درصد مشارکت از ۵۱ درصد تا ۷۱ درصد، متغیر بوده است.

حضور ۸۵ درصدی مردم در انتخابات، اتّفاقی است که در هیچ‌یک از کشورهای مهد دموکراسی، رخ نداده است. مشارکت مردم ایران در انتخابات سال ۹۶، به میزان ۷۳ درصد بود، این عدد، بالاتر از میزان مشارکت مردم بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، از جمله ایالات متحده است. از سال ۹۲ تا ۹۶، درصد مشارکت مردم در دو انتخابات ریاست‌جمهوری، روی ۷۳ درصد، ثابت مانده است. مشارکت سیاسی مردم ایران، حدّ نصاب‌های رایج را در هم‌شکسته است. کمترین مشارکت مردم در انتخابات ایران، برابر با بالاترین مشارکت در امریکاست. میانگین مشارکت مردم در هیچ‌یک از انتخابات‌ها، کمتر از پنجاه درصد نبوده است.

۲- مولفه‌ها و شاخصه‌های مجلس کارآمد

برای تدقیق و فهم عمیق شاخصه‌های مجلس مستقل، قوی و کارآمد باید نقاط نزاع گفتمانی و نقاط تعارض عملکردی مجلس کارآمد با مجلس ناکارآمد را تبیین نمود. در طرح‌واره جدولی ذیل هشتاد و چهار مولفه مجلس کارآمد و در مقابل آن مجلس ناکارآمد را بازخوانی می‌کنیم. طبعاً بر ایند این مولفه‌ها مردم را در تشخیص مصادیق یاری خواهد نمود.

مجلس غیر انقلابی و ناکارآمد	مجلس انقلابی و کارآمد
مجلس مسئله‌پاک‌کن و مجلس مسئله‌ساز	مجلس مسئله‌حل‌کن
مجلس فرصت‌طلب و سودجو	مجلس پاک‌پاکدست
مجلس سازشکار و توصیه‌پذیر	مجلس غیر‌وامدار
مجلس سرکوب‌کردن مخالفین	مجلس پاسخگو و انتقاد‌پذیر
مجلس تبلیغ و رسانه و شعار	مجلس کار
مجلس دور از مردم	مجلس همراز و همزاد مردم، مجلس متکی به مردم
مجلس گریزان	مجلس تصمیم‌و در میدان حاضر در صحنه
مجلس فساد‌پذیر	مجلس مبارزه با فساد
مجلس افراد خاص	مجلس مردمی و نوکر مردم
مجلس روزمرگی	مجلس آینده‌نگر
مجلس واقعیت‌زده	مجلس آرمانگرا
مجلس سکولار	مجلس ایمانی
مجلس ضعف شخصیت و شاه‌سلطان‌حسینی	مجلس شجاع غیر‌تمند

مجلس در دسترس مردم	مجلس دور از دردهای مردم
مجلس شفاف	مجلس مخفی کار
مجلس سیاست زده اجتماعی	مجلس متوازن
مجلس پایبند به اخلاقیات دینی	مجلس بی مبالات به احکام اسلامی
مجلس صبور و پیر استقامت	مجلس شکننده و بحران زا و بحران نما
مجلس احیاء ارزش های انقلاب و تهدید زا	مجلس عدول از گفتمان انقلاب
مجلس قانونمدار	مجلس قانون ستیز و قانون گریز
مجلس آگاه به دغدغه های مردم	مجلس بی خیال
مجلس حل اساسی مشکلات	مجلس فرار از مشکلات
مجلس جوانگرا	مجلس جوان فریب
مجلس صرفه جویی	مجلس اسراف و بریز پباش
مجلس خلاق و نوآور	مجلس مقلد
مجلس چاپک و کارآمد	مجلس لخت و تنبل و پیر
مجلس ساده زیستی و نوکری	مجلس اشرافیت و تکبر
مجلس حرمت بیت المال	مجلس بی مبالات به اموال بیت المال
مجلس ولایتمدار	مجلس بی اعتقاد به ولایت فقیه
مجلس مبارزه با مفاسد نظام یافته	مجلس بی تفاوت به مفاسد
مجلس مبارزه با مفاسد	مجلس توجیه مسائل
مجلس ایجاد تمدن نوین اسلامی	مجلس توسعه و مدرن شدن
مجلس استقلال و عزتمندی	مجلس ذیل تمدن غرب
مجلس متکی به حرمت ملی	مجلس پیروی مقلدانه از مسیر غرب
مجلس ابتکار و نوآوری	مجلس تقلید
مجلس توجه به نیروهای درونی	مجلس وابستگی محض به غرب
مجلس ابتناء بر تعالیم و مبانی دینی	مجلس دین در حاشیه و بصورت فردی

مجلس عدالت و پیشرفت	مجلس توسعه غربی
مجلس مبارزه با فقر	مجلس تکریم سرمایه داران
مجلس کرامت انسانی	مجلس آزادی مطلق
مجلس ایستادگی و پایداری	مجلس عدم لزوم تحمل سختی‌ها
مجلس جهاد و مقاومت	مجلس تسلیم
مجلس شرافت ملی	مجلس جایگاه جهان سوم و در حال توسعه
مجلس جنبش علمی و جنبش نرم‌افزاری	مجلس ترجمه و تقلید علمی
مجلس برابری فرصت‌ها	مجلس برخورداری برترها
مجلس همه ایران	مجلس سعد آباد نشین‌ها
مجلس جوانی و نشاط	مجلس پیری و فرسودگی
مجلس اقتصاد مقاومتی	مجلس اقتصاد آزاد
مجلس آزادی فلسطین و مقابله با اسرائیل	مجلس عدم چالش و درگیری (نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران)
مجلس ساده زیستی مسئولان	مجلس لزوم سیر بودن مسئولان
مجلس رسیدگی به نقاط محروم	مجلس تمرکز گرایی و مجلس در تهران (تهران جلو چشم دنیاست)
مجلس حیا و عفت و حجاب	مجلس ولنگاری
مجلس اشتغال	مجلس حفظ سرمایه‌های خارجی به هر شکلی
مجلس مردمی	مجلس طی شدن دوران انقلاب/ مردم به سراغ کارهای خودشان بروند
مجلس اهداف مادی و معنوی توأمان	مجلس وظیفه آبادانی صرف دنیا
مجلس رشد فرهنگ دینی	مجلس دین هم یکی از اجزای فرهنگ است
مجلس تعمیق و گسترش اخلاق	مجلس قانون کافی است
مجلس فرهنگ دفاع مقدس	مجلس ساخت موزه و لزوم بازگشت به گذشته و باستان‌گرایی
مجلس مبارزه با تبعیض و آقازاده‌ها	مجلس لزوم رعایت‌شان پیشکسوت‌های حتی متخلف
مجلس گسترش و اصلاح فرهنگ ازدواج	مجلس جوانها و خانواده‌هایشان خودشان کاری می‌کنند
مجلس مقابله با تهاجم فرهنگی	مجلس دهکده جهانی و لزوم تسلیم فرهنگی
مجلس مهندسی فرهنگی	مجلس فرهنگ آخرین بخش از وظایف مجلس و امری مستحب

مجلس قدرتمندی ابزارهای ترویج سبک زندگی غربی و ناچاری از تبعیت از سبک زندگی غربی	مجلس سبک زندگی اسلامی - ایرانی
مجلس امکان بی قانونی و عدم ضرورت درد سر سازی	مجلس لزوم به میدان آوردن انرژی و ظرفیت مردم
مجلس فراری شدن سرمایه ها	مجلس مقابله با فساد
مجلس جهان دست قدرت ها است	مجلس لزوم ایجاد جبهه جهانی مقاومت
مجلس عدم پررو کردن مردم	مجلس لزوم پاسخگویی مجلس
مجلس وجود نداشتن راه دیگر جز راه غربی ها	مجلس پایان لیبرال دموکراسی
مجلس دین حداقلی است و حرفی در امور اجتماعی و سیاسی ندارد	مجلس مردم سالاری دینی
مجلس زن یک عنصر کار	مجلس زن و لزوم نقش مادری و تربیت
مجلس ساخت و ساز سخت افزاری فرهنگی	مجلس فرهنگ در فضای ذهن و قلب و رفتار و دارای وجوه نرم افزاری
مجلس نیازمندی مردم به سرگرمی	مجلس لزوم دانشگاه شدن جامعه
مجلس یادگیری یافته های غربی	مجلس آموزش روش حل مسائل و وظیفه نظام آموزش است
مجلس جامعه پذیری و وظیفه نظام آموزش و رسانه ها	مجلس لزوم توجه به خانواده
مجلس خانواده در حال مدرن شدن	مجلس خانواده سنگر اصلی
مجلس لزوم توجه به فرد و فردگرایی	مجلس خانواده سلول جامعه
مجلس وظیفه فقط تولید محصولات و فضاهای فرهنگی است	مجلس وظیفه مجلس قرار گرفتن در کنار خانواده است
مجلس ما در حال مدرن شدن و زندگی به سبک غربی هستیم	مجلس کاهش ازدواج یک تهدید است
مجلس طلاق از تبعات زندگی شهری و توسعه و کاهش یافتن ارتباطات اجتماعی است	مجلس افزایش طلاق، تهدید کننده جامعه
مجلس مشکلات اقتصادی و یادآوری چالش های گذشته و عدم امکان آن در دنیای جدید	مجلس لزوم تولید نسل
مجلس فرهنگ ساختمانی (فرهنگ سرا خانه فرهنگ، سرای فرهنگ و محله)	مجلس مسجد محوری
مجلس نقش ساختمان و مدرسه و کلاس	مجلس نقش ویژه معلم
مجلس اسلام زینت المجالس و اسمی برای لذت بردن	مجلس اسلام رمز مقاومت
مجلس خسته و خمود	مجلس خستگی ناپذیر



هیأت رزمندگان اسلام

هیأت‌ها نمی‌توانند سکولار باشند
هیأت امام حسین علیه السلام سکولار، ما نداریم

مقام معظم رهبری مدظله العالی

در دیدار با اعضای هیأت امنای هیأت رزمندگان اسلام

۲۰ آبان ۹۲



@eheyat



www.eheyat.com



۶۶۰۰۰۰۰۱۰۶۶